بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گام دوم انقلاب اسلامی

برای تحقق

نقشه‌ی خدا

قرارگاه عرش‌الرّحمن

مرکز اشاعه‌ی ایمان

سرمایه‌ی ایمان

اندیشکده یقین
مرکز بررسی‌های دکترینال
www.andishkadeh.ir

قرارگاه عرش‌الرّحمن

مرکز اشاعه‌ی ایمان

سرمایه‌ی ایمان

ویراست یکم ـ تیر ۱۴۰۳

به مناسبت یکمین سالگرد
اعلام حکم فقهی اوجب واجبات



در نظام اسلامی، پایه و قوام نظام، مردم‌اند، ایمان مردم است

و اگر چنانچه ایمان مردم نباشد، نظام نخواهد بود.

[امام خمینی (ره)] فرمودند: « حفظ نظام از اوجب واجبات است. »

گاهی انسان فکر می‌کند که [حفظ نظام] اوجب واجبات است؛

پس حفظ ایمان مردم می‌شود واجب.

امام خامنه‌ای (حفظه‌الله)

در دیدار مبلّغین و طلاب ۱۴۰۲/۰۴/۲۱

فهـرست

مقـدمه

مقدمه

ایمان قرآنی [همانند ایمانِ انجیلی مسیحیان که با مقاومت کافران روبه‌رو بوده است] دربرابر خود، جبهه‌ی کافرانِ مدرن را می‌بیند، که البته بعضاً یهودیان و مسیحیان نیز در این صف‌آرایی، در جبهه‌ی تقابل کفار با ایمان قرآنی، به کافران یاری می‌رسانند و بغض و کینه‌ی خود از اسلام و قرآن را کتمان نمی‌کنند.

در این تقابل بی‌امان، حفظ ایمان پیروان حضرت محمد(ص) یک فریضه‌ی واجب است و همگاه با آن، اشاعه‌ی ایمان قرآنی در بین مسلمین، و بسط ایمان قرآنی در بین سایر نحله‌ها و مکاتب، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

جایگاه ایمان در هندسه‌ی فکری رهبر انقلاب، جایگاه بسیار رفیعی است:

رهبر انقلاب اسلامی، در ۲۱ تیرماه ۱۴۰۲ در دیدار طلاب و علمای حوزه‌های علمیّه فرمودند:

در نظام اسلامی، پایه و قوام نظام، مردم‌اند، ایمان مردم است، و اگر چنانچه ایمان مردم نباشد، نظام نخواهدبود. [امام خمینی(ره)] فرمودند: «حفظ نظام، اوجب واجبات است». گاهی انسان فکر می‌کند که اوجب واجبات است؛ پس «حفظ ایمان مردم» می‌شود «واجب».

رهبر انقلاب در یکی از نخستین سخنرانی‌های عمومی در ابتدای دوره‌ی زعامت و رهبری، در ۸ تیرماه ۱۳۶۸ فرمودند:

«برای انجام کارهای عظیم، فقط باید به کمک و نصرت الهی و ایمان عامه‌ی مردم تکیه کرد. پول و سلاح مدرن و قدرت مادّی و سیاست‌بازی و سیاسی‌کاری، تکیه‌گاه مطمئنی برای انجام کارها نیستند. البته آن دو عامل، در عرض یکدیگر نیستند، بلکه در طول هم هستند؛ یعنی اگر تکیه‌گاه ما خدا و کمک الهی بود، دل‌های مردم هم متوجه پروردگار خواهدشد.

خدای متعال به رسول گرامی خود [که بزرگ‌ترین تکلیف‌ها را متناسب با شخصیت او بر دوشش گذاشته بود و در طول تاریخ بشر، هیچ تکلیفی بدان پایه نمی‌رسید] فرمود: « هُوَ الَّذي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنينَ ... آیه ۶۲ انفال »؛ یعنی همین دو تکیه‌گاه [نصرت الهی و کمک مؤمنین] تو را پیش می‌بَرَد. برای همین است که ما اعتقاد داریم وقتی قدرت‌های مادی با حق سینه‌به‌سینه شوند، پوشالی و توخالی هستند، و وقتی به قدرت‌های باطل اعتنایی نشود و انسان‌ها با اراده‌ی خود با آن‌ها در نیفتند، هیچ عکس‌العملی نخواهند داشت، و هرگاه نیروی پرتوان مردم با قدرت‌های باطل درگیر شود، خودبه‌خود آن قدرت‌ها را به عقب‌نشینی وادار خواهدکرد.»

ایشان در باره‌ی مؤلفه‌ی اساسی شکست‌ناپذیری ملّت ایران، در ۱۳ دی ۱۳۶۹ فرمودند:

«ملّت ایران، به خاطر ایمان عمیق به اسلام، یک ملّت شکست‌ناپذیر است.»

هم‌چنین در باره‌ی اتّکاء نظام اسلامی، در ۲۳ اردی‌بهشت ۱۳۷۹ در خطبه‌های نماز جمعه فرمودند:

«نظام اسلامی، به ایمان این خیل عظیم مردم، متّکی است.»

سپس در ۱۱ مرداد ۱۳۸۰ در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، فرمودند:

«از سیاست‌های دشمنان اسلام این است، که ایمان مردم را بگیرند و اعتقاد آن‌ها به انقلاب را سلب کنند.»

«... باید ایمان دینی را در مردم حفظ کرد تا این مردم بتوانند مقاومت خود را حفظ کنند و بایستند و از مسئولان پشتیبانی کنند و در مقابل خطرها سینه سپر نمایند.»

ایشان در ۷ خرداد ۱۳۸۱ در دیدار نمایندگان مجلس فرمودند:

«اگر پایه‌های فرهنگی بخواهد مستحکم شود، شرط اصلی این است که ایمان مردم به دین و مواریث فرهنگی خودشان، روز‌به‌روز استحکام پیدا کند و تضعیف نشود.»

سپس در ۵ مرداد ۱۳۸۱ در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه فرمودند:

«پایه‌های این حکومت، فقط بر آراء مردم نیست؛ [بلکه] آراء و عواطف و ایمان مردم، پایه‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی است.»

در ۱۱ آبان ۱۳۸۲ در دیدار کارگزاران نظام، فرمودند:

«امروز جمهوری اسلامی، مسلّح به سلاحی است که از سلاح اتمی، بالاتر و برّنده‌تر است، و آن، سلاح اراده و ایمان مردم، و حضور و همراهی آن‌ها با دولت است، که سلاح بزرگ ماست.»

و در ۱۳ اردی‌بهشت ۱۳۸۴ فرمودند:

«هرچه می‌توانید، ایمان مردم را زیاد کنید.»

و سی‌وشش روز بعد، در ۱۸ خرداد ۱۳۸۴ فرمودند:

«ایمان و عزم راسخ این ملّت، می‌تواند مهم‌ترین تضمین‌کننده‌ی ادامه‌ی این راه باشد.»

و هفت روز بعد، در ۲۵ خرداد ۱۳۸۴ فرمودند:

«تکیه‌ی ما به ایمان عمیق مردم است.»

ایشان در ۱۴ اردی‌بهشت ۱۳۸۷ در دیدار بسیجیان استان فارس، فرمودند:

«اتّکاء این نظام به خدا و عوامل الهی است و مهم‌ترین عوامل الهی، همین ایمان‌های مردمی است.»

در ۲۹ دی‌ماه ۱۳۸۸ در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، فرمودند:

«میلیون‌ها [نفر از] مردم، هر سال [در] ۲۲ بهمن، در سرتاسر کشور به خیابان‌ها می‌آیند؛ آن‌ها عید انقلاب و سال‌روز انقلاب و یادبود انقلاب را اعلام می‌کنند؛ معنایش این است که انقلاب، قائم به ایمان‌های آحاد مردم است.»

سپس هفت روز بعد در ۶ بهمن ۱۳۸۸ فرمودند:

«جمهوری اسلامی، هویتی غیر از هویت مردم و ایمان مردم و عزم مردم ندارد.»

و در ۱۹ دی‌ماه ۱۳۹۵ هشدار دادند:

«آن که ایران را دوست دارد، باید بداند که حمله به ایمان اسلامی جوانان، یک خیانت به ایران است... ایمان دینی، جزو مهم‌ترین عناصر مقاومت و تحرّک این کشور است؛ مال امروز هم نیست، از ۱۳۰، ۱۴۰ سال پیش به این طرف، هر حرکتی در این کشور انجام گرفته است که اثرگذار، جریان‌ساز و مؤثر بوده است، عنصر ایمان دینی، حرف اول را در آن می‌زده است.»

* * * * *

اکنون اسلامیّتِ نظام جمهوری اسلامی [که برخاسته از ایمان توده‌های مردم است] نیاز به «بازسازی»، «حفظ»، و «بسط» روزآمد دارد. برای عمل به این فریضه‌ی اوجب واجبات [یعنی حفظ ایمان مردم]، «مرکز اشاعه‌ی ایمان» به‌عنوان

«قرارگاه عرش‌الرّحمن» [در راستای «اشاعه‌ی ایمان کامل» و «اقامه‌ی عمل صالح»، و تواصی به حق و به صبر] با تلاش جمعیِ گروه برادران و خواهران حیطه‌ی جهاد کبیر، راه خود را می‌پیماید؛ به‌حول قوه‌ی الهی.

عملیات اشاعه‌ی ایمان قرآنی، از سه سطح اجرایی برخوردار است:

ـ در سطح توده‌ی مردم؛ برای تحقق ایمان عام، با ایجاد «جنبش اجتماع ایمان‌مدار».

ـ در سطح خواص و نخبگان؛ برای تحقق ایمان خاص، با ایجاد «شبکه‌ی گفتمانی ایمان‌مدار».

ـ و در سطح مسئولان و کارگزاران نظام؛ برای تحقق نظام‌سازی قرآنی، با ایجاد «ستاد مستشاری ایمان‌مدار».

عملیات اشاعه‌ی ایمان قرآنی، در این سه سطح، با قصد «بازتولید سرمایه‌ی ایمان» در نظام سرمایه‌گرایی قرآنی اجرا می‌شود.

مبتنی‌بر «دکترین کبیر انقلاب اسلامی»؛ سرمایه‌ی ایمان، زیربنای سایر سرمایه‌های ملّی [سرمایه‌ی علمی، سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی آدمی، سرمایه‌ی مالی، و ...] است، و هرچه سرمایه‌ی ایمان تقویت و تعمیق یابد، سایر سرمایه‌های ملّی نیز از سرمایه‌ی مادر [یعنی سرمایه‌ی ایمان قرآنی] تأثیر پذیرفته و غنی‌سازی می‌شوند.

به امید خیزش مؤمنین، در قرن ایران، قرن اسلام، و قرن ایمان قرآنی؛ ان‌شاءالله.

فصل یکم

ایمــان

دکترین کبیر انقلاب اسلامی

روندهای ملّی



۱ ـ روندهای بنیادی	*Fundamental Trend* *[Ideologic & Doctrinal Trends]*
۲ ـ ابر روندها	*Super Trend* *[Strategic Trends]*
۳ ـ روندهای کلان	*Macro Trend* *[Operational Trends]*
۴ ـ روندهای خرد	*Micro Trend* *[Tactical Trends]*
۵ ـ روندهای ریز	*Nano Trend* *[Technical Trends]*

راهنمای روندهای ملّی جمهوری اسلامی

دکترین انقلاب اسلامی

روند ۱ حکومت اسلامی؛ به معنی «ولایت فقیه»

انقلاب اسلامی، در وسط معرکه‌ی پارادایم دوقطبی چپ و راست [شرق و غرب ـ لیبرالیسم و سوسیالیسم] به وقوع پیوست. در دهه‌ی دوم عمر جمهوری اسلامی، جریان شبه روشنفکری مدرن کوشید تا نظام دوقطبی سنت و مدرنیسم را جای‌گزین کند؛ اما درنهایت جهان به نظام دوقطبی امانیسم [بشرگرایی] با محوریت دنیای مدرن، و تئویسم [خداگرایی] با محوریت ایران رسید.

درواقع سوپرپارادایم خداگرایی، همان اَبروادی «حکومت اسلامی» است که از بهمن ۱۳۵۷ تاکنون، با آزمون و خطا راه تکوین خود را می‌پیماید.

اما یک پرسش اساسی مطرح است: «چرا حکومت اسلامی با نام «ولایت فقیه» مشهور شده است؟» پاسخ به این پرسش؛ در تبیین «حکمتِ ولایت» در سه محور ارائه می‌شود:

الف ـ دکترین حکومت اسلامی

۱ـ در عرف اسلامی، نام حکومت «ولایت» است.[۱] [امام خامنه‌ای(حفظه‌الله) ۱۳۷۹]

۲ ـ «حکومت»، نفوذ در دل‌ها و مقبولیت در ذهن‌هاست.[۲] [امام خامنه‌ای(حفظه‌الله) ۱۳۷۹]

(تعریف قدرت نرم نیز تسخیر قلب‌ها و ذهن‌هاست.)

۳ـ بنای حکومت اسلامی این است که مردم را از «ظلمات» به «نور» ببرد.[۳] [امام خامنه‌ای(حفظه‌الله) ۱۳۷۹]

۴ ـ اگر این‌طور شد [بُردنِ مردم از ظلمات به نور] جامعه «نورانی» خواهد شد.[۴] [امام خامنه‌ای(حفظه‌الله) ۱۳۷۹]

ب ـ روند طرح‌ریزی

۱ ـ محصول حکومت اسلامی (ولایت): جامعه‌ی نورانی.

۲ ـ فرآیند حکومت اسلامی (ولایت): نفوذ در دل‌ها و مقبولیت در ذهن‌ها.

ج ـ روند ولایت (حکومت)

در اصطلاح و عرف اسلامی، نام حکومت «ولایت» است [امام خامنه‌ای(حفظه‌الله) ۱۳۷۹]. روند ولایت‌پذیری در تلقی امام خمینی*(ره) چهار مرحله دارد؛ که این چهار مرحله، درواقع مراحل چهارگانه‌ی حکمت عملی ولایت هستند، که در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته‌ی «ادب حضور» و «ادب حدود» تفکیک می‌شوند؛ با «درک حضور»، «حفظ حضور»، سپس «درک حدود» و «حفظ حدود» الهی.

---

۱ ـ معنای ولایت چیست؟ ... اسلام دارای نظام سیاسی است، حکومتی بر مبانی مقررات اسلامی پیش‌بینی شده است. در اصطلاح و عرف اسلامی، نام حکومت «ولایت» است. ولایت، چه طور حکومتی است؟ ولایت، آن حکومتی است که شخص حاکم با آحاد مردم دارای پیوندهای محبت‌آمیز و عاطفی و فکری و عقیدتی است. ... ولایت، یعنی آن حکومتی که در آن، ارتباطات حاکم با مردم، ارتباطات فکری، عقیدتی، عاطفی، انسانی و محبت‌آمیز است، مردم به او متصل و پیوسته‌اند، به او علاقه‌مندند و او؛ منشاء همه‌ی این نظام سیاسی و وظایف خود را از خدا می‌داند و خود را عبد و بنده‌ی خدا می‌انگارد. (امام خامنه‌ای – عید سعید غدیر خم – ۱۳۷۹/۰۱/۰۶)

۲ ـ حکومت، فقط فرمانروایی نیست، حکومت، نفوذ در دل‌ها و مقبولیت در ذهن‌هاست؛ کسی که در چنین موقعیتی قرار می‌گیرد یا خود را قرار می‌دهد، اول باید در درون خود به صورت دائمی مشغول تأدیب باشد؛ خود را هدایت کند، به خود تذکر بدهد و خود را موعظه کند. (امام خامنه‌ای ـ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ـ ۱۳۷۹/۱۲/۲۶)

۳ ـ ... بنای حکومت اسلامی این است که مردم را از ظلمات به نور ببرد. ظلمات در درون خود ما زمینه دارد. در عالم طبیعت هم مایه‌های ظلمانی فراوان است. در کشاکش مسائل جهان و میان مردم، ظلمت‌های فراوانی سر راه قرار می‌گیرد. (امام خامنه‌ای – در دیدار با کارگزاران و مدیران حج ـ ۱۳۷۹/۱۱/۱۰)

۴ ـ اراده‌ی دین است که انسان را از ظلمات خودخواهی، خودپرستی، شهوت، محصور بودن در مسایل شخصی و بی‌تقوایی در برخورد با هر کس، با هر چیز و با پدیده‌های عالم، خارج کند و به نور ببرد؛ نور اخلاص، نور صفا، نور تقوا، نور معنویت، نور هدایت و نور همت بلند برای خدا. اگر این‌طور شد، جامعه نورانی خواهد شد. (امام خامنه‌ای ـ در دیدار با کارگزاران و مدیران حج ـ ۱۳۷۹/۱۱/۱۰)

* امام خمینی، سرّالصلوه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تهران ۱۳۶۹

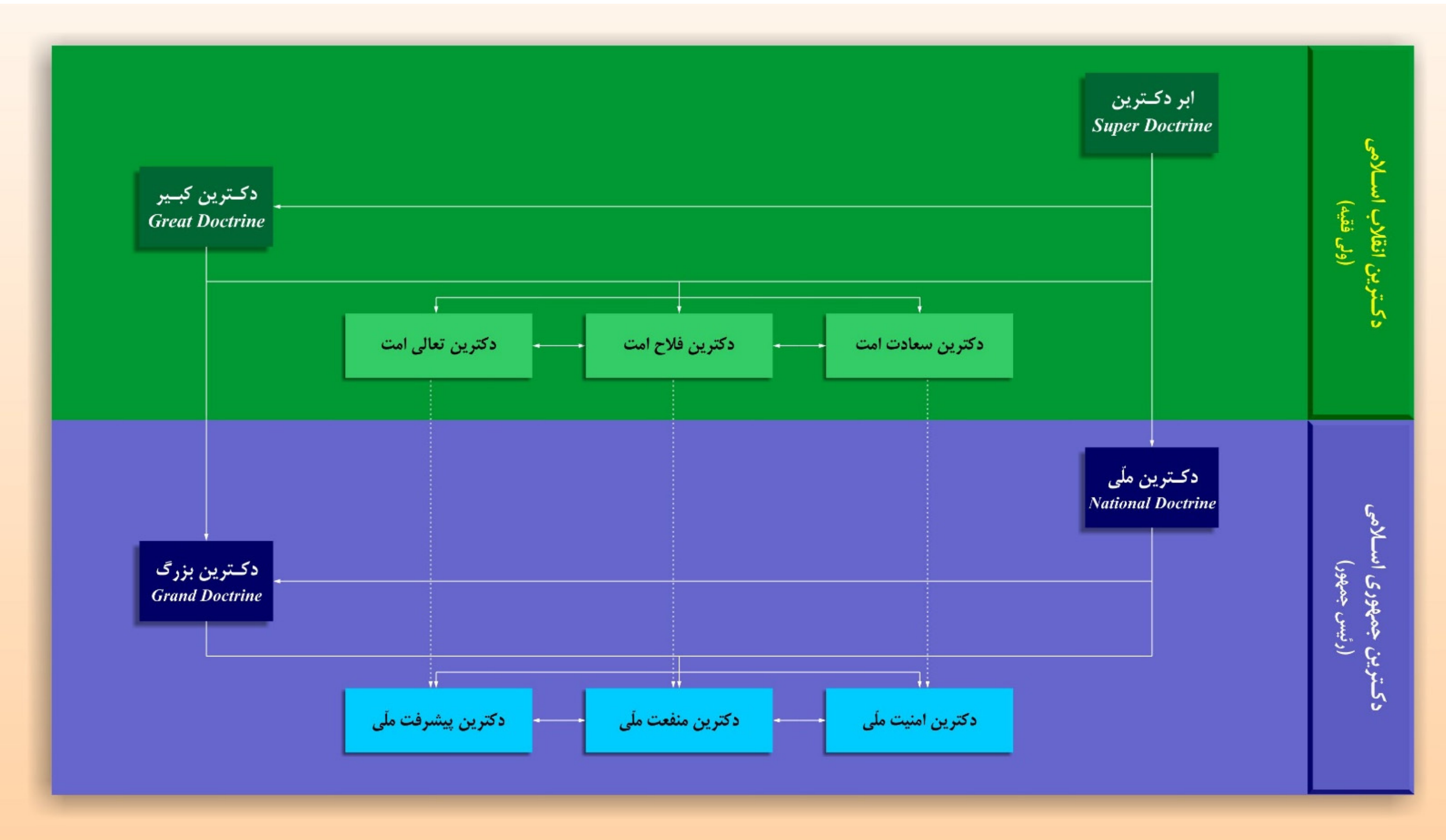
«حکومت اسلامی» به معنی «ولایت فقیه» مبتنی بر قواعد فقهی [در قرآن و عترت] است؛ که محصول «تفقه» حکمای الهی در منابع اسلامی است. قواعد فقهی، که به تعبیر رایج «دکترین‌های فقهی» خوانده می‌شوند؛ اساس فعل و انفعالات، و کنش‌ها و واکنش‌ها در جامعه‌ی اسلامی هستند.

تبعاً دکترین‌های سطوح گوناگون انقلاب اسلامی، همان دکترین‌های [قواعد] فقهی اسلام هستند که در لایه‌های متعدد و متنوع نظام اجتماعی مسلمین و جامعه‌ی اسلامی، مبنای عمل و عکس‌العمل محسوب می‌شوند. شناخت انقلاب اسلامی، منوط به شناخت «دکترین‌های انقلاب اسلامی»؛ و شناخت جمهوری اسلامی، منوط به شناخت «دکترین‌های جمهوری اسلامی» است.

سطوح دکترین‌ها در نظام اسلامی

دکترین انقلاب اسلامی از دکترین جمهوری اسلامی متمایز است. دکترین انقلاب اسلامی در دو حیطه‌ی «ابردکترین» انقلاب اسلامی، و «دکترین کبیر» انقلاب اسلامی تبیین می‌شود.

دکترین جمهوری اسلامی نیز به نوبه‌ی خود در دو حیطه‌ی «دکترین ملی» جمهوری اسلامی و «دکترین بزرگ» جمهوری اسلامی تبیین می‌گردد، اما تابعی از دکترین انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.



روند ۱/۱ اَبَـر دکترین انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی، انقلابی با محتوا و مضمون اسلامی است. ازاین‌رو در ذات و جوهر دکترین آن، اسلام مستتر است. درواقع ابردکترین انقلاب اسلامی، همان اسلام است:

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلامُ ... آیه ۱۹ آل عمران

دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است.

طرح جامع «ابردکترین انقلاب اسلامی»

طرح جامع ابردکترین، در سه حوزه‌ی «کارکرد»، «روند» و «محصول» آن تبیین شده است:

الف ـ کارکردگرایی

روی‌کرد کارکردگرا *Functional* به اسلام، نشان می‌دهد که «کارکرد اسلام قسط است» [جوادی آملی. تفسیر تسنیم]، یعنی «سهم هرکس [هرچه هست] باید به او پرداخته شود». قسط در معرفت توحیدی روبه‌روی ظلم است و وجه ضدّ ظلم اسلام در مفهوم قسط مستتر است. اگر از دین اسلام قسط حذف شود، این دین کارکرد اجتماعی خود را از دست می‌دهد.

کارکرد اسلام، کاملاً اجتماعی است و «قسط» به عنوان کارکرد اسلام، همه‌ی شئون زندگی و حیات فردی و اجتماعی (از فرهنگ و اقتصاد، تا سیاست) را در بر می‌گیرد.

ازاین‌رو در دکترین انقلاب اسلامی، کارکرد اسلام یعنی «قسط»، شاخص و معیار سنجش «کارآمدی» دین در عرصه‌ی اجتماعی و «کارآمدی» انقلاب اسلامی و نهادهای آن در پاسخ‌گویی به مشکلات و مسائل پیش روی جامعه است.

قرآن عظیم قسط را در سه سطح بیان فرموده است: سطح عموم مردم، سطح خواص و در سطح پروردگار عالَم:

۱ ــ در سطح عموم و توده‌ها در اجتماع؛ دعوت به قیام همگانی به قسط:

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْميزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَديدَ فيهِ بَأْسٌ شَديدٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزيزٌ آیه ۲۵ الحدید

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حقّ از باطل) نازل کردیم تا مردم قیام به قسط کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند [مبتنی] بر غیب. خداوند قویّ و عزیز است.

۲ ــ در سطح خواص و نخبگان، امر به قوام به قسط:

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ ... آیه ۱۳۵ نساء

ای آنان که ایمان آورده‌اید، باشید قوّام به قسط، و گواهانی برای الله

۳ ــ در سطح ربّ‌العالمین، تأکید بر قائم بودنِ حضرت الله جلّ‌جلاله بر قسط:

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ آیه ۱۸ آل‌عمران

خدا که همواره به قسط «قائم» است، گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست؛ و فرشتگانِ [او] و دانشوران [نیز گواهی می‌دهند که:] جز او، که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست.

امر و نهی در اسلام

نظام توحیدی «امر و نهی» در اسلام، به تفکیک «امر شیطان به فحشا»، و «نهی الله از فحشا» و متقابلاً «امر به قسط» منتج شده است.

حضرت الله تبارک و تعالی به «قسط و عدل و حسن» امر کرده و به فحشاء امر ننموده است:

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْط ... آیه ۲۹ اعراف

بگو رب من امر کرده است به قسط

قُلْ إِنَّما حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَن ... آیه ۳۳ اعراف

بگو رب من حرام کرده است فواحش را، آنچه ظاهر است از آن و آنچه در باطن

إِنَّ اللَّهَ لا يَأْمُرُ بِالْفَحْشاء ... آیه ۲۸ اعراف

همانا خدا امر نمی‌کند به فحشا

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبى وَ يَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُون آیه ۹۰ نحل

خدا به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر می‌کند و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند.

خدا به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکّر شوید

اما در مقابل، شیطان امر می‌کند به فحشا و منکر:

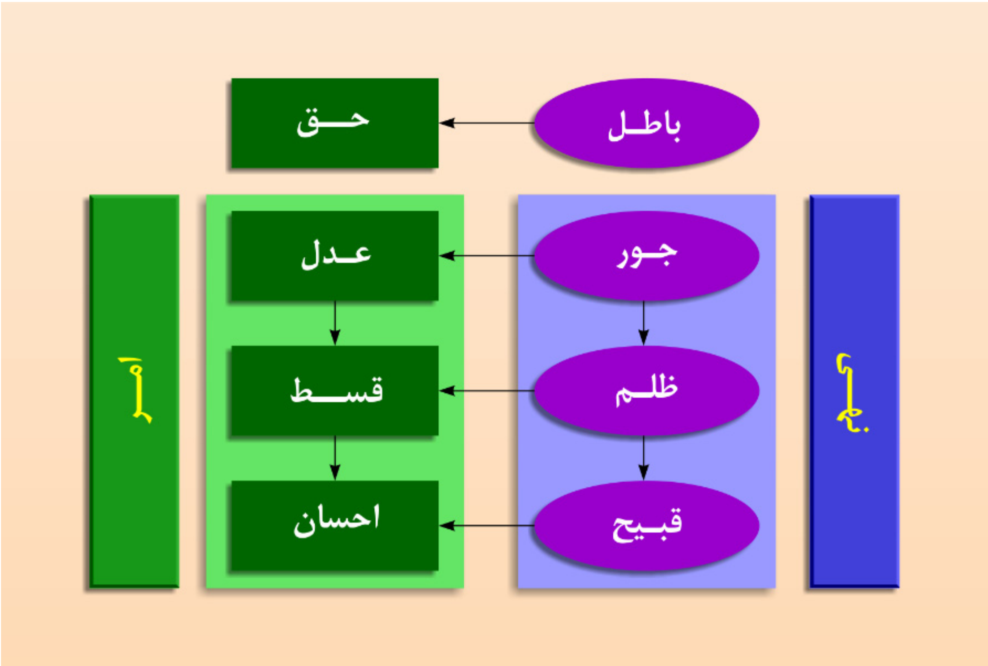
يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ ... آیه ۲۱ نور

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از گام‌های شیطان پیروی نکنید، هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می‌سازد، زیرا) او به فحشا و منکر امر می‌کند.

انسان‌ها و جامعه، میان دو امر، مختار به تبعیت هستند: امر به فحشا و امر به قسط و عدل. تبعیت از «امر به فحشا»، انسان و جامعه و تمدن را به انحطاط می‌کشاند. عبرت از تاریخ مجرمین در تمدن‌های پیشین این است که هر جامعه‌ای که امر به فحشا و منکر را پذیرفت [و به آن عمل کرد] به انحطاط رسید و با عذاب مواجه شد. اکنون تمدن برتر جهان مادی یعنی امپراتوری مدرن آمریکا به عنوان «شیطان بزرگ»، امر می‌کند به فحشا و منکراتی که برای هریک از آن مواردِ فحشا، در تاریخ بشر یک تمدن نابود شده است.

خمینی کبیر(ره) چهار لقب عمده به امپراتوری مدرن آمریکا داد: استکبار جهانی، شیطان بزرگ، تروریست بالذّات و امّ الفساد قرن. جوهر دکترین‌های امپراتوری آمریکا، «امر به فحشا و منکر» است، ازاین‌رو امّ الفساد است. فحشای نهادینه شده در تمدن غرب و آمریکا، در اندیشه و عمل، و در شیوه‌ی زندگی آمریکایی *American lifestyle* مشهود است.

درحالی‌که شیطان بزرگ به پیروی از ابلیس، امر می‌کند به فحشا [و مصادیق جامع آن مانند جور، ظلم و اعمال قبیح]، خدای متعال امر کرده است به قسط و عدل و حسن.



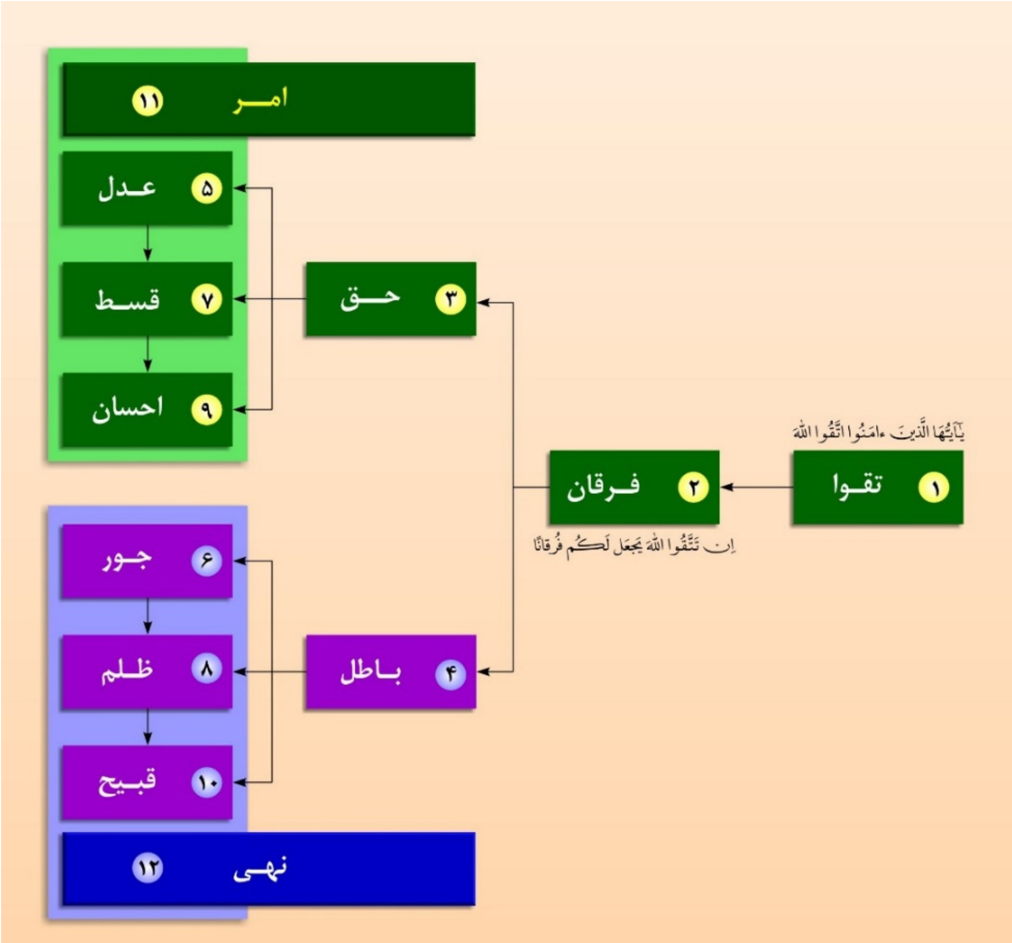
انقلاب مستمر، مبتنی بر امر و نهی در اسلام

امر خدای متعال، همان «کارکرد اسلام» است. در دکترین انقلاب اسلامی (مبتنی بر جوهر آن یعنی اسلام)، قسط و عدل و حسن به عنوان «کارکرد انقلاب اسلامی» مطرح بوده و تجویز می‌شود: **انقلاب اسلامی، انقلابی مستمر از ظلم به قسط، از جور به عدل، و از گزاره‌های قبیح به حسن و (همچنین به) احسان است.**

ب ـ روندگرایی

روی‌کرد روندگرا به اسلام، نشان می‌دهد که نقطه‌ی عزیمتِ هر مؤمن و هر جامعه‌ی اسلامی، در «تقوا» واقع شده است. مطالبه‌ی نخست همه‌ی انبیاء(ع) در ابتدای دعوت خود این بود: «**فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ** ... آیات ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۶۳، ۱۷۹ شعرا». مسلمین نیز توسط امام خود دعوت و هدایت می‌شوند تا به مقام تقوا برسند. مبتنی بر آن‌چه که فرمود: «**إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا** ... آیه ۲۹ انفال» تقوا منتج به جعل «فرقان» در فرد و جامعه‌ی متقی می‌شود؛ یعنی قوه‌ی تشخیص میان حق و باطل. در این مرحله، کسی که مسلم است، تمایز امر الله، از امر شیطان را درمی‌یابد.

روند اسلام، از تقوا می‌آغازد، و با امر به معروف و نهی از منکر استمرار می‌یابد. حیات اسلام در روندگرایی، متأثر و ناشی از سه گزاره است: اخلاق مبتنی بر «تقوای الهی»، معرفت توحیدی مبتنی بر «فرقان»، و عمل صالح مبتنی بر «ایمان».



روند در اسلام

در طرح جامع دکترین انقلاب اسلامی، «روند اسلام» متضمن «تقوا»محوری و «فرقان»مداری، و هم‌چنین امر به معروف و نهی از منکر است. جامعه‌ی منهای این روند، جامعه‌ی «منهای اسلام» است.

ج ـ محصول‌گرایی

روی‌کرد محصول‌گرا به اسلام در طرح‌ریزی استراتژیک و قدرریزی فقهی، به «انسان تراز» اسلام منتج می‌شود. انسان تراز و آرمانی اسلام «عبدالله» است. حضرت الله تبارک و تعالی هدف خلقت جن و انس را «عبودیت» مقرر فرمود:

وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاَّ لِیَعْبُدُون آیه ۵۶ ذاریات

من جنّ و انس را نیافریدم مگر برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)

«**لیعبدون**» ناظر بر «**لیعرفون**» است (جوادی‌آملی، تفسیر تسنیم). ازاین‌رو عبودیت [که بازتاب حقیقی ربوبیت] است مبتنی بر معرفت توحیدی است.

محصول فردی اسلام، «عبدالله» است. درواقع پدید آمدن انسان تراز اسلام از دعوت او به فطرت خویش و دین حنیف نشأت می‌گیرد:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْها ... آیه ۳۰ روم

پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده است.

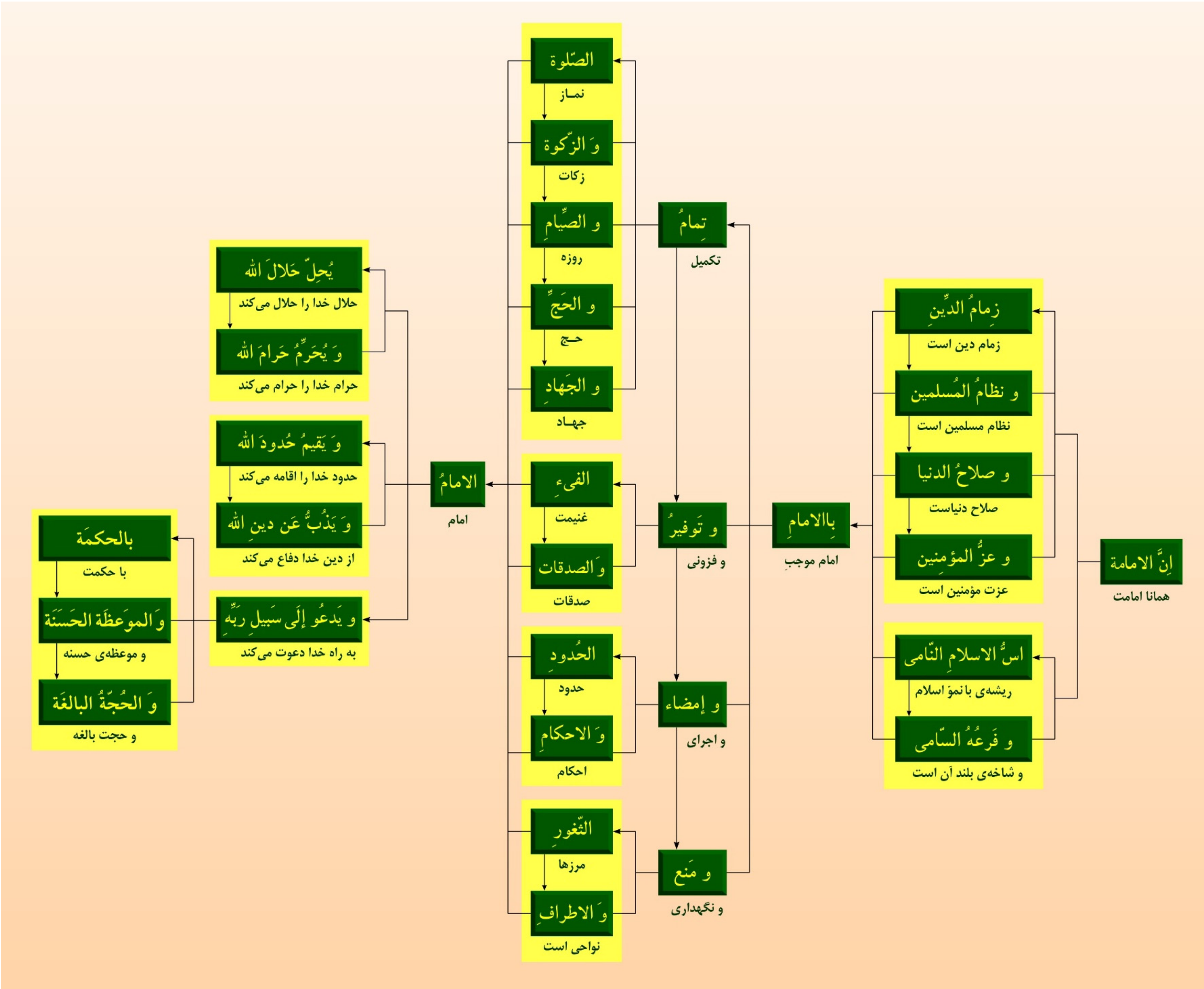
جمهوری اسلامی، چنانچه به «ابردکترین انقلاب اسلامی» نایل شود، به کارکرد اسلام، یعنی «قسط اجتماعی»، و به محصول اسلام، یعنی «عبودیت اجتماعی» در نسبت با ربوبیت حضرت الله تبارک و تعالی ترفیع می‌یابد. مادامی که محصول و شهروند جمهوری اسلامی، انسان تراز قرآن (عبدالله) نشده است، و جامعه‌ی آن، جامعه‌ی تراز قرآن (مزین به قیام به قسط) نگردیده است، حاکی از آن است که روند «نظام‌سازی» مبتنی بر اسلام، با اختلال و خدشه مواجه بوده است. تبعاً هرگاه «قسط» به عنوان کارکرد اجتماعی اسلام در جامعه محقق شد، این دستاورد عظیم باید صیانت و حفاظت شود. پاسداری اجتماعی از انقلاب اسلامی، پاسداشت و صیانت و حفاظت از «قسط» به‌عنوان کارکرد اسلام است.

نکته:

۱ ـ ابردکترین انقلاب اسلامی در حیطه‌ی وظایف رهبر انقلاب اسلامی و در حوزه‌ی مسئولیت ولی فقیه به عنوان ولی امر و امام مسلمین است.

۲ ـ ابردکترین انقلاب اسلامی، متضمن جامعه‌سازی مبتنی بر اسلام در سه لایه‌ی دولت‌سازی، نظام‌سازی و امت‌سازی است.

*** دامنه‌ی امامت از منظر امام رضا (ع) [الکافی (ط ـ الاسلامیة)، جلد ۱، ص ۲۰۰] حیطه‌ی ابردکترین انقلاب اسلامی را می‌نمایاند.**



دامنه‌ی امامت از منظر امام رضا (ع)

روند ۱/۲ دکترین کبیر انقلاب اسلامی

نخستین دکترین، «ابردکترین» انقلاب اسلامی است. ابردکترین انقلاب اسلامی همانا «اسلام» با زبان جهانی فطرت است؛ اما «دکترین کبیر» انقلاب اسلامی، همان «ایمان» جامع قرآنی است.

در سال‌های ابتدای پس از بعثت حضرت محمد(ص)، در پاسخ به دعوت توده‌های انسانی به اسلام، گروه‌های مختلف مردم به دین اسلام روی آوردند. هنگامی که یکی از این گروه‌های عرب آمدند و اظهار ایمان کردند که «ما ایمان آوردیم» واکنش این بود که فرمود: «نه! ایمان نیاورده‌اید، بلکه اسلام آورده‌اید؛ زیرا هنوز ایمان به قلب شما وارد نشده است.»

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ ... آیه ۱۴ حجرات

[برخی از] بادیه‌نشینان گفتند: «ایمان آوردیم.» بگو: «ایمان نیاورده‌اید، لیکن بگویید: اسلام آوردیم. و هنوز داخل نشده است ایمان به قلوب شما.»

دکترین کبیر انقلاب اسلامی، قواعد بنیادین حاکم بر رفتار انقلابیون، در اشاعه و نهادینه‌سازی ایمان جامع قرآنی است.

طرح جامع دکترین کبیر انقلاب اسلامی

الف ـ کارکردگرایی

روی‌کرد «کارکردگرا» به دکترین کبیر انقلاب اسلامی، مبیّن تأکید قرآن بر این است که «ایمان» و «عمل صالح» در نسبت با هم تبیین و تعریف می‌شوند؛ ایمان بدون عمل صالح، و عمل صالح بدون ایمان، ناقص هستند. قرآن عظیم، ۶۵ بار «ایمان» و «عمل صالح» را با هم آورده است. **... إِلاَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ** آیه ۳ عصر

دکترین کبیر انقلاب اسلامی، متضمن ایمان جامع قرآنی است [و در کارکردگرایی] تا ایمان جامع قرآنی نباشد، عمل صالح پدید نمی‌آید و اگر عمل صالح رخ بنماید، چون پایه در ایمان ندارد، تأثیر چندانی بر جای نمی‌گذارد.

در این روی‌کرد؛ انتظار «رفتار مطلوب» و «عمل صالح» از شهروندان و عموم مردم، باید مبتنی بر «باورهای صالح» آن‌ها باشد. اگر باورها و عقاید کسی «فاسد» بود، «عمل» او نیز فاسد خواهد بود؛ و لذا اگر «عمل صالح» از او دیده شد، شاید مبتنی بر «نفاق» است.

مردمانی که «باور»های نادرست و فاسدی دارند، «اعمال» جمعی آن‌ها نیز فاسد خواهد بود. اما از کسانی که باور و عقیده‌ی صالحی دارند، می‌توان انتظار داشت که اعمال صالح از آن‌ها سر بزنند.

دکترین کبیر انقلاب اسلامی [برای نیل به اعمال صالح جمعی در تمدن] از باور صالح آغاز می‌کند. باور مصلحانه، همان «ایمان جامع قرآنی» است.

کسی که مؤمن است، فیضان و برونداد او «حیاء» است. حیاء مومنان، و «جامعه‌ی حیاءمند»، غایت کارکرد «دکترین کبیر» است، زیرا از فرد و جامعه‌ی با حیاء انتظار عمل صالح می‌رود. ازاین‌رو؛ دکترین کبیر متضمّن زدودن «**فساد کبیر**» است؛ زیرا جامعه‌ی ایمانی به هجرت و جهاد در راه خدا معطوف است و [درنتیجه] از فتنه‌های روی زمین به سلامت برخاسته و «**صلاح کبیر**» را محقق می‌سازد.

إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ في سَبيلِ اللَّهِ،

همانا، آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند با مال و نفسِ خود، در راه خدا؛

وَ الَّذينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أُولئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ ... آیه ۷۲ انفال

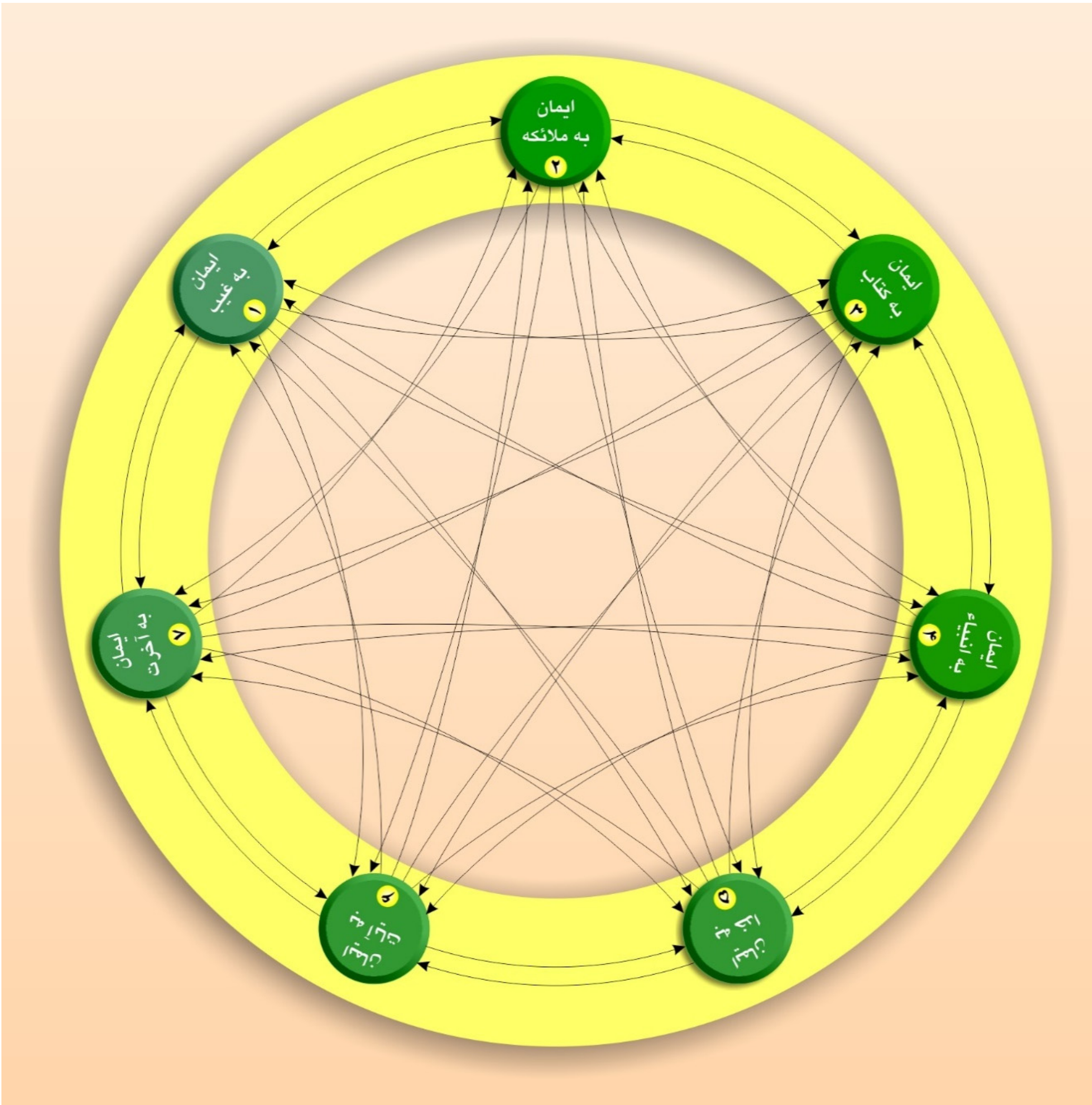
و آنان که پناه دادند [به مؤمنان] و [آنان را] یاری کردند؛ هستند بعضی [از آن‌ها] اولیاء بعضی دیگر ... .

وَ الَّذينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ إِلاَّ تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسادٌ كَبيرٌ ... آیه ۷۳ انفال

و آنان که کفر ورزیدند، بعضی اولیاء بعضی دیگرند ، اگر [هجرت و جهاد] نکنید ؛ می‌باشد فتنه‌ای در زمین و فسادی کبیر .

ب ـ روندگرایی

روی‌کرد «روندگرا» در دکترین کبیر انقلاب اسلامی [پس از اسلام و تسلیم فطرت شدن] روند باور قلبی نسبت به متعلقات ایمان است. هفت متعلق ایمان، روند باور جامع را شکل می‌دهند و اگر مومن، یکی از این هفت متعلق را آگاهانه یا ناآگاهانه باور نداشته باشد، باور او به شش متعلق دیگر نیز مخدوش است.



متعلَق ایمان

هم‌چنین، روندگرایی متضمن حرکت از «ایمان مستودع» به «ایمان مستقر» است. ازاین‌رو روند اشاعه‌ی ایمان از «ایجاد» تا «حفظ» و «تعمیق» باورهای قلبی، روندی مستمر است که تا «ایقان» و «احسان» امتداد و استمرار می‌یابد.

این روند مستمر بر پایه‌ی «تقوا» شکل می‌گیرد و ادامه‌ی استمرارِ آن نیز مبتنی بر تقوا است.

ج ـ محصول‌گرایی

روی‌کرد «محصول‌گرا» در دکترین کبیر انقلاب اسلامی، متضمن پدید آمدن «جامعه‌ی ایمانی» است. جامعه‌ی ایمانی، متشکل از «دولت مؤمنان» در دولت‌سازی ایمانی، «امت مؤمن» در امت‌سازی مؤمنانه، و «نظام ایمانی» در نظام‌سازی ایمانی است. صرف وجود توده‌های مردم مؤمن، موجب پیدایش «جامعه‌ی مؤمن» نمی‌شود؛ زیرا آن صرفاً جامعه‌ی مؤمنین است. صرف وجود دولت مؤمنان هم موجب پیدایش «جامعه‌ی مؤمن» نمی‌شود. دولت و امت و نظام، هر سه باید از جوهر ایمان بهره‌مند و برخوردار باشند تا جامعه‌ی یکپارچه‌ی ایمانی، به عنوان «محصول» دکترین کبیر انقلاب اسلامی پدید آید.

ساختار دکترین کبیر انقلاب اسلامی

الف ـ چیستی

دکترین کبیر انقلاب اسلامی چیست؟ ایمان جامع قرآنی.

ب ـ چرایی

دکترین کبیر انقلاب اسلامی چرا؟ برای ایجاد، حفظ و تعمیق باور صالحه‌ی جمعی، برای نیل به عمل صالح گروهی، ملی و تمدنی. [یقین، تقوا، حیاء، فرقان، کرامت، عاقبت و ... اهداف و مقصود دکترین کبیر هستند.]

ج ـ چگونگی

دکترین کبیر انقلاب اسلامی چگونه؟ از طریق اشاعه‌ی ایمان در هر یک از متعلقات هفت‌گانه‌ی مزبور.

محیط اقدام

دکترین انقلاب اسلامی، فوق «دکترین جمهوری اسلامی» است. دکترین انقلاب اسلامی، در حیطه‌ی رسالت و وظایف رهبر انقلاب است، اما دکترین جمهوری اسلامی، در حیطه‌ی مأموریت و وظایف رئیس جمهور دیده شده است.

دکترین جمهوری اسلامی؛ شامل «دکترین ملی» و «دکترین بزرگ» است. برآیند دکترین ملّی و دکترین بزرگ جمهوری اسلامی، در سه حوزه‌ی «امنیت ملّی»، «منافع و منفعت ملّی» و «پیشرفت و توسعه‌ی ملّی» ظهور و بروز می‌یابد.

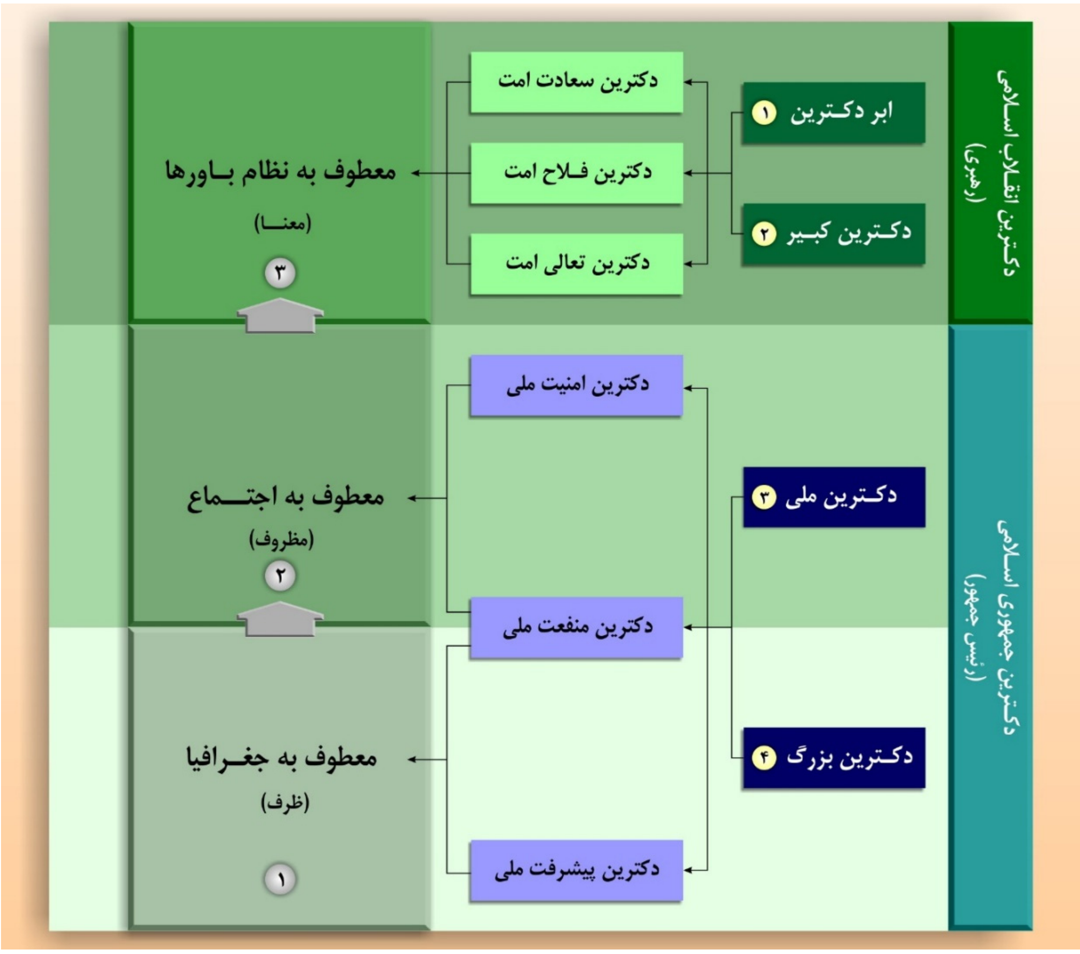
دکترین انقلاب اسلامی، شامل «ابردکترین» و «دکترین کبیر» است. برآیند ابردکترین و دکترین کبیر انقلاب اسلامی، در سه حوزه‌ی «سعادت امت»، «فلاح امت» و «تعالی امت» تجلی می‌یابد.

یک لیوان چای، سه جزء کلی دارد: لیوان به عنوان «ظرف»، آب جوش به عنوان «مظروف»، و رنگ و طعم چای به عنوان «صفت» لیوان «چای»، که به لیوان حاوی آب جوش «معنا» داده است [زیرا ممکن بود که به جای چای، در آب

جوش درون این لیوان، «قهوه» ریخته شود، در نتیجه رنگ و طعم قهوه جایگزین رنگ و طعم چای شده و صفت «لیوان چای»، جای خود را به «لیوان قهوه» می‌داد].



«ظرف» و «مظروف» یعنی سرزمین و جغرافیا، و توده‌های مردم، در حیطه‌ی دکترین جمهوری اسلامی واقع شده‌اند. اما نظام «معنا»دهنده به مظروف، در حیطه‌ی دکترین انقلاب اسلامی است. درواقع آنچه به توده‌های جامعه به عنوان مظروف دکترین جمهوری اسلامی، رنگ و طعم می‌بخشد، «نظام باور»هاست که در حیطه‌ی دکترین انقلاب اسلامی است.



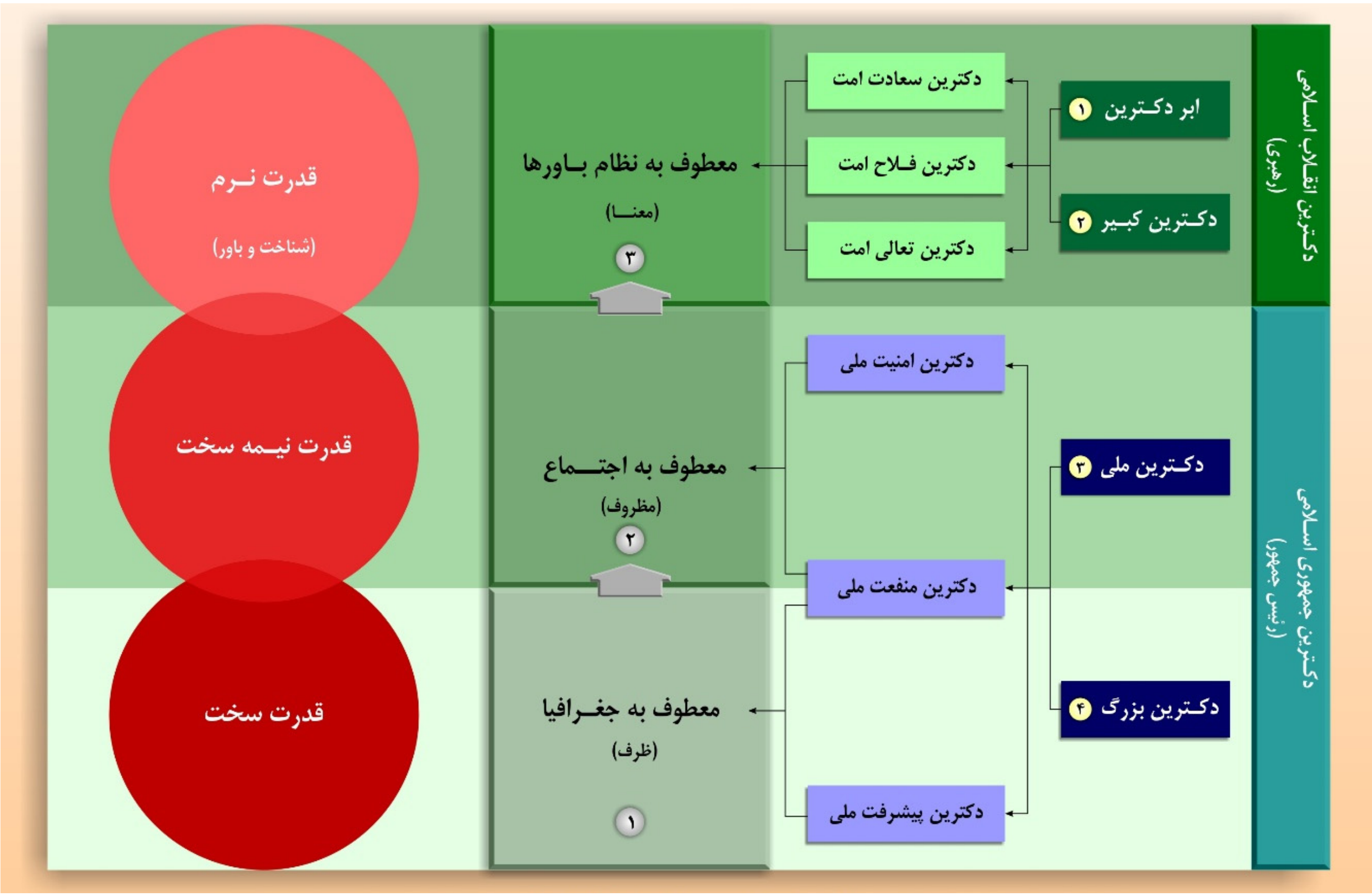
محیط اقدام در دکترین انقلاب اسلامی و دکترین جمهوری اسلامی

طیف‌شناسی قدرت در نظام جامع دکترین انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی

در مثال [لیوان و آب جوش و چای] لیوان «ظرف»، آب جوش «مظروف» و چای «معنا»ی صفت‌بخش به آن لیوان و آب جوش است. لیوان؛ بخش «سخت»، آب جوش؛ بخش «نیمه‌سخت»، و رنگ و طعم چای؛ بخش «نرم» مناسبات این سه عنصر هستند.

در این مثال، «قدرت سخت» برخاسته از کیفیت و قوت لیوان است. «قدرت نیمه‌سخت» نیز برخاسته از کیفیت آب و درجه‌ی دمای جوش آن است. اما «قدرت نرم» [در رنگ و طعم و عطر] مبتنی بر کیفیت چای حل شده در آن آب است. باورها، اعتقادات و حتی ایدئولوژی‌ها، مانند اسانس و جوهر و افزونه‌های گوناگون [از دمنوش‌ها تا شربت‌ها، یا چای و قهوه هستند] که با افزودن آن‌ها به مولکول‌های آب، این مولکول‌ها به رنگ و طعم آن افزونه‌ها درمی‌آیند. رنگ و طعم توده‌های مردم هر جامعه، متأثر از نوع باورها و اعتقادات [و حتی ایدئولوژی‌های] آن‌هاست.

قدرت سخت و نیمه‌سخت، در حیطه‌ی دکترین جمهوری اسلامی است، اما قدرت نرم، در حیطه‌ی دکترین انقلاب اسلامی طیف‌سنجی می‌شود.

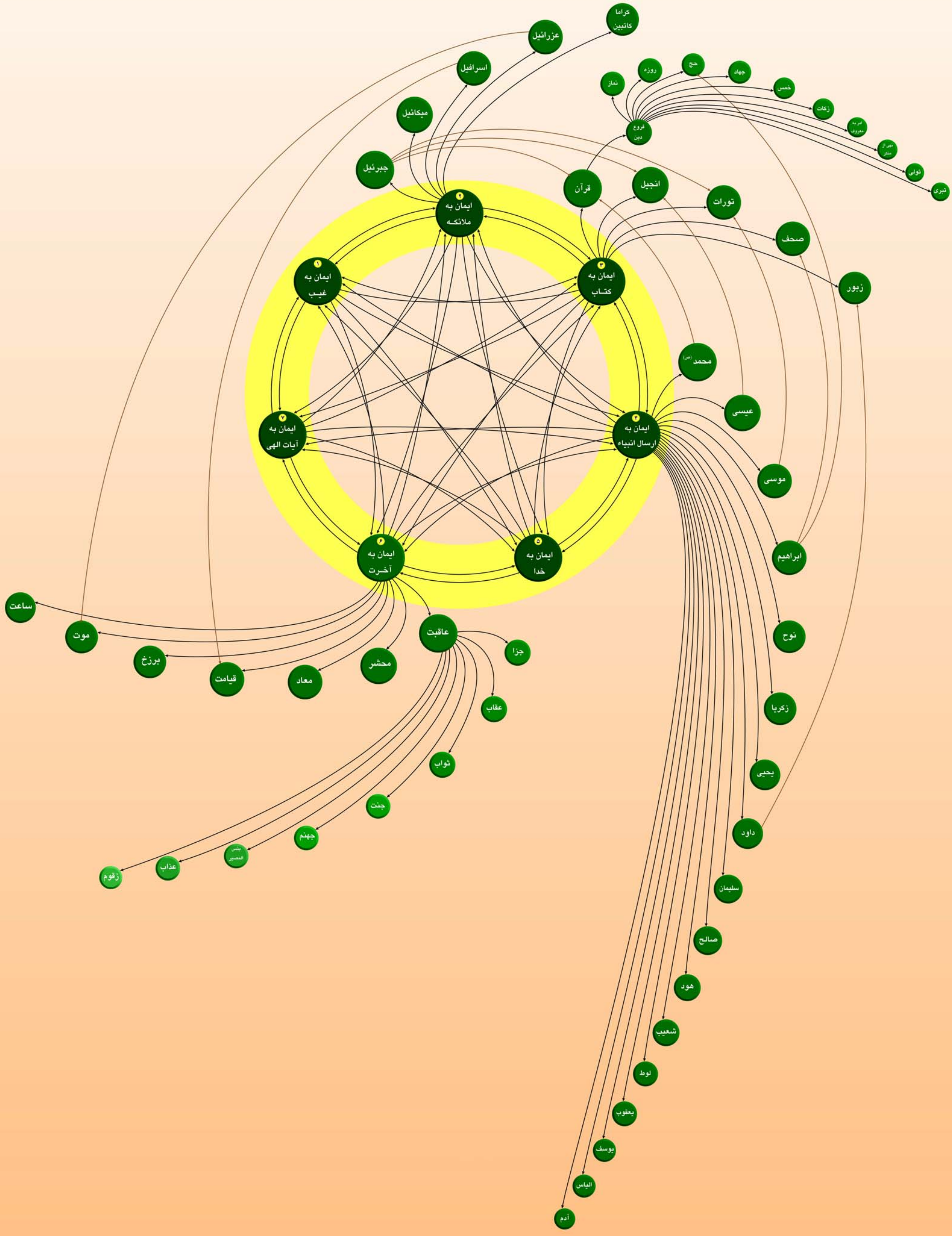


طیف‌شناسی قدرت در نظام جامع دکترین انقلاب اسلامی

روند ۲ سرمایه‌ی ایمان

متعلقات هفت‌گانه‌ی ایمان قرآنی (ایمان به غیب، الله، ملائکه، کتاب، انبیاء، آیت‌ها و آخرت) هیچ‌گاه مانند امروز مورد هجوم شیطان و جنود او نبوده‌اند.

امروز به‌گونه‌ای سازمان‌یافته هر هفت متعلق ایمان (جداگانه) تخریب می‌شوند؛ پیامد آن، تخریب باورهای دینی است و اگر از جامعه‌ی مسلمین، ایمان گرفته شود، عمل صالح آحاد آن جامعه نیز کارساز نخواهد بود، زیرا قرآن کریم ۶۵ بار عمل صالح را پس از مؤلفه‌ی ایمان آورده است.



۱ ایمان به غیب
۲ ایمان به ملائکه
۳ ایمان به کتاب
۴ ایمان به ارسال انبیاء
۵ ایمان به خدا
۶ ایمان به آخرت
۷ ایمان به آیات الهی
جبرئیل
میکائیل
اسرافیل
عزرائیل
کراما کاتبین
قرآن
انجیل
تورات
صحف
زبور
فروع دین
نماز
روزه
حج
جهاد
خمس
زکات
امر به معروف
نهی از منکر
تولی
تبری
محمد (ص)
عیسی
موسی
ابراهیم
نوح
زکریا
یحیی
داود
سلیمان
صالح
هود
شعیب
لوط
یعقوب
یوسف
الیاس
آدم
ساعت
موت
برزخ
قیامت
معاد
محشر
عاقبت
جزا
عقاب
ثواب
جنت
جهنم
بئس المصیر
عذاب
زقوم

رونـــد ۲/۱ ایجاد و تشکیل قرارگاه عرش‌الرّحمــن ـ مرکز اشاعه‌ی ایمان

با توجه به تهاجم همه‌جانبه‌ی دشمنان به متعلق‌های هفت‌گانه‌ی ایمان، باید در بازه‌ی برنامه‌ی هفتم پیشرفت، در افق ۱۴۱۴ «مرکز اشاعه‌ی ایمان» ایجاد و مستقر شود:

الف ـ نهاد کلان «قرارگاه عرش الرّحمن» با عنوان «مرکز اشاعه‌ی ایمان» که ابتدا در سطح ملّی، و سپس در سطح جهانی، متولی ایجاد، حفظ و صیانت، و بسط و تعمیق ایمان در مسلمین و غیر مسلمین باشد، شکل بگیرد.

* این مرکز، متولی برآورد، ارزیابی و تعمیق «سرمایه‌ی ایمان» در جهان (که نقطه‌ی مقابل سرمایه‌گرایی [کاپیتالیسم] مادی است) خواهد بود.

ب ـ مرکز اشاعه‌ی ایمان، از هفت نهاد کلی تشکیل شود:

۱) بنیاد غیبت ـ مرکز اشاعه‌ی ایمان به غیب.

۲) بنیاد جبرئیل ـ مرکز اشاعه‌ی ایمان به ملائکه.

۳) بنیاد فرقان ـ مرکز اشاعه‌ی ایمان به کتاب.

۴) بنیاد آدم(ع) ـ مرکز اشاعه‌ی ایمان به انبیاء(ع).

۵) بنیاد فاطر ـ مرکز اشاعه‌ی ایمان به الله(جلّ جلاله).

۶) بنیاد آیه ـ مرکز اشاعه‌ی ایمان به آیات الهی.

۷) بنیاد معاد ـ مرکز اشاعه‌ی ایمان به آخرت.

* در حال حاضر، تنها متعلق «ایمان به کتاب» در مؤسساتی نظیر مؤسسه‌ی «اسراء» در قم مقدسه به صورت روش‌مند مورد اشاعه است، و از سایر متعلق‌ها، به‌ویژه از اشاعه‌ی ایمان به «غیب»، «ملائکه» و «آیات الهی» غفلت شده است.

ج ـ مأموریت و وظایف مرکز اشاعه‌ی ایمان [به عنوان قرارگاه مرکزی حفظ و بسط ایمان الهی] در چهار محور کلی:

۱) رصد جامع و تبیین دقیق ابعاد و زوایای تهاجم دشمن به متعلق‌های هفت‌گانه‌ی ایمان.

۲) اقدام به پدافند عامل در برابر تهاجم به متعلق‌های هفت‌گانه‌ی ایمان.

۳) اشاعه‌ی ایمان از طریق آفند نرم، در میان عموم مردم (جامعه‌ی ایران، جهان اسلام، و سپس جهان غیرمسلمان).

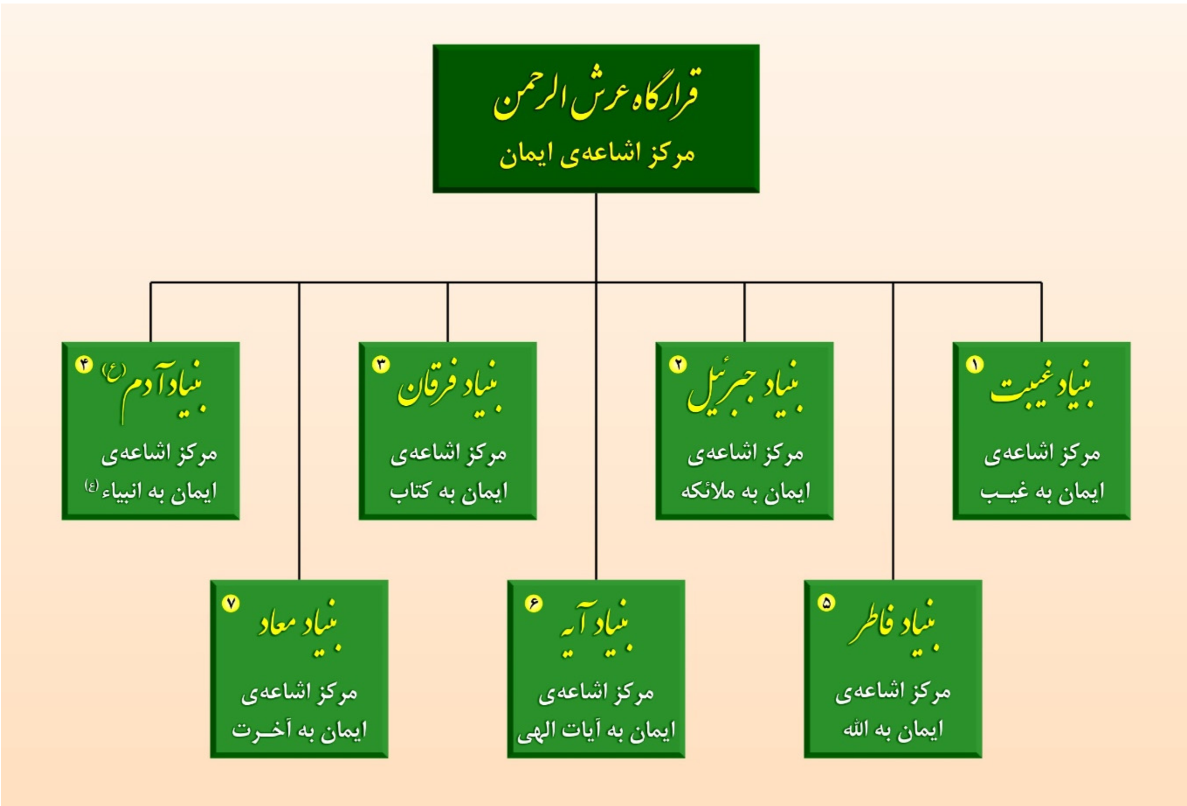
* چون ولایت الله در قلب مؤمن [از طریق تحقق عرش الرحمن در آن] محقق می‌شود، هر نوع قصور و کوتاهی در این خصوص، زمینه‌ی بالقوه‌ی جای‌گزینی ولایت طاغوت در قلب انسان‌های مسلم خواهد شد. این نکته، غایت جنگ نرم میان ولایت الله و ولایت طاغوت؛ بر سر تسخیر قلب انسان‌ها محسوب می‌شود: منازعه‌ای ابدی!

۴) تهیه‌ی نقشه‌ی ایمان و تبیین ابعاد عملیاتی آن.

* نقشه‌ی ایمان، بخشی از نقشه‌ی خدا، در هندسه‌ی الهی «عبودیت» و «ربوبیت» است.

* در بازه‌ی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ موقتاً اندیشکده‌ی یقین متولی رصد، ارزیابی و گفتمان‌سازی سرمایه‌ی ایمان در هفت متعلق مزبور بوده است.

د ــ در نهادهایی مانند وزارت علوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، سازمان صدا و سیما، حوزه‌های علمیه، سازمان تبلیغات اسلامی و سپاه پاسداران، طرح عملیاتی مرکز اشاعه‌ی ایمان در قالب طرح استراتژیکی «جنگ نرمِ ایمان‌پایه»، تهیه و اجرا شده و این نهادها رسالت خود را در عمق‌بخشی [تعمیق] ایمان قرآنی در جامعه‌ی اسلامی، به انجام برسانند.



ساختار کلی مرکز اشاعه ایمان

* فرسایش سرمایه‌ی ایمان، در بازه‌ی برنامه‌ی هفتم پیشرفت، ادامه خواهد یافت. ازاین‌روست که باید نخبگان و مسئولین را حساس و مردم را دغدغه‌مند نمود: تبیین این هفت متعلق برای توده‌ی مردم، سپس رصد تخریب هریک از متعلقات، و آنگاه عمق‌بخشی و تقویت هریک از آن‌ها در سطح جامعه، سه اقدام هماهنگ **بازتولید سرمایه‌ی ایمان** است.

** در طول برنامه‌ی هفتم پیشرفت، تشکیل مراکز و **نهادهای اشاعه‌ی ایمان**، با سنجه و سازوکار ارزیابی ضریب آن‌ها، ضروری است.

*** از تجمیع نهادها و سازمان‌های گوناگون متولی امور معارفی و تبلیغاتی در حوزه‌ی اسلام [مانند سازمان تبلیغات اسلامی، نهاد امور مساجد، نهاد امور روحانیون، ستاد ائمه‌ی جمعه، ستاد اقامه‌ی نماز، بنیادهای قرآن و عترت، سازمان حج و زیارت، و ...] «وزارت مسجد» تشکیل شود تا تحقق دکترین عملیاتی عبودیت، متولی رسمی داشته باشد.



فصل دوم

ایمـان قرآنی
زیر حمله

روندهای متجاوزین

۱ ـ روندهای بنیادی

Fundamental Trend

[Ideologic & Doctrinal Trends]

۲ ـ ابر روندها

Super Trend

[Strategic Trends]

۳ ـ روندهای کلان

Macro Trend

[Operational Trends]

۴ ـ روندهای خرد

Micro Trend

[Tactical Trends]

۵ ـ روندهای ریز

Nano Trend

[Technical Trends]

راهنمای روندهای متجاوزین انقلاب اسلامی

ایمان قرآنی

زیر حمله

روند ۱ سکیولاریزاسیون

روند جداسازی همه‌ی مناسبات اجتماعی انسان‌ها از دین [مانند جداسازی معیشت و اقتصاد از دین، جداسازی فرهنگ و اخلاق از دین، جداسازی سیاست و حکومت از دین، و غیره] با یک هدفِ مشخص و تحتِ یک عنوانِ فلسفی معرفی می‌شود؛ «سکیولاریزاسیون».

سکیولاریسم را در زبان عربی به «عَلمانیّت» ترجمه کرده‌اند. اما برای تبیین ایدئولوژی سکیولاریسم باید مؤلفه‌های اساسی آن را معرفی نمود:

۱. نفی «**اصالت خدا**» در مناسبات اجتماعی، و «**اصالت‌بخشی به انسان**». غایت اصلی بشر در مناسبات اجتماعی با حذف خدا از عرصه‌ی اجتماع بشر، همان فرضِ نیچه است: «**[در حیاتِ اجتماعیِ انسانِ مدرن] خدا مُرد.**»

۲. پس‌از مرگِ خدا در حیاتِ اجتماعی بشر، «آخرت» و «عُقبا» در افقِ زیستِ انسانِ مدرن منتفی شده و حیاتِ اجتماعی او صرفاً یک زیستِ اجتماعی «دنیوی» است. ازاین‌روست که سکیولاریسم را به «**دنیاگرایی**» و «**دنیویّت**» ترجمه می‌کنند.

* در قرآن کریم، آیات متعددی هست که در باره‌ی کسانی که به «آخرت»، و به «لقاء خود با الله» ایمان ندارند هشدار و تحذیر داده است؛ اینان با عذابِ شدیدی مواجه می‌شوند [برای نمونه؛ «**إِنَّ الَّذينَ لا يَرْجُونَ لِقاءَنا وَ رَضُوا بِالْحَياةِ الدُّنْيا وَ اطْمَأَنُّوا بِها وَ الَّذينَ هُمْ عَنْ آياتِنا غافِلُونَ ، أُولئِكَ مَأْواهُمُ النَّارُ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ** ... آیات ۷ و ۸ یونس » و «**وَ أَمَّا الَّذينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآياتِنا وَ لِقاءِ الْآخِرَةِ فَأُولئِكَ فِي الْعَذابِ مُحْضَرُونَ** ... آیه ۱۶ روم »].

۳. آن‌گاه که برای بشر مدرن «آخرت» منتفی شد، تلاش اجتماعی معطوف به آخرت، یعنی رویه‌ی «**اخرویّت**» نیز [برای او] منتفی گردید و بشرِ مدرن آن‌گونه نمی‌زیست که در آخرت نتیجه‌ی زیستِ خوبِ خود را ببیند؛ زیرا به عالَم پس‌از مرگ [عالَم عقبا] معتقد نیست. آدمی که به آخرت معتقد است، تلاش اجتماعی او مبتنی بر «اخرویّت» است؛ یعنی دنیا را مزرعه‌ی آخرت می‌داند [الدّنیا مزرعة الآخرة].

مزرع سبز فَلَک دیدم و داسِ مَه نو　　　یادم از کِشته‌ی خویش آمد و هنگام درو

اگر دنیا مزرعه‌ی آخرت است؛ پس زیستِ اجتماعی باید مبتنی بر «اخرویّت» باشد. زیستِ اجتماعی مبتنی بر اخرویت [به نوبه‌ی خود] در گستره‌ی «شریعت» تعریف می‌شود؛ و لذا یک حیاتِ اجتماعیِ «شرعی» و «**شرع‌محور**» است.

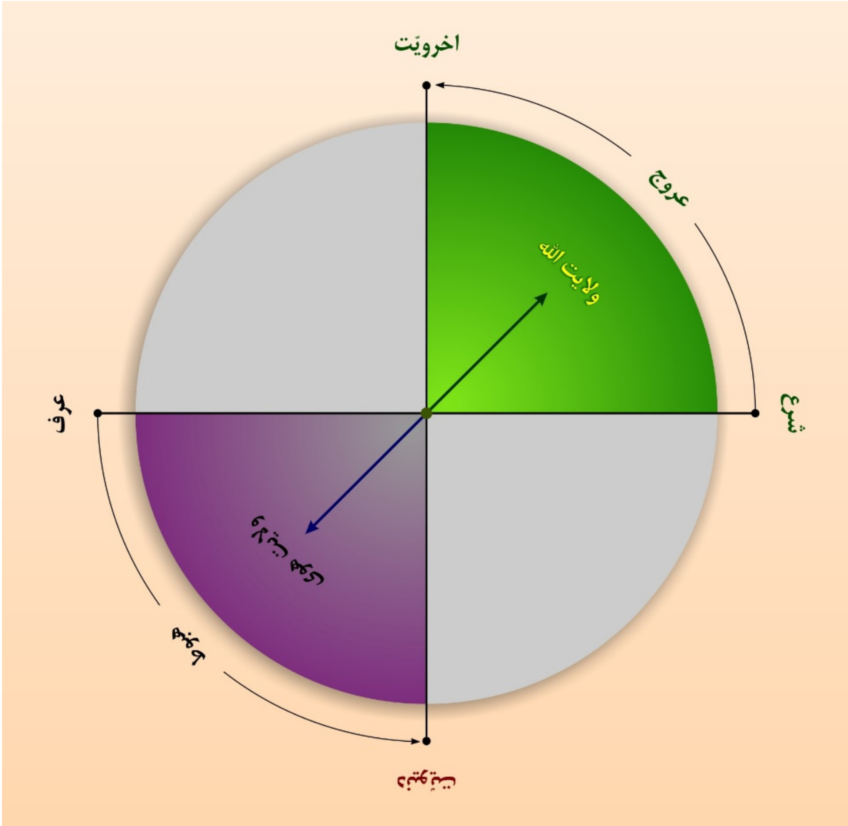
اما اگر دنیا مزرعه‌ی آخرت نیست؛ درنتیجه زیستِ اجتماعی اهالی جامعه مبتنی بر «اخرویت» نمی‌باشد. با نفی اخرویت در حیات اجتماعی، اصالت دنیا و «دنیویت» محض جای‌گزین آن می‌شود. و لذا [با شرع‌زدایی از حیات اجتماعی] «عرف»گرایی مبنای زیستِ اجتماعی شده و مؤلفه‌ی دومِ ایدئولوژی «سکیولاریسم» برتافته می‌شود: اصالتِ «**عرف**» و «**عرفی‌گرایی**».

با جدایی معیشت، فرهنگ، اخلاق، سیاست، و غیره از دین [و از شریعتِ دین] جامعه‌ی بشری شریعت‌زدایی شده و عرف‌گرایی رایج می‌شود؛ درنتیجه «عرف» همه‌ی سنگرهای «شرع» را تسخیر می‌کند و شریعت را از حیات اجتماعی بشر می‌راند؛ و با رفتنِ شریعت از جامعه‌ی بشری؛ روحِ دین از جسمِ جامعه خارج شده و حیاتِ دینیِ جامعه خاتمه می‌یابد؛ درواقع چنین جامعه‌ای [عملاً] مرده است؛ جامعه‌ی سکیولار یک جامعه‌ی مرده است، زیرا روحِ شریعت در کالبد آن نیست.

۴. هنگامی‌که در حیات اجتماعیِ آدمیان، «شریعت» اصالت دارد و «شرع» جاری است؛ مبتنی بر شریعت؛ رویه‌ی زیستِ اجتماعی، معطوف به آخرت و مبتنی بر «اخرویت» است. درنتیجه «ولایتِ الله» بر همه‌ی شئون زندگی آدم جاری است. درواقع «بُردار» شرع به اخرویت، همان «ولایت الله» است: «**اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ** ... آیه ۲۵۷ بقره ».

اما اگر در حیات اجتماعی بشر «عرف» اصالت یافت و شریعت زدوده شد؛ اخرویت نیز زده می‌شود و دنیا اصالت می‌یابد؛ درنتیجه «دنیوت» جاری می‌گردد. هنگامی‌که دنیویت جای‌گزین اخرویت شد؛ ولایت «هوی» و هوس [هریک از شهروناندان] بر شئون زندگی انسان‌ها حاکم می‌شود. درواقع «بردار» عرف به دنیویت، همان «ولایتِ هوی» یا «ولایتِ طاغوت» است: «... **وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ** ... آیه ۲۵۷ بقره ».

ازاین‌رو یک جامعه‌ی سکیولار، جامعه‌ای است که در آن ولایتِ «الله» منقضی شده، و ولایتِ «هوی» بر آن حاکم است.



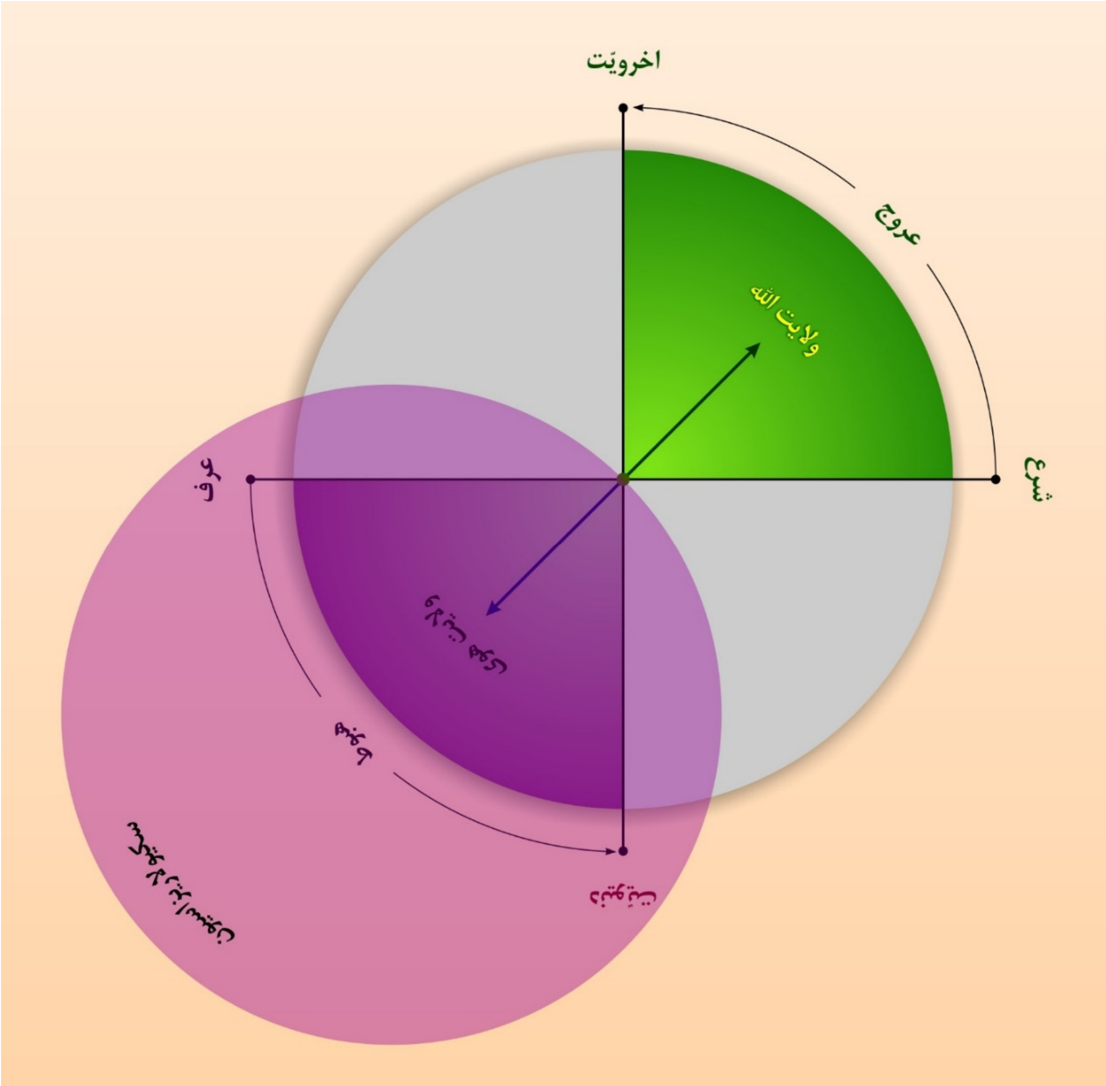
ولایتّ الله یا هوی؟

۵. با پذیرش ولایتِ الله در جامعه، روندِ حرکتِ اجتماعی مبتنی بر «شرع» به‌سوی «اخرویت»، به «عروج» فردی و اجتماعی آدمیان منتج می‌شود. «دیرین‌گونه»ی اصلی عروج [که عروجِ حضرت محمد(ص) به سدرةالمنتهی در شب معراج است] اسوه‌ی حسنه‌ی همه‌ی سالکان و مصلحان اجتماعی؛ از علما تا شهداست.

اما با پذیرش ولایت طاغوت [هوی] در جامعه، روند قطعی حرکت اجتماعی مبتنی بر «عرف» به سوی «دنیویت»، به «هبوط» فردی و اجتماعی بشر منجر می‌شود. «دیرین‌گونه»ی اصلی هبوط [که هبوط توأم با رَجمِ ابلیس در ابتدای خلقت آدم(ع) است] مدل و الگوی سیّئه‌ی همه‌ی مفسدین اجتماعی و پیروان و سمپات‌های ابلیس و سایر شیاطین جنّی و انسی است.

ابلیس، آدم(ع) و حوا، هرسه هبوطِ عرضی داشتند. آدم(ع) و حوا استغفار کردند و خدا آن‌ها را عفو نمود. اما ابلیس، هم رجم [رانده از درگاه خدا] شد و هم هبوط کرد. بشرِ مدرن نیز در جامعه‌ی سکیولار، اسیر هبوطِ مدام [و آن‌به‌آن] است.

سکیولاریزاسیون در روند اصالت‌بخشی به «عرف» و «دنیا»، روند «هبوط مستمر» و «هبوط مدامِ» توده‌های جامعه‌ی سکیولار است. جامعه‌ی سکیولار، «مهبط» توده‌های عرف‌گرایی است که غایت آن‌ها «دنیویت» است؛ زیرا با پذیرش «دنیویت»، آحاد جامعه در یک هبوطِ ابدی اسیر شده و روند انحطاط را طی نموده و به دروازه‌های جهنّم نزدیک می‌شوند.



سکیولاریزاسیون

دی سکیولاریزاسیون

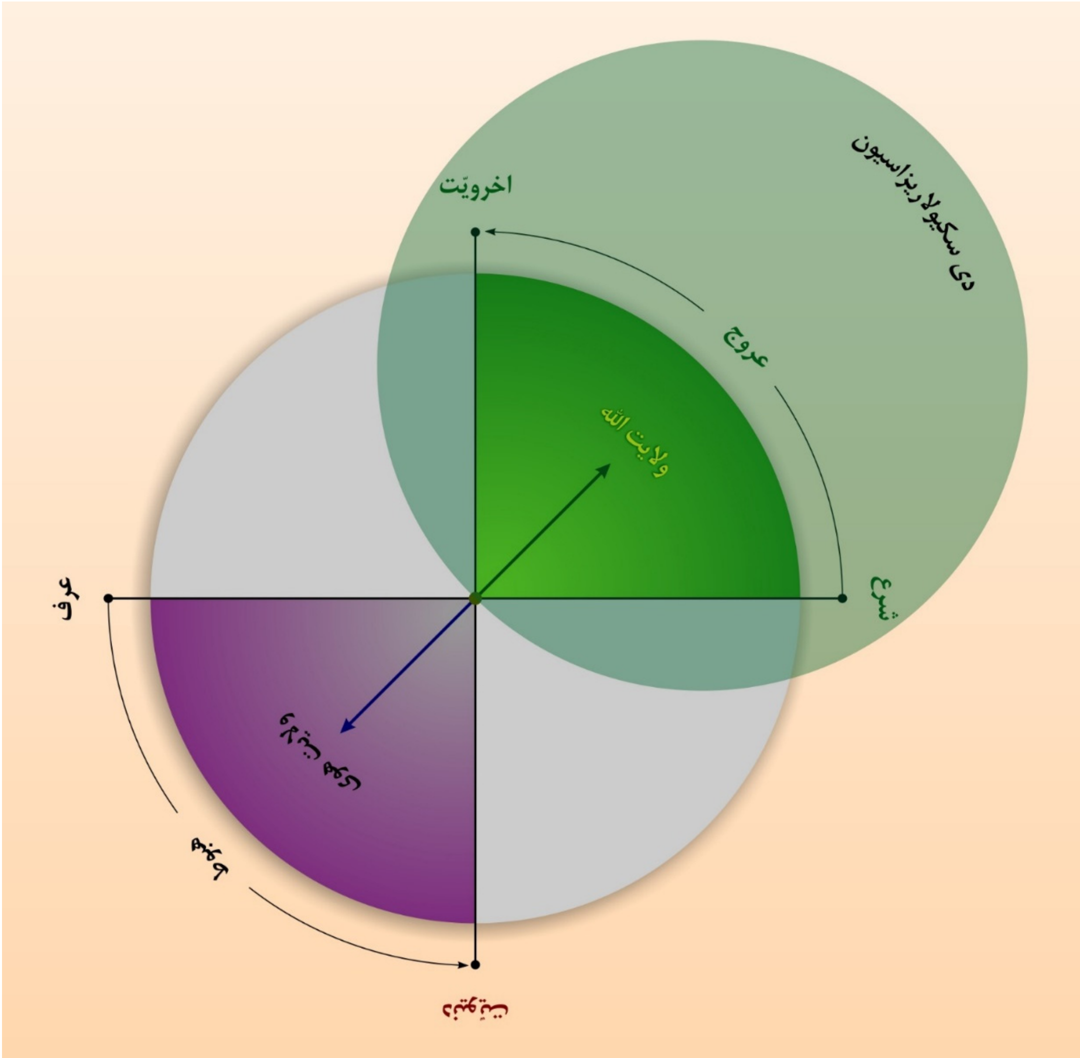
جمهوری اسلامی ایران، برای مقابله با پروژه‌ی سکیولاریزاسیون استکبار جهانی علیه جامعه‌ی مسلمانِ ایران، باید برنامه‌ی «دی سکیولاریزاسیون» *Desecularization* را در قالبِ «ضدّ استراتژی» اجرا نماید:

۱. اصالت‌بخشی به «شرع» به‌جای «عرف» در مناسبات اجتماعی.

۲. اصالت‌بخشی به روند «اخرویّت» به‌جای روند «دنیویّت» در مناسبات اجتماعی.

۳. اصالت‌بخشی به ولایتِ «الله»، و «طاغوت» [هوی] زدایی از مناسبات اجتماعی.

۴. اصالت‌بخشی به «عروج» [و معراج‌نمایی در افق حیات آدمی] در «هبوط»زدایی اجتماعی و بالا کشیدنِ توده‌های مردم از چاهِ مهبط دنیا به معراجِ اعلی.



دی سکیولاریزاسیون

روند ۲ پاگانیزاسیون [کُفرکیشی نوین]

تهاجم همه‌جانبه و عمیق ناتو فرهنگی به «متعلّق‌های هفت‌گانه‌ی ایمان»

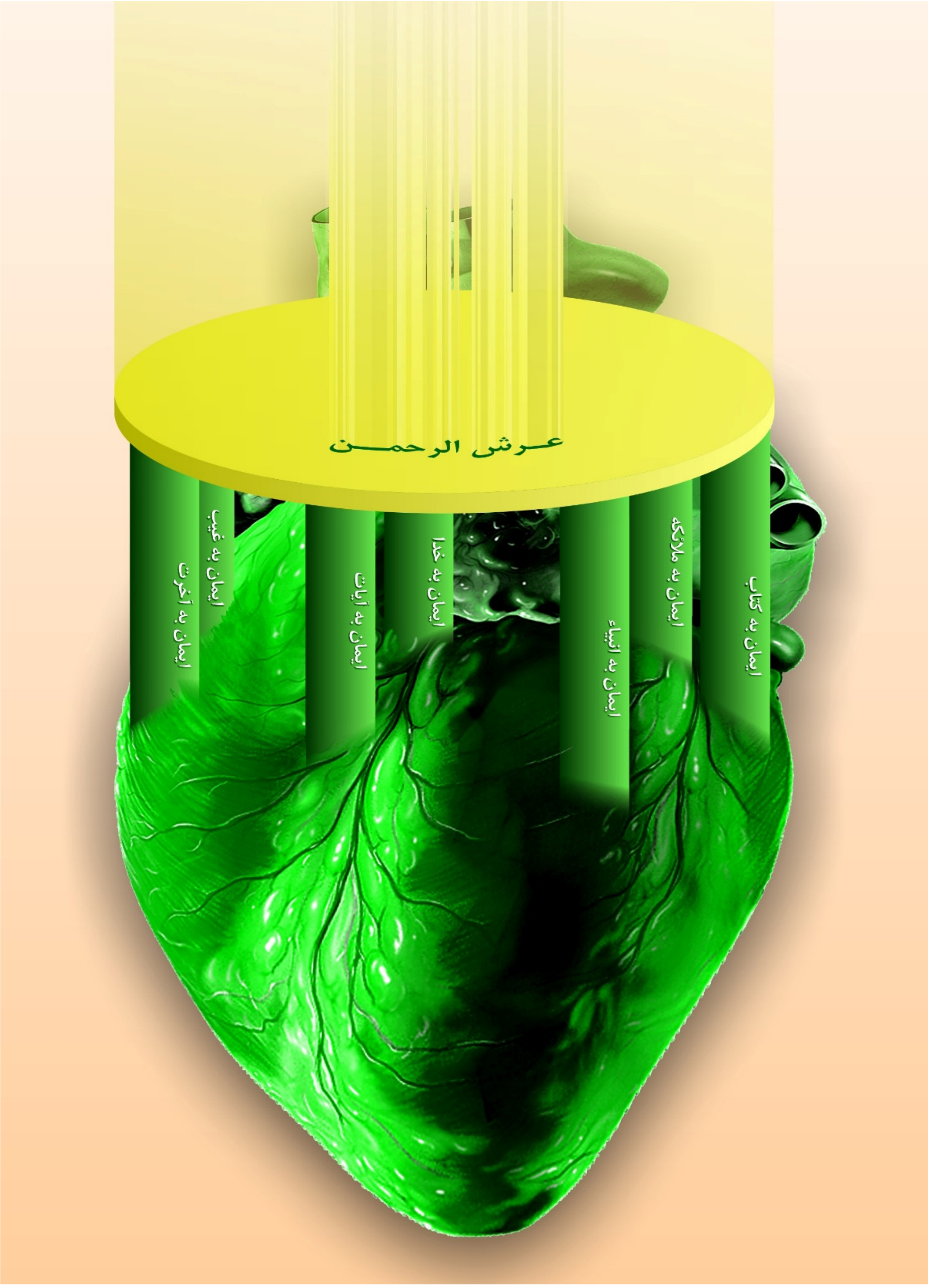
الف ـ متعلق اسلام با متعلق‌های ایمان متفاوت هستند: متعلق اسلام، «دین حنیف» است که مسلمان به مرّ فطرت خود «**فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْها** ... آیه ۳۰ روم » وجه خود را به سوی دین حنیف متمایل نموده و تسلیم آن می‌شود.

ب ـ مسلمان، پس از اسلام، مؤمن می‌شود و از ایمان مستودع به ایمان مستقر نایل می‌گردد. متعلق‌های ایمان هفت مورد است: ایمان به الله جلّ جلاله، ایمان به غیب، ایمان به ملائکه، ایمان به انبیاء(ع)، ایمان به کتاب، ایمان به آیات الهی، و ایمان به آخرت.

اگر مؤمن، به یکی از این هفت متعلق ایمان نداشته باشد، این نقصان، موجب مخدوش شدن کلیت ایمان او می‌گردد.

پ ـ اعراب به محضر رسول الله(ص) آمدند و اظهار ایمان کردند. حضرت الله جلّ جلاله به رسول اکرم(ص) فرمود: به این‌ها بگو که ایمان نیاورده‌اید بلکه اسلام آورده‌اید؛ زیرا ایمان به قلب شما وارد نشده است. «**قالَتِ الْأَعْرابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإيمانُ في‏ قُلُوبِكُمْ** ... آیه ۱۴ حجرات »

ت ـ با توجه به این نکته که ایمان به قلب انسان وارد می‌شود، پس کانون این هفت متعلق، قلب مؤمن است. این هفت متعلق، هم‌چون هفت ستون که بر روی آن عرش الهی مستقر می‌شود، در قلب مؤمن «عرش الرّحمن» را پدید می‌آورند.



عرش‌الرحمن

ث ـ ناتوی فرهنگی، در دهه‌های اخیر، این هفت متعلق را به گونه‌ای روش‌مند مورد هجوم قرار داده است. به نظر می‌رسد در غفلت مسلمین از تعمیق ایمان، از طریق تبیین و اشاعه‌ی هر یک از این هفت متعلق، شیطان و جنود او در صدد تخریب هر نهالی از این متعلق‌ها، در هر قلبی هستند، تا ایمان «مستودع» در هیچ فرد مؤمنی، به ایمان «مستقر» تبدیل نشود:

رونـــد ۲/۱ هجوم و حمله به «ایمان قـرآنی»

رونـد ۲/۱/۱ هجوم و حمله به «ایمان به غیب»

دو مکتب پوزیتیویسم (اصالت تحصّل) و آمپریسم (اصالت حس و تجربه) در دو سده‌ی اخیر، ایدئولوژی‌های معرفتی شاخصی بوده‌اند که در کنار سه ایدئولوژی هستی‌شناختی عمده، یعنی کاسمولوژیسم (اصالت کیهان‌شناسی)، ماتریالیسم (اصالت ماده)، و هم‌چنین داروینیسم و بیولوژیسم (اصالت حیات مبتنی بر فرضیه‌ی تطور داروین) به انکار روش‌مند [ظاهراً علمی] «غیب» پرداخته‌اند.

یک نمونه از این موارد انکار موذیانه، انکار حیات جامع در دانش بیولوژی (زیست‌شناسی) از سوی مُلحدینی مانند ریچارد داوکینز است.



ریچارد داوکینز

دانش بیولوژی به عنوان علم حیات [در درخت زندگی] سه گونه‌ی تعیّنی [گیاه، حیوان و بشر] را مصادیق قطعی حیات معرفی نموده است و زیرکانه، حیات مَلک، حیات جن، و هم‌چنین حیّ مطلق [حضرت باری تعالی] را نادیده گرفته و منکر حیات جامع شده است.

نمونه‌ی دوم در علم فیزیک است؛ استفان هاوکینگ، مُلحدِ صاحب فرضیه و تئوری «همه‌چیز *Everything* » در اواخر عمر خود مدعی شد که پشت عالم نه خدا هست و نه غیب.



استفان هاوکینگ

روند ۲/۱/۲ هجوم و حمله به « ایمان به ملائکه »

۱) مسیحیت و یهود، غالباً فرشته و جن را از هم تفکیک نمی‌کنند و معتقدند؛ همان‌گونه که نوع بشر، فرد خوب و فرد بد دارد، ملائکه نیز، فرشته‌ی خوب و فرشته‌ی بد دارند، که بد و شرور آن، با عناوینی چون «سیطن [شیطان]»، «اُبِلیس [ابلیس]»، «دمون»، «دِوول [دیو]» و «اِوول [شَرّ]» خوانده می‌شوند.

	جهان‌بینی ثنویّت خیـر و شـر	
	خیـر	**شـر**
آئین زرتشت	اهورا مزدا (خدا) ⟷	اهریمن (شیطان)
	اهریمن، رقیب خداست.	
دین مسیحیت	گابریل / مایکل (جبرئیل / میکائیل) ⟷	لوسیفر (شیطان)
	لوسیفر، رقیب گابریل و مایکل است.	
دین اسـلام	انسـان (آدم) ⟷	جـن (ابلیس)
	ابلیس، رقیب [دشمن] آدم و بنی آدم است.	

انحراف در دشمن‌شناسی

۲) فرشتگان در تلقی یهودی ـ مسیحی، با نام‌هایی چون «گابریل» [جبرئیل]، «مایکل» [میکائیل]، «کاستیل»، و «رافایل»، معرفی می‌شوند. شاخص‌ترین و محبوب‌ترین شیطان نیز «لوسیفر» نام دارد که در تلقی یهود و مسیحیت رقیب جبرئیل و میکائیل است.

۳) نزد یهودیان و مسیحیان، مقام میکائیل برتر از جبرئیل است.

۴) در دو دهه‌ی نخست قرن ۲۱ فیلم‌های سینمایی متعدد و سریال‌های گوناگونی علیه ملائکه‌ی مقرب، به‌ویژه حضرت جبرئیل امین ساخته شده است: «کنستانتین»، «لژیون»، «دامینیون» و «سوپرنیچرال» نمونه‌های مشهور و بسیار پُربیننده‌ی این فیلم‌ها و سریال‌ها هستند.

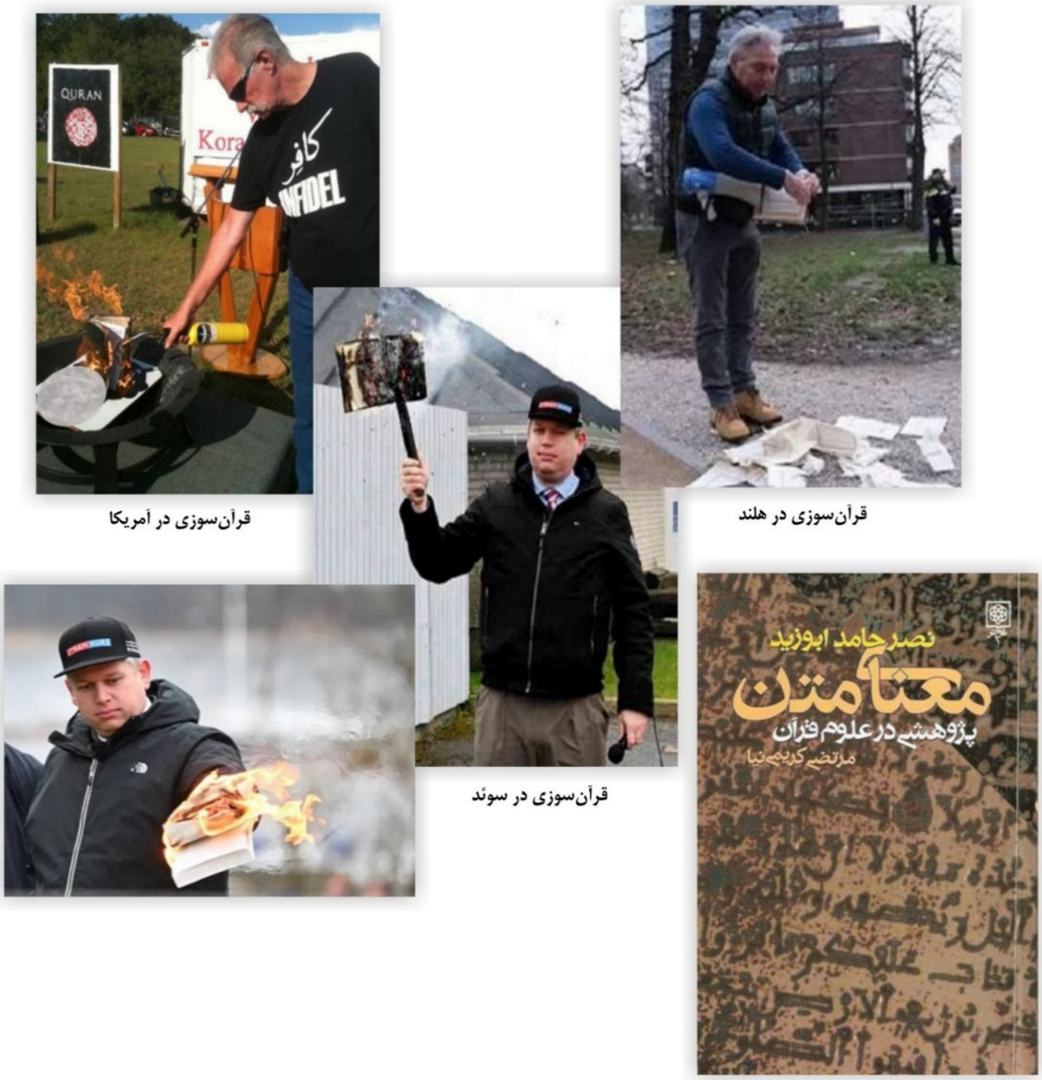
۵) در فیلم‌هایی چون «کنستانتین» و «دروازه‌ی نهم»، تصویر لوسیفر (شیطان) به عنوان موجودی برتر از ملائکه‌ی مقرب، نمایش داده شده است.



۶) تخریب حضرت جبرئیل امین و ارائه‌ی تصویری مخدوش از این مَلَک مقرب در ذهن نسل جوان در جهان، موجب تخریب همگاه تصویر پروردگار متعال، کتاب‌های آسمانی، و انبیاء(ع)، در ذهن آنان خواهد شد، چون حضرت جبرئیل از سوی خداوند، کلام وحی را به انبیاء(ع) می‌رساند است.

روند ۲/۱/۳ هجوم و حمله به «ایمان به کتاب»

سوای از تحریف تاریخی تورات و انجیل، در چند دهه‌ی اخیر تلاش سازمان‌یافته‌ای برای تحریف یا تردید در کلیت قرآن، شکل گرفته است. از مواجهه‌ی هرمنوتیکال با قرآن مجید [نصر حامد ابوزید، محمد مجتهد شبستری، عبدالکریم سروش]، تا ایجاد تردید در بنیان‌های مفهومی واژگان اصلی قرآن به روش «اتیمولوژیکال»، از نمونه‌های عمومی این تهاجم است، که هم‌چنان استمرار دارد. البته مراسمات قرآن‌سوزی علنی دوره‌ای در طول سال نیز در کشورهای غربی [به‌ویژه از سوی اصحاب کلیسا و یا گروه‌های الحادی] رایج است.



قرآن‌سوزی در آمریکا
قرآن‌سوزی در هلند
قرآن‌سوزی در سوئد

روند ۲/۱/۴ هجوم و حمله به «ایمان به انبیاء(ع)»

انبیاء اولوالعزم و سایر انبیاء(ع) توسط سینمای ناتوی فرهنگی مورد هجوم واقع شده و هالیوود تصویر مخدوشی از حضرت آدم(ع)، حضرت نوح(ع)، حضرت ابراهیم(ع)، حضرت یعقوب(ع)، حضرت یوسف(ع)، حضرت موسی(ع)، حضرت داود(ع)، حضرت سلیمان(ع)، حضرت عیسی(ع)، و حضرت محمد(ص) ارائه کرده و می‌کند.



اعتراض مسلمانان در سال ۱۳۹۱ نسبت به ساخت فیلم موهنی علیه رسول گرامی اسلام(ص) [که در آمریکا تهیه شده بود] و تظاهرات خیابانی مسلمین، در حالی بود که بیش از دو ـ سوم انبیائی که در قرآن مجید نام مبارک آنها آمده است در دهه‌های اخیر، مورد هجوم ناجوانمردانه‌ی کفار واقع شده‌اند. تنها در باره‌ی شیخ‌الانبیاء حضرت نوح(ع) به غیر از سه فیلم سینمایی با محتوای تحریفی، یک انیمیشن معروف جهانی در چهار دهه‌ی اخیر ساخته و پخش شده است به نام یوگی.

روند ۲/۱/۵ هجوم و حمله به «ایمان به الله جلّ‌جلاله»

آنچه اخیراً در فضای آکادمیک غرب بسیار مطرح می‌شود و در فضای سایبر انعکاس دارد این است که؛ «داروین، خدا را از آسمان به زمین کشید و کُشت، و مرگ او [خدا] را نیچه اعلام کرد.»

در برنامه‌های مستند تلویزیونی متعددی، به کلیت این موضوع [در بسط الحاد در ۱۵۰ سال اخیر] توسط چهار نفر پرداخته شده است: داروین ـ نیچه ـ مارکس ـ فوئرباخ. درواقع غرب امروز با عبور از سکیولاریسم، رسماً از ورود به عصر «پاگانیسم» یا کفرکیشی یاد می‌کند.





روند ۲/۱/۶ هجوم و حمله به «ایمان به آیات الهی»

آیات الهی، نشانی‌های خداوند در عالم [در کائنات، در درون انسان، و در وقایع تاریخ] هستند. آیت در زبان عربی، یعنی «حبس علامت در شیء». «وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ ، وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَ فَلَا تُبْصِرُونَ ... آیات ۲۰ و ۲۱ ذاریات»

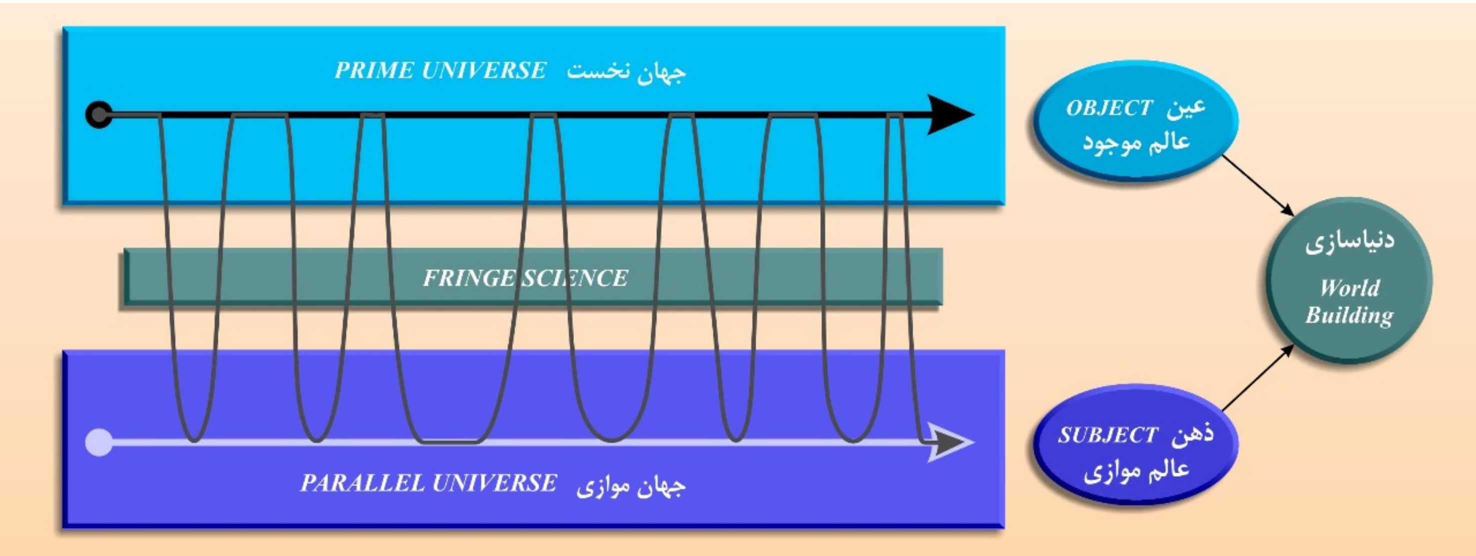
هر پدیده‌ای در عالم [از این حیث که در خود علامتی را حبس کرده است] «آیت» است، آیت الهی، و نشانی خدا.

ایمان به آیات الهی، از طریق مصادیق متنوع و متکثر پدیده‌ها در عالم [که هر یک آیتی را در خود دارند] تأثیر شگرفی در شکل‌گیری علوم گوناگون با بن‌مایه‌ی دینی دارد.

اما تمدن غرب، با تعریف سمبلیسم، آگاهانه یا ناآگاهانه، برای آیات الهی «بدیل» تراشیده است. این بدیل، مضاف بر تعین‌گرایی آمپریستی، در پوشاندن روی حقیقت ایمان به آیات الهی مؤثر بوده است.

روند ۲/۱/۷ هجوم و حمله به «ایمان به آخرت»

ایمان به آخرت، از طریق فرضیه‌ی علمی جهان‌های موازی، مورد هجوم واقع شده است. مبتنی بر این فرضیه در فیزیک و در فلسفه‌ی ذهن، در دهه‌های اخیر این ادعا مطرح شده و می‌شود که مشابه این دنیای ما، تا بی‌نهایت عالَم وجود دارد. تلقی دینی، تلقی جهان‌های متوالی است، نه جهان‌های موازی؛ به این معنا که در پس دنیا، عقبا وجود دارد. اما تلقی مدرن، مبتنی بر وجود جهان‌های موازی است، لذا در آن تلقی، آخرت و عقبا مطرح نیست، و حرکت بین دنیاها، حرکت میان جهان‌های موازی است.



جهان‌های موازی ذهنی

این فرضیه‌ی علمی [جهان‌های موازی] که هنوز به نظریه تبدیل نشده، دست‌مایه‌ی سریال‌ها و انیمیشن‌های بسیاری قرار گرفته است. سریال مشهور «فرینج» یا فیلم «تقدیر»، پربیننده‌ترین سریال‌ها و فیلم‌هایی در آمریکا و جهان بوده‌اند که موضوع آن‌ها «جهان‌های موازی» و نفی جهان‌های متوالی است [و یا بر سفر در زمان (به عقب) به جای توالی عوالم] تأکید دارند.







ج ـ ناتوی فرهنگی با بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت علمی ـ آموزشی ـ تربیتی ـ هنری و رسانه‌ای خود، هفت متعلق ایمان را مورد هجوم قرار داده و از این طریق، مانع شکل‌گیری «عرش الرّحمن» در قلب مؤمنین می‌شود. این موفقیت دشمن، البته به دلیل غفلت مسلمین بوده است و مصداق این جملهٔ حکیمانه است که «هیچ کس در طول تاریخ به دلیل غفلت ستایش نشده است».

فصل سوم

حفظ ایمان مردم

اوجب واجبات

طرح عملیاتی غیب

بنیاد غیبت

مرکز اشاعه‌ی ایمان به غیب

روند ۲/۱/۱ طرح عملیاتی غیب

۱ ـ وضعیت

□ الف ـ کلیات

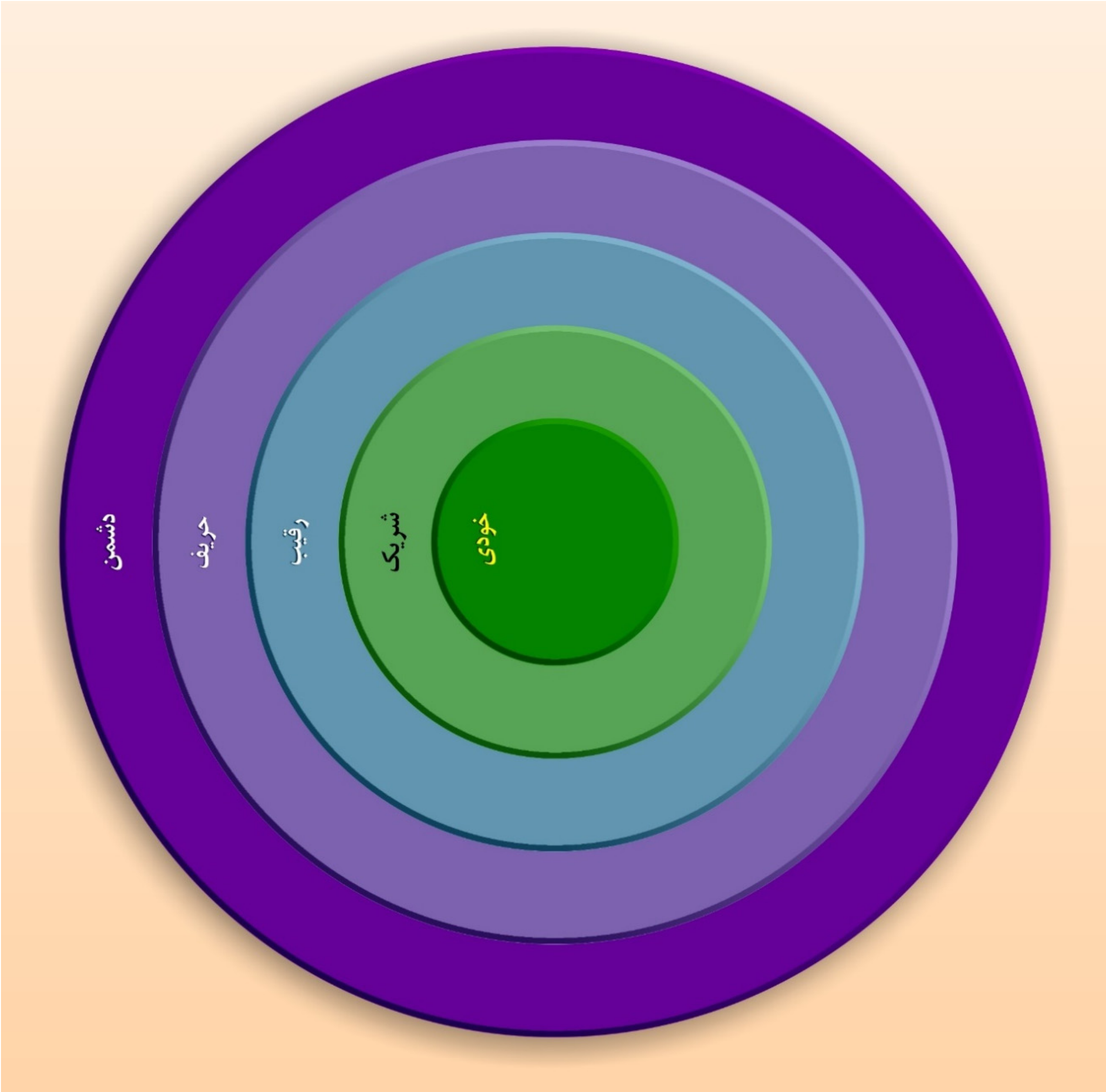
ایمان به غیب، یکی از هفت متعلق ایمان، و از ضروریات دین مبین اسلام است که نفی آن، مصداق کفر می‌باشد (آیه ۳ سوره‌ی بقره). اما در سال‌های اخیر، هجوم گسترده‌ای به «غیب‌باوری» صورت گرفته که هم‌چنان با شدت و قوت ادامه دارد.

«غیب» دربرابر «عین» و «شهادت» و «شهود» قرار دارد. برخی موجودات و اَعمال و اراده‌ها، با «عین» [چشم] قابلِ «مشاهده» هستند؛ ازاین‌رو تعیّن دارند و به «عینیّت» در می‌آیند. اما برخی موجودات و اَعمال و تدابیر و اراده‌ها، تعیّن ندارند و نمی‌توان آن‌ها را مشاهده کرد. این موجودات، اقتضائات، اوامر، تدابیر و اراده‌ها «غیبی» هستند.

باور به «تعیّنات» و آنچه قابل «مشاهده» است، در قالب ایدئولوژی‌های معرفتی آمپریسم [اصالت حس و تجربه] و پوزیتیویسم [اصالت تحصّل] در محافل فکری و علمی مدرن به دانشجویان القاء می‌شود. دانش فیزیک و دانش بیولوژی، در خطّ مقدم این انحراف و اهمال هستند.

اما ایمان به «غیب»، ایمان به موجودات، اقتضائات، اوامر، اعمال، تدابیر و اراده‌هایی است که با حواس بشر قابل دریافت نیستند. «غیب»باوری، مقدمه‌ی ایمان به الله(جلّ‌جلاله)، ایمان به ملائکه، ایمان به وحی و کتاب‌الله، ایمان به انبیاء(ع)، و ایمان به آخرت است، و تخریب آن، مقدمه‌ی تخریب ایمان به الله(جلّ‌جلاله)، ملائکه، وحی و کتاب‌الله، انبیاء(ع) و آخرت است.

□ ب ـ طیف‌شناسی گروه‌های آماج



طیف‌شناسی عناصر برخورد

□ ۱) دشمن

ناتو فرهنگی در شاخه‌های:

□ ۱) نهادهای فکری ـ فلسفی غرب در قالب ایدئولوژی‌های نئوپاگانیسم، نیچرالیسم، داروینیسم، ساینتیسیسم و پوزیتیویسم.

□ ۲) نهادهای دانشگاهی غرب از طریق اشاعه‌ی کاسمولوژیسم، داروینیسم، آنتروپولوژیسم، ساینتیسیسم، نیچرالیسم، پوزیتیویسم و آمپریسم.

* دو مکتب پوزیتیویسم (اصالت تحصّل) و آمپریسم (اصالت حس و تجربه) در دو سده‌ی اخیر، ایدئولوژی‌های معرفتی شاخصی بوده‌اند که در کنار سه ایدئولوژی هستی‌شناختی عمده، یعنی کاسمولوژیسم (اصالت کیهان‌شناسی)، ماتریالیسم (اصالت ماده)، و هم‌چنین داروینیسم و بیولوژیسم (اصالت حیات مبتنی بر فرضیه‌ی تطور داروین) به انکار روش‌مند [ظاهراً علمی] «غیب» پرداخته‌اند.

یک نمونه از این موارد انکار موذیانه، انکار حیات جامع در دانش بیولوژی (زیست‌شناسی) از سوی مُلحدینی مانند ریچارد داوکینز است.



ریچارد داوکینز

دانش بیولوژی به عنوان علم حیات [در درخت زندگی] سه گونه‌ی تعیّنی [گیاه، حیوان و بشر] را مصادیق قطعی حیات معرفی نموده است و زیرکانه، حیات مَلک، حیات جن، و هم‌چنین حیّ مطلق [حضرت باری تعالی] را نادیده گرفته و منکر حیات جامع شده است.

نمونه‌ی دوم در علم فیزیک است؛ استفان هاوکینگ، مُلحدِ صاحب فرضیه و تئوری «همه‌چیز *Everything*» در اواخر عمر خود مدعی شد که پشت عالم نه خدا هست و نه غیب.



استفان هاوکینگ

□ ۳) نهادهای هنری غرب، به‌ویژه هالیوود از طریق اشاعه‌ی پوزیتیویسم و آمپریسم، و بسط ایمَجینیشِنالیسم.

□ ۴) نهادهای معماری و شهرسازی غرب، از طریق اشاعه‌ی تعیّنات و برهنگی بناها و بافت‌های شهری.

□ ۲) حریف

جریان مدرنیست و سکیولار درون کشور در شاخه‌های:

□ ۱) نهادهای فکری ـ فلسفی مدرنیست، از طریق اشاعه‌ی ایدئولوژی‌های نئوپاگانیسم، نیچرالیسم، داروینیسم، ساینتیسیسم و پوزیتیویسم.

□ ۲) نهادهای دانشگاهی ایران، از طریق اشاعه‌ی کاسمولوژیسم، داروینیسم، آنتروپولوژیسم، ساینتیسیسم، نیچرالیسم، پوزیتیویسم و آمپریسم.

□ ۳) نهادهای هنری ایران، به‌ویژه در سینما از طریق اشاعه‌ی پوزیتیویسم و آمپریسم، و همچنین ایمَجینیشِنالیسم.

□ ۴) نهادهای رسانه‌ای ایران، در قالب مطالب مکتوب یا فیلم‌های علمی مستندِ پوزیتیویستیِ ترجمه شده.

□ ۵) و هم‌چنین در بهره‌گیری از ظرفیت اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در نهادهای سایبر.

□ ۳) رقیب

نهادهای رقیب در مذاهب اسلام، کاملاً در این موضوع منفعل، بی‌اطلاع و غافل هستند.

□ ۴) شریک

نهادهای شریک نیز عمیقاً ناآگاه و درنتیجه منفعل و غافل هستند.

□ ۵) خودی

نیروهای خودی نیز در این موضوع، ناآگاه و کاملاً منفعل و غافل هستند.

□ پ ـ وابستگی نیروهای کنش‌گر

□ ۱) نیروهای تحت امر و تابع

[اساساً نهاد اقدام وجود ندارد.]

☐ **۲) نیروهای جدا و غیرتابع**

☐ ۲/۱) شورای عالی انقلاب فرهنگی [بی‌اطلاع و منفعل است]

☐ ۲/۲) حوزه‌ی علمیه [بی‌اطلاع و منفعل است]

☐ ۲/۳) جامعه‌ی دانشگاهی [بی‌اطلاع و منفعل است]

☐ ۲/۴) جامعه‌ی آموزش و پرورش [بی‌اطلاع و منفعل است]

☐ ۲/۵) جامعه‌ی فرهنگ و هنر (ارشاد اسلامی) [بی‌اطلاع و منفعل است]

☐ ۲/۶) سازمان صدا و سیما [بی‌اطلاع و منفعل است]

☐ **ت ـ محیط‌شناسی؛ جو و فضا**

☐ **محیط**

☐ **۱) محیط جهانی**

محیط انکار عالَم غیب، و محیط تخریبِ آن است؛ محیط «**وَ صَدُّوا عَنْ سَبیلِ اللَّهِ**»، و محیط تعیّنات [عینیّت‌گرایی] است.

☐ **۲) محیط منطقه‌ی اسلامی**

محیط مسموم جهل، تکفیر و تفرقه و اباحه‌گرایی است.

☐ **۳) محیط داخلی [کشوری]**

محیط غفلت و انفعال است.

☐ **جو و فضا**

فضای موجود، ظاهراً فضای غلبه‌ی هیاهوی «فرضیه»های علمی و القائات رسانه‌های انبوه و سرسام‌آور بر «سکوت» جبهه‌ی موحّدین است. اما این «فرضیه»های علمی هنوز به نظریه‌ی علمی تبدیل نشده‌اند، و این گزاره‌های شبه‌علم [که عمدتاً وهم‌آلود هستند] در کنار القائات رسانه‌ای انبوه، عمدتاً «غوغا» بوده و در نتیجه؛ فضا، فضای «غوغا سالاری» علمی است.

در فضای غوغا سالاری و جوّ «شارلاتانیسم» علمی، قاعده‌ی «جوّشکنی» سه پایه‌ی «معرفت»یابی، «بصیرت»افزایی و «جهاد تبیین»، به‌ویژه جهاد کبیر را برمی‌تابد.

□ **ث ــ فرضیات**

□ ۱) عموم مسلمین نمی‌دانند که ایمان به غیب، یکی از متعلّق‌های مهمّ ایمان اسلامی است که واجب و از ضروریات دین بوده و نفی آن کفر است. لذا در برابر تهاجم به آن، «موضع» [گارد] نداشته، و عمدتاً بی‌تفاوت هستند.

□ ۲) عالمان مسلمان، در تبیین این وجوب، و ضرورت ایمان به غیب، کوتاهی و قصور کرده‌اند. لذا موضوع ایمان به غیب، نه‌تنها از جهات فرهنگی، که حتی از جهات و ابعاد علمی نیز به‌گونه‌ای دقیق، تبیین نشده است و ازاین‌رو، معرفت به غیب، در سطح جامعه مخدوش است.

□ ۳) مخدوش بودن معرفت دانشمندان و خواص نسبت به «ایمان به غیب»، و ناآگاهی عوام و توده‌های مردم به این متعلق ایمان، موجب خدشه در «کلیت» ایمان در منظومه‌ی متعلق‌های هفت‌گانه‌ی ایمان توده‌ی جامعه شده است.

□ ۴) ناآگاهی از ضرورت ایمان به غیب، و غفلت از این متعلّق مهم، زمینه‌ی عدم تحقق ایمان کامل در مؤمنین است.

□ ۵) مؤمنی که «ایمان» او ناقص است، طبیعتاً «عمل صالح» او نیز ناقص و نارسا بوده، و فاقد پشتوانه‌ی اعتقادی جامع و عمیق خواهد بود [... **إِلاَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحات**].

۲ ــ رسالت

جامعه‌ی فکری، علمی، هنری و رسانه‌ای انقلاب اسلامی؛ در برابرِ تهاجم ناتو فرهنگی به «عالَم غیب» مأموریت دارد:

□ الف ــ به تبیین دقیق ابعاد و زوایای این تهاجم [و تخریب] بپردازد.

□ ب ــ سپس در برابر این تهاجم و تخریب، به پدافند عامل بپردازد.

□ ج ــ و آنگاه در میان عموم مردم [جامعه‌ی ایرانی، جهان اسلام، و سپس جهان غیر مسلمان] از طریق اقدام آفندی، به اشاعه‌ی ایمان به غیب، بپردازد.

۳ ـ اجرا

□ تدبیر عملیات

□ ۱) ـ اصول رزم نرم در حفاظت از ایمان به غیب

□ الف ـ تشخیص میدان [اقدام نامتقارن در میدان اقدام].

□ ب ـ عدم اطاعت از قواعد کفار [جهاد کبیر].

□ پ ـ تدقیق و تبیین قواعد خود [اقدام نامتقارن در قواعد اقدام].

□ ت ـ تبیین [بیّنات].

□ ث ـ بلاغ [مبین].

□ ج ـ قول سدید و حکمت.

□ چ ـ فعل حدید و میزان.

□ ح ـ موعظه‌ی حسنه.

□ خ ـ جدال احسن.

□ د ـ انعطاف‌پذیری در فروع (و عدم انعطاف در اصول).

□ ذ ـ ابتکار عمل (تعرض).

□ ر ـ وحدت رویه (که به وحدت تلاش‌ها منتج می‌شود).

□ ز ـ پیشرفت و رشد (مانور).

□ ژ ـ انگیزه [ابعاث].

□ س ـ روحیه (تعادل روحی).

□ ش ـ مداومت کار و ثبات قدم.

□ ص ـ استقامت.

□ ض ـ استطاعت.

□ ط ـ اصطناعت.

□ ظ ـ استقلال [دربرابر استکثار].

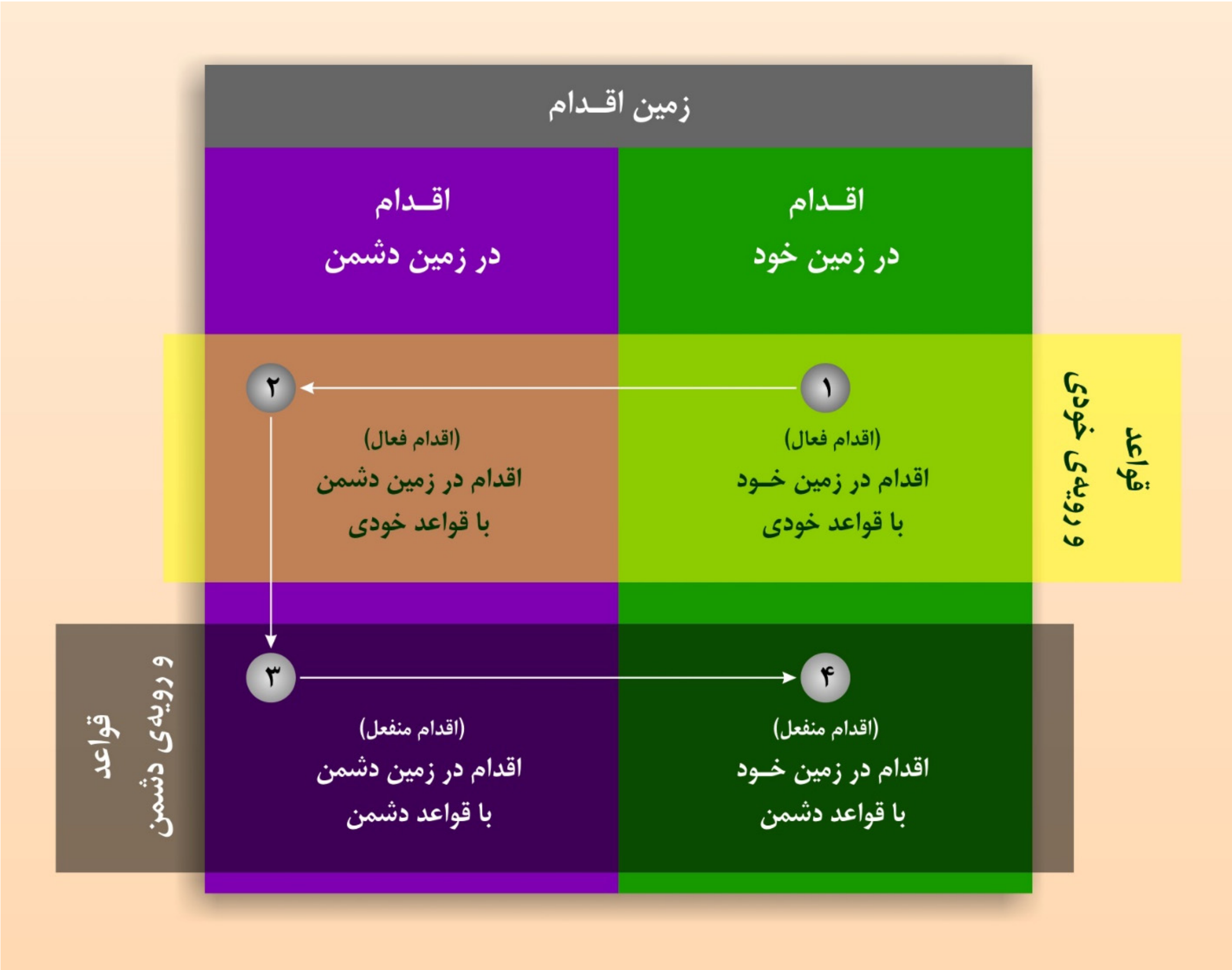
□ ع ـ بهره‌برداری از موفقیت.

□ غ ـ استفاده‌ی بهینه (یا بهره‌وری مطلوب) از قوا.

□ ۲) ـ دکترین و استراتژی

□ الف ـ دکترین

دکترین اقدام نامتقارن.



دکترین اقدام نامتقارن

□ ب ـ استراتژی

بهره‌گیری از سیر جدالی (به‌ویژه در جدال احسن).

□ ۳) ـ عرصه‌سازی

□ **الف) ابتدا عرصه‌ی رسمی** (حوزه‌ی علمیه ـ سپاه پاسداران ـ نظام دانشگاهی ـ نظام آموزش‌وپرورش).

□ **ب) سپس عرصه‌ی عمومی** (از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد ـ سازمان تبلیغات اسلامی ـ سازمان صدا و سیما ـ نیروی مقاومت بسیج ـ و فضای سایبر).

☐ ۴) ـ مانور

☐ الف) ارضایی

مؤمنین و مسلمین، تحریک و تحریص و ترغیب به حفاظت از ایمان به غیب گردند.

☐ ب) اقناعی

مؤمنین عموماً و غیر مؤمنین خصوصاً، نسبت به ایمان به غیب اقناع شوند.

☐ ۵) ـ قول ثابت

☐ الف) قرآن مجید

☐ ب) احادیث و روایات چهارده معصوم(ع)

☐ ج) تدابیر و کلام امامین خمینی(ره) و خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

☐ ۶) ـ اطلاعات

رصد لحظه به لحظه و همه‌جانبه‌ی دشمن، حریف و رقیب در حوزه‌ی حملات آنان به غیب، و «ایمان به غیب» و تلاش برای القاء «کفر به غیب».

☐ ۷) ـ سازمان برای نبرد نرم

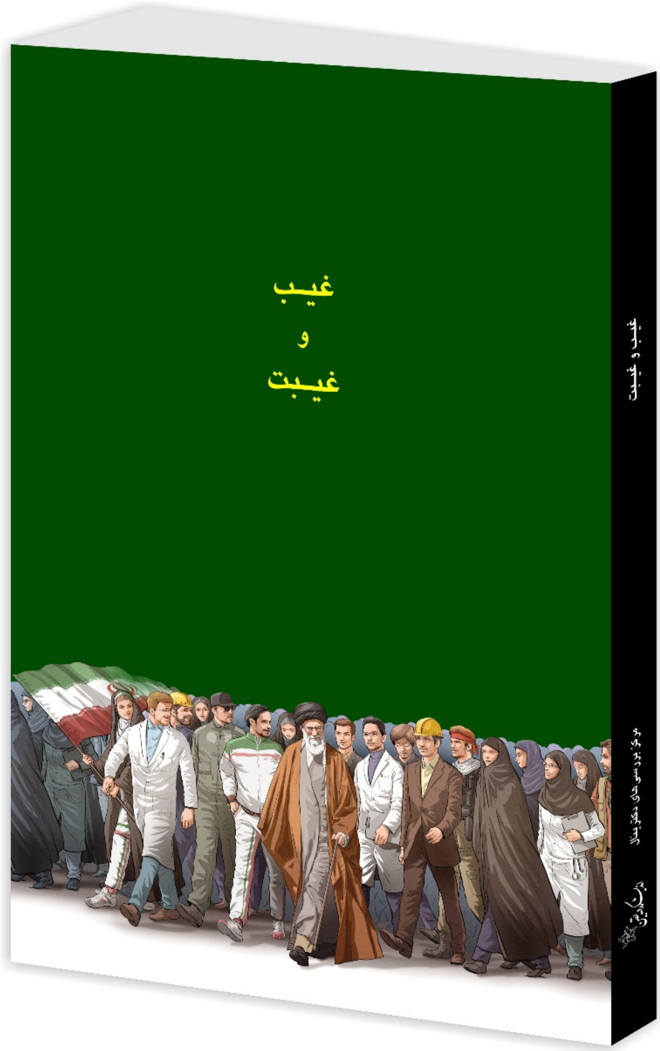
☐ بنیاد ایمان به غیب (بنیاد غیبت)

این بنیاد، یک نهاد اندیشه‌ای ـ اشاعه‌ای ـ انگیزه‌ای (علمی، فرهنگی، هنری و آموزشی) است که بر محور ایمان به غیب سازماندهی می‌شود:

☐ الف) وجه علمی

تبیین علمی غیب، و تولید علم بر مدار آن، و آماده‌سازی متون برای تدریس در محافل دانشگاهی.

بنیاد غیبت، در گام نخست، دایرةالمعارف «غیب و غیبت» را تبیین و تهیه و تدارک می‌نماید.



□ ب) وجه آموزشی

آموزش عمومی و تخصصی آموزه‌های مربوط به غیب و غیبت در سطوح مختلف به کودکان و نوجوانان، در نسبت با آموزش و پرورش.

□ پ) وجه هنری

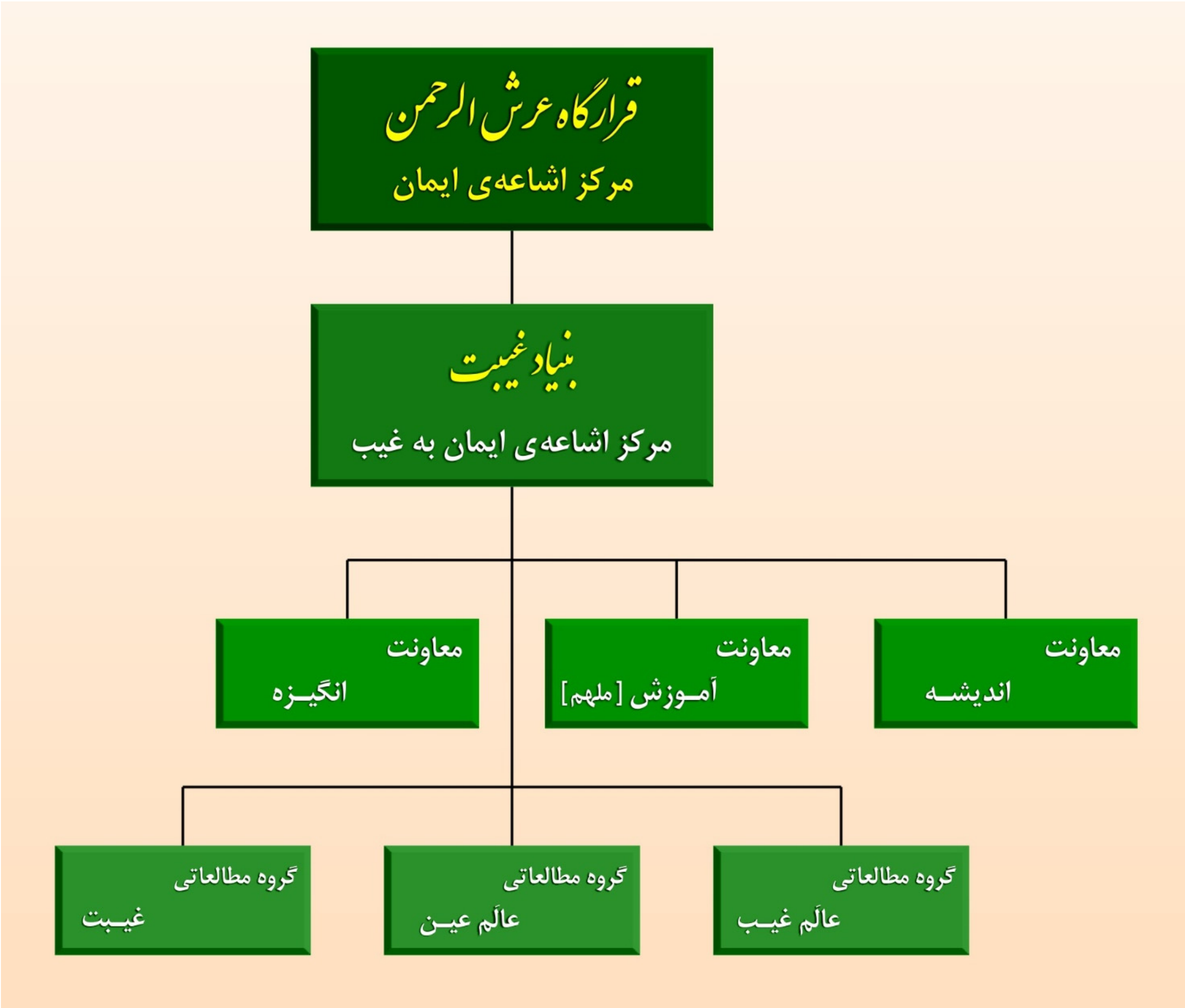
تهیه‌ی فیلم‌های سینمایی، سریال‌های تلویزیونی، بازی‌های کامپیوتری و ... در معرفی غیب، توسط مؤسسات هنری، در نسبت با وزارت فرهنگ و ارشاد، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان صدا و سیما، و سپاه پاسداران.

□ ت) وجه فرهنگی

فعالیت رسانه‌ای، مطبوعاتی، و نشر مکتوب؛ فرهنگ‌سازی نوبه‌ای و تقویمی؛ در معرفی عالَم غیب، در نسبت با مجموعه‌ی نهادهای فرهنگی.

□ ث) ساختار

بنیاد ایمان به غیب (بنیاد غیبت) دارای سه معاونت اندیشه، انگیزه و آموزش بوده، و از سه گروه مطالعاتی «عالَم غیب»، «عالَم عین [شهادت]» و «غیبت» برخوردار است.



□ ۸) ـ دستور هماهنگی

بنیاد «ایمان به غیب» [بنیاد غیبت]، به‌عنوان نهاد مقدم در اشاعه‌ی «ایمان به غیب»، لزوماً بایستی در فعالیت های خود، از مجتهدین واجد شرایط، حکما، مفسرین قرآن عظیم، محدّثین، مورّخین و دانشمندان این حوزه، بهره بگیرد.

۴ ـ پشتیبانی و خدمات نبرد نرم

پشتیبانی اداری ـ مالی و آمادی، به طور مشخص به عهده‌ی قرارگاه عرش‌الرّحمن (مرکز اشاعه‌ی ایمان) است. اما در شرایط مقتضی، از ظرفیت کلیه‌ی نهادهای فرهنگی ـ علمی ـ آموزشی ـ رسانه‌ای و هنری کشور می‌توان استفاده کرد.

۵ ــ هدایت و مدیریت، و ارتباطات

□ الف ــ هدایت و مدیریت

هدایت و مدیریت در عملیات «صیانت از عالَم غیب و کلّیّت غیبت» و «اشاعه‌ی ایمان به غیب» از نظام فرماندهی منفصل بهره می‌برد [نه از سیستم فرماندهی یک‌پارچه و متصل]. لذا بنیاد ایمان به غیب، سبک و چابک است. فرماندهی مزبور، عملیات خود را در دو حوزه مدیریت می‌کند:

□ ۱) ارضایی

مدیریت بر حب و بغض گروه هدف، شامل زدودن «بغض» به عالَم غیب و ایجاد «حب» به عالَم غیب.

□ ۲) اقناعی

مدیریت بر شک و یقین گروه هدف، شامل زدودن «شک» به عالَم غیب و غیبت، و ایجاد و تثبیت «یقین» به عالَم غیب و غیبت.

□ ب ــ ارتباطات

چون نظام هدایت و مدیریت در عملیات اشاعه‌ی ایمان به غیب، منفصل و غیر سلسله‌مراتبی است، لذا شبکه‌ی ارتباطات نیز، شبکه‌ی متصل نبوده و منفصل است. ازاین‌رو، ارتباطات به صورت اقتضایی و موردی [و کارکردی] صورت می‌گیرد و در نتیجه سیال است.

اَلَیس الصّبحُ بِقَریب

طرح عملیاتی جبرئیل

بنیاد جبرئیل

مرکز اشاعه‌ی ایمان به ملائکه

روند ۲/۱/۲ — طرح عملیاتی جبرئیل

۱ ـ وضعیت

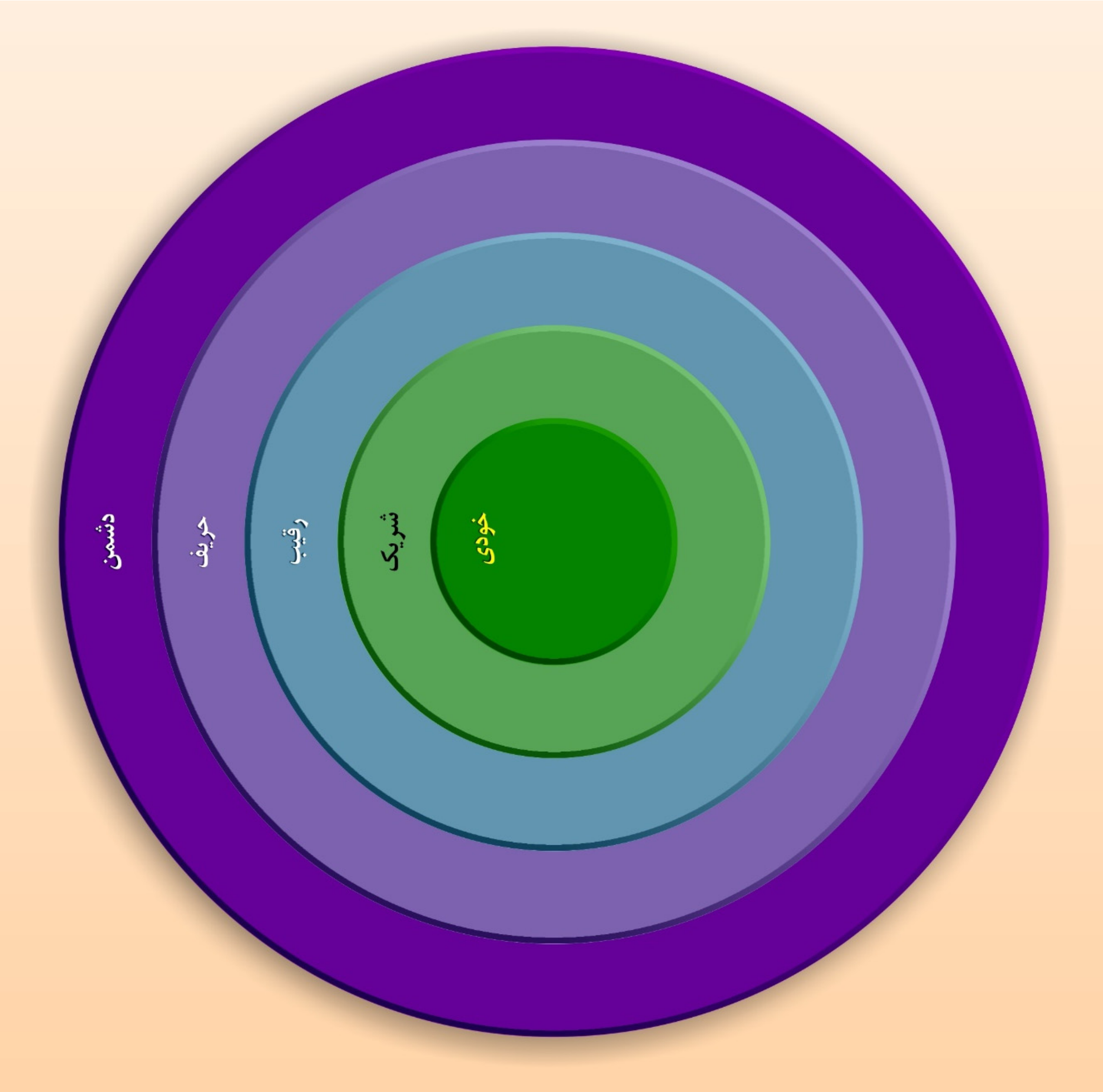
☐ الف ـ کلیات

ایمان به ملائکه، یکی از هفت متعلق ایمان، و از ضروریات دین مبین اسلام است که نفی آن، مصداق کفر می‌باشد (آیات ۹۸، ۱۷۷، ۲۸۵ سوره‌ی بقره). اما در سال‌های اخیر، هجوم گسترده‌ای به ملائکه صورت گرفته که هم‌چنان با شدت و قوت ادامه دارد.

در این تهاجم، ملائکه‌ی مقرب حضرت الله جل‌جلاله بویژه حضرت جبرئیل و حضرت میکائیل، آماج شدیدترین حملات قرار گرفته‌اند، و وجهه‌ی این فرشتگان معظّم در افکار عمومی به گسترده‌ترین شکل ممکن تخریب شده است. هالیوود با فیلم‌های سینمایی مسمومی مانند «لژیون» و «کنستانتین»، و تلویزیون آمریکا با سریال‌هایی چون «سوپر نیچرال»، «دامینیون» و «لوسیفر»، مَلَک مظلوم ـ یعنی حضرت جبرئیل امین ـ را هتک نموده‌اند.

چون در یهود و مسیحیت اعتقاد به تفکیک جن از ملک وجود ندارد، می‌گویند همان‌گونه که انسان خوب و بد هست، فرشته‌ی خوب و بد نیز وجود دارد. لذا شیطان نیز فرشته است، اما فرشته‌ی موذی و منفی. در یک سر این طیف، جبرئیل قرار دارد و در سر دیگر آن، ابلیس یا لوسیفر. همواره در این القائات، لوسیفر بر گابریل (جبرئیل) پیروز می‌شود.

□ ب ـ طیف‌شناسی گروه‌های آماج



طیف‌شناسی عناصر برخورد

□ ۱) دشمن

ناتو فرهنگی در شاخه‌های:

□ ۱) نهادهای فکری ـ فلسفی غرب در قالب ایدئولوژی‌های نئوپاگانیسم، سکیولاریسم، نیچرالیسم و ساینتیسیسم.

□ ۲) نهادهای دانشگاهی غرب از طریق اشاعه‌ی داروینیسم، نئوپاگانیسم، نیچرالیسم، ساینتیسیسم، پوزیتیویسم و آمپریسم.

□ ۳) نهادهای هنری غرب، به‌ویژه هالیوود از طریق اشاعه‌ی سیطنیزم، نئوپاگانیسم، بابلیسم و آمورالیسم.

□ ۴) نهادهای تربیتی و آموزشی غرب، از طریق اشاعه‌ی سکیولاریسم، نئوپاگانیسم و آمورالیسم.

□ ۲) حریف

جریان مدرنیست و سکیولار درون کشور در شاخه‌های:

□ ۱) نهادهای فکری ـ فلسفی مدرنیست، از طریق اشاعه‌ی ایدئولوژی‌های سکیولاریسم، داروینیسم، پوزیتیویسم و آمپریسم.

□ ۲) نهادهای دانشگاهی ایران، از طریق اشاعه‌ی سکیولاریسم، آمورالیسم، داروینیسم، نیچرالیسم، پوزیتیویسم و آمپریسم.

□ ۳) نهادهای هنری ایران به‌ویژه در سینما از طریق اشاعه‌ی شخصیت «پرومته» به‌عنوان منجی بشر در آغاز خلقت او.

□ ۴) نهادهای رسانه‌ای ایران، در قالب انتشار مطالب مکتوب یا فیلم‌های علمی مستندِ پوزیتیویستی ترجمه‌شده.

□ ۵) و هم‌چنین در بهره‌گیری از ظرفیت اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در نهادهای سایبر.

□ ۳) رقیب

نهادهای رقیب در مذاهب گوناگون اسلام کاملاً در این موضوع منفعل، بی‌اطلاع و غافل هستند.

□ ۴) شریک

نهادهای شریک نیز عمیقاً ناآگاه و درنتیجه منفعل و غافل هستند.

□ ۵) خودی

نیروهای خودی نیز در این موضوع، ناآگاه و کاملاً منفعل و غافل هستند.

□ پ ـ وابستگی نیروهای کنش‌گر

□ ۱) نیروهای تحت امر و تابع

[اساساً نهاد اقدام وجود ندارد.]

□ ۲) نیروهای جدا و غیرتابع

□ ۲/۱) شورای عالی انقلاب فرهنگی [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۲) حوزه‌ی علمیه [بی‌اطلاع و منفعل است]

☐ ۲/۳) جامعه‌ی دانشگاهی [بی‌اطلاع و منفعل است]

☐ ۲/۴) جامعه‌ی آموزش و پرورش [بی‌اطلاع و منفعل است]

☐ ۲/۵) جامعه‌ی فرهنگ و هنر (ارشاد اسلامی) [بی‌اطلاع و منفعل است]

☐ ۲/۶) سازمان صدا و سیما [بی‌اطلاع و منفعل است]

☐ ت ـ محیط‌شناسی؛ جو و فضا

☐ محیط

☐ ۱) محیط جهانی

محیط انکار ملائکه، و محیط تهاجم و تخریب وجهه‌ی آنان است؛ محیط «**وَ صَدُّوا عَنْ سَبیلِ اللَّهِ** »، محیط اصالت‌بخشی به شیاطین دربرابر ملائکه، و محیط تعیّنات [عینیّت‌گرایی] است.

☐ ۲) محیط منطقه‌ی اسلامی

محیط مسموم جهل، تکفیر و تفرقه و اباحه‌گرایی است.

☐ ۳) محیط داخلی [کشوری]

محیط غفلت و انفعال است.

☐ جو و فضا

فضای موجود، ظاهراً فضای غلبه‌ی هیاهوی «فرضیه»های علمی و القائات رسانه‌های انبوه و سرسام‌آور بر «سکوت» جبهه‌ی موحّدین است. اما این «فرضیه»های علمی، هنوز به نظریه‌ی علمی تبدیل نشده‌اند، و این گزاره‌های شبه‌علم [که وهم‌آلود هستند] در کنار القائات رسانه‌ای انبوه، عمدتاً «غوغا» بوده و در نتیجه؛ فضا، فضای «غوغا سالاری» علمی است.

در فضای غوغا سالاری و جوّ «شارلاتانیسم» علمی، قاعده‌ی «جوّشکنی» سه پایه‌ی «معرفت»یابی، «بصیرت»افزایی و «جهاد تبیین»، به‌ویژه جهاد کبیر را برمی‌تابد.

☐ ث ـ فرضیات

☐ ۱) عموم مسلمین نمی‌دانند که ایمان به ملائکه، یکی از متعلّق‌های مهمّ ایمان اسلامی است که واجب، و از ضروریات دین بوده و نفی آن کفر است. لذا در برابر تهاجم به آن، «موضع» [گارد] نداشته، و عمدتاً بی‌تفاوت هستند.

□ ۲) عالمان مسلمان، در تبیین این وجوب، و ضرورت ایمان به ملائکه، کوتاهی و قصور کرده‌اند. لذا موضوع ایمان به ملائکه، نه‌تنها از جهات فرهنگی، که حتی از جهات و ابعاد علمی نیز به‌گونه‌ای دقیق، تبیین نشده است و ازاین‌رو، معرفت به ملائکه، در سطح جامعه مخدوش است.

□ ۳) مخدوش بودن معرفت دانشمندان و خواص نسبت به «ایمان به ملائکه»، و ناآگاهی عوام و توده‌های مردم به این متعلق ایمان، موجب خدشه در «کلیت» ایمان در منظومه‌ی متعلق‌های هفت‌گانه‌ی ایمان در مجموعه‌ی باور مسلمین شده است. این خدشه، زمینه‌ی مخدوش شدن ایمان به خدا، ایمان به کتاب و ایمان به انبیاء(ع) را در پی داشته و دارد.

□ ۴) ناآگاهی از ضرورت ایمان به ملائکه، و [بدتر از آن] تخریب وجهه‌ی ملائکه [قبل از احتمال ایمان به آنان] زمینه‌ی عدم تحقق ایمان کامل در مؤمنین است.

□ ۵) مؤمنی که «ایمان» او ناقص است، طبیعتاً «عمل صالح» او نیز ناقص و نارسا بوده، و فاقد پشتوانه‌ی اعتقادی جامع و عمیق خواهد بود [... **إِلاَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحات**].

۲ ـ رسالت

جامعه‌ی فکری، علمی، هنری و رسانه‌ای انقلاب اسلامی؛ دربرابرِ تهاجم ناتو فرهنگی، به «ملائکه‌ی معظّم» و تخریب گسترده‌ی آنان در عرصه‌ی عمومی، و ایجاد تصویری مخدوش از ملائکه‌ی مقرب حضرت باری تعالی، مأموریت دارد:

□ الف ـ به تبیین دقیق ابعاد و زوایای این تهاجم [و تخریب] بپردازد.

□ ب ـ سپس دربرابر این تهاجم و تخریب، به پدافند عامل بپردازد.

□ ج ـ و آنگاه در میان عموم مردم [جامعه‌ی ایرانی، جهان اسلام، و سپس جهان غیر مسلمان] از طریق اقدام آفندی، به اشاعه‌ی ایمان به ملائکه، بپردازد.

۳ ـ اجرا

□ تدبیر عملیات

□ ۱) ـ اصول رزم نرم در حفاظت از ایمان به ملائکه

□ الف ـ تشخیص میدان [اقدام نامتقارن در میدان اقدام].

□ ب ـ عدم اطاعت از قواعد کفار [جهاد کبیر].

□ پ ـ تدقیق و تبیین قواعد خود [اقدام نامتقارن در قواعد اقدام].

□ ت ـ تبیین [بیّنات].

□ ث ـ بلاغ [مبین].

□ ج ـ قول سدید و حکمت.

□ چ ـ فعل حدید و میزان.

□ ح ـ موعظه‌ی حسنه.

□ خ ـ جدال احسن.

□ د ـ انعطاف‌پذیری در فروع (و عدم انعطاف در اصول).

□ ذ ـ ابتکار عمل (تعرض).

□ ر ـ وحدت رویه (که به وحدت تلاش‌ها منتج می‌شود).

□ ز ـ پیشرفت و رشد (مانور).

□ ژ ـ انگیزه [ابعاث].

□ س ـ روحیه (تعادل روحی).

□ ش ـ مداومت کار و ثبات قدم.

□ ص ـ استقامت.

□ ض ـ استطاعت.

□ ط ـ اصطناعت.

□ ظ ـ استقلال [دربرابر استکثار].

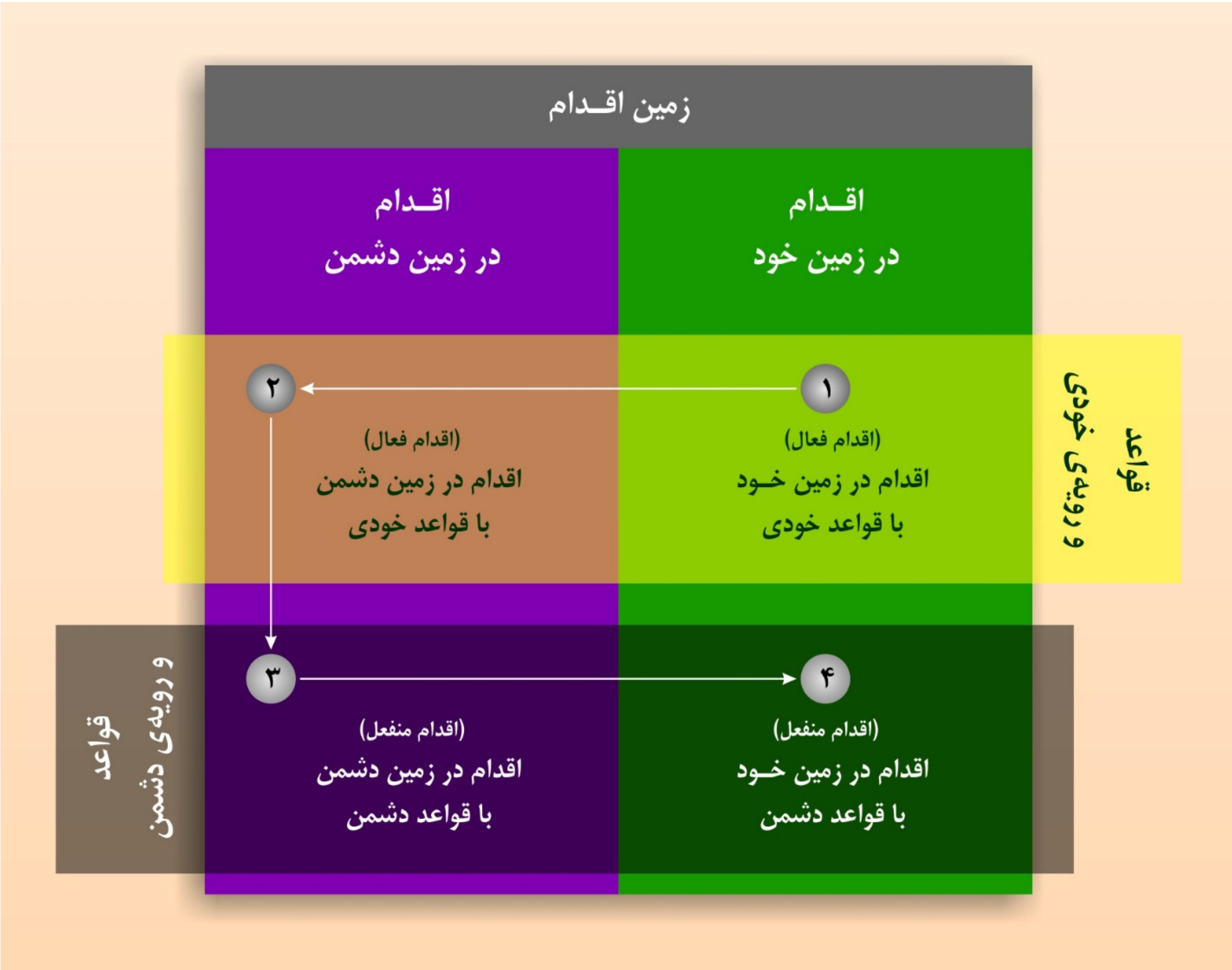
□ ع ـ بهره‌برداری از موفقیت.

□ غ ـ استفاده‌ی بهینه (یا بهره‌وری مطلوب) از قوا.

□ ۲) ـ دکترین و استراتژی

□ الف ـ دکترین

دکترین اقدام نامتقارن.



دکترین اقدام نامتقارن

□ ب ـ استراتژی

بهره‌گیری از سیر جدالی (به‌ویژه در جدال احسن).

□ ۳) ـ عرصه‌سازی

□ **الف) ابتدا عرصه‌ی رسمی** (حوزه‌ی علمیه ـ سپاه پاسداران ـ نظام دانشگاهی ـ نظام آموزش‌وپرورش).

□ **ب) سپس عرصه‌ی عمومی** (از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد ـ سازمان تبلیغات اسلامی ـ سازمان صدا و سیما ـ نیروی مقاومت بسیج ـ و فضای سایبر).

□ **۴) ـ مانور**

□ **الف) ارضایی**

مؤمنین و مسلمین، تحریک و تحریص و ترغیب به حفاظت از ایمان به ملائکه گردند.

□ **ب) اقناعی**

مؤمنین عموماً و غیر مؤمنین خصوصاً، نسبت به ایمان به ملائکه اقناع شوند.

□ **۵) ـ قول ثابت**

□ الف) قرآن مجید

□ ب) احادیث و روایات چهارده معصوم(ع)

□ ج) تدابیر و کلام امامین خمینی(ره) و خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

□ **۶) ـ اطلاعات**

رصد لحظه به لحظه و همه‌جانبه‌ی دشمن، حریف و رقیب در حوزه‌ی حملات آن‌ها به ملائکه و «ایمان به ملائکه» و تلاش برای القاء «کفر به ملائکه».

□ **۷) ـ سازمان برای نبرد نرم**

□ **بنیاد ایمان به ملائکه (بنیاد جبرئیل)**

این بنیاد، یک نهاد اندیشه‌ای ـ اشاعه‌ای ـ انگیزه‌ای (علمی، فرهنگی، هنری و آموزشی) است که بر محور ایمان به ملائکه سازماندهی می‌شود:

□ الف) وجه علمی

تبیین علمی ملائکه، و تولید علم بر مدار آن، و آماده‌سازی متون برای تدریس در محافل دانشگاهی.

بنیاد جبرئیل، در گام نخست، دایرةالمعارف «ملائکه» را تبیین و تهیه و تدارک می‌نماید.



☐ ب) وجه آموزشی

آموزش عمومی و تخصصی آموزه‌های مربوط به ملائکه در سطوح مختلف به کودکان و نوجوانان، در نسبت با آموزش و پرورش.

☐ پ) وجه هنری

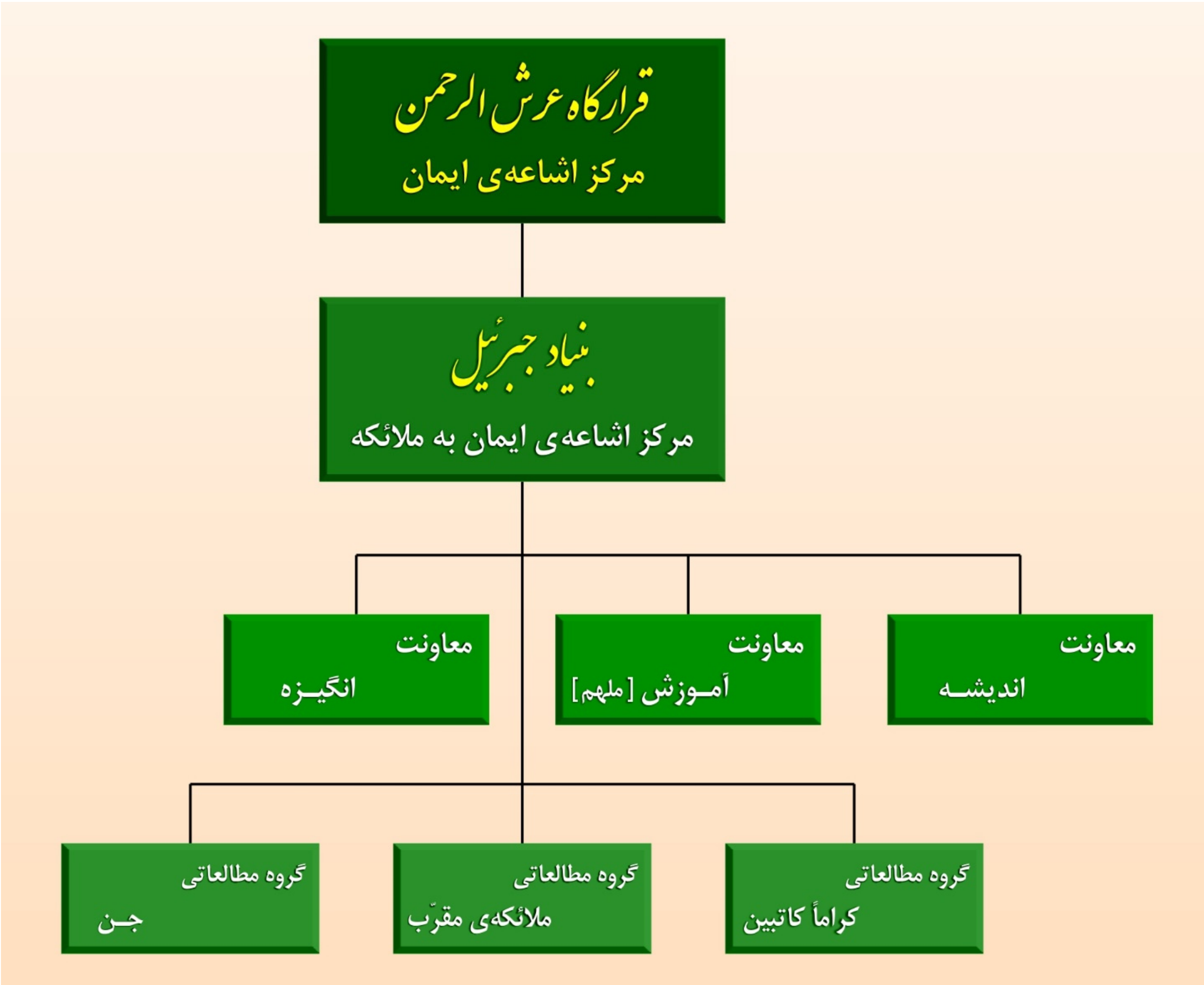
تهیه‌ی فیلم‌های سینمایی، سریال‌های تلویزیونی، بازی‌های کامپیوتری و ... در معرفی ملائکه توسط مؤسسات هنری، در نسبت با وزارت فرهنگ و ارشاد، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان صدا و سیما، و سپاه پاسداران.

☐ ت) وجه فرهنگی

فعالیت رسانه‌ای، مطبوعاتی، و نشر مکتوب، فرهنگ‌سازی نوبه‌ای و تقویمی، در معرفی ملائکه، در نسبت با مجموعه‌ی نهادهای فرهنگی.

□ ث) ساختار

بنیاد ایمان به ملائکه (بنیاد جبرئیل) دارای سه معاونت اندیشه، انگیزه و آموزش بوده، و واجد سه گروه مطالعاتی «کراماً کاتبین»، «ملائکه‌ی مقرّب» و «جن» است.



□ ۸) ـ **دستور هماهنگی**

بنیاد «ایمان به ملائکه»، به عنوان نهاد مقدم در اشاعه‌ی «ایمان به ملائکه»، لزوماً بایستی در فعالیت‌های خود، از مجتهدین واجد شرایط، حکما، مفسرین قرآن عظیم، محدّثین، و دانشمندان این حوزه، بهره بگیرد.

۴ ـ پشتیبانی و خدمات نبرد نرم

پشتیبانی اداری ـ مالی و آمادی، به طور مشخص به عهده‌ی قرارگاه عرش‌الرّحمن (مرکز اشاعه‌ی ایمان) است. اما در شرایط مقتضی، از ظرفیت کلیه‌ی نهادهای فرهنگی ـ علمی ـ آموزشی ـ رسانه‌ای و هنری کشور می‌توان استفاده کرد.

۵ ـ هدایت و مدیریت، و ارتباطات

□ الف ـ هدایت و مدیریت

هدایت و مدیریت در عملیاتِ «صیانت از وجهه‌ی ملائکه» و «اشاعه‌ی ایمان به ملائکه» از نظام فرماندهی منفصل بهره می‌برد [نه از سیستم فرماندهی یک‌پارچه و متصل]. لذا بنیاد ایمان به ملائکه، سبک و چابک است. فرماندهی مزبور، عملیات خود را در دو حوزه مدیریت می‌کند:

□ ۱) ارضایی

مدیریت بر حب و بغض گروه هدف، شامل زدودن «بغض» به ملائکه، و ایجاد «حب» به ملائکه.

□ ۲) اقناعی

مدیریت بر شک و یقین گروه هدف، شامل زدودن «شک» به ملائکه، و ایجاد و تثبیت «یقین» به ملائکه.

□ ب ـ ارتباطات

چون نظام هدایت و مدیریت در عملیات اشاعه‌ی ایمان به ملائکه، منفصل و غیر سلسله‌مراتبی است، لذا شبکه‌ی ارتباطات نیز، شبکه‌ی متصل نبوده و منفصل است. ازاین‌رو ارتباطات، به صورت اقتضایی و موردی [و کارکردی] صورت می‌گیرد، در نتیجه سیال است.

اَلَیس الصّبحُ بِقَریب

طرح عملیاتی فرقان

بنیاد فرقان

مرکز اشاعه‌ی ایمان به کتاب

روند ۲/۱/۳ طرح عملیاتی فرقان

۱ ـ وضعیت

☐ الف ـ کلیات

ایمان به کتاب و آنچه نازل شده، یکی از هفت متعلق ایمان، و از ضروریات دین مبین اسلام است که نفی آن، مصداق کفر می‌باشد (آیات ۴، ۸۵، ۹۱، ۱۷۷، ۲۸۵ سوره‌ی بقره ـ ۵۳ و ۱۱۹ آل عمران ـ ۱۳۶ و ۱۶۲ نساء ـ ۵۹ مائده ـ ۱۵ شوری).

رسالت و نبوّت انبیاء اولوالعزم(ع)، به‌ویژه حضرت رسول اعظم(ص)، همراه با «آیاتٌ بَیّنات» بوده است. هریک از انبیاء (ع)، خود یک آیه‌ی بیّنه بودند. معجزاتی که از هریک انبیاء (ع) دیده شد [مانند عصای موسی(ع) یا کشتی نوح(ع)] نیز آیه‌ی بیّنه بودند.

اما بخش مهمی از آیاتٌ بیّنات، از طریق وحی نازل می‌شد و در قالب کتاب، از سوی انبیاء (ع) به دست مؤمنین می‌رسید؛ مانند تورات، انجیل و قرآن.

کفّار و مشرکین، در مواجهه با آیاتٌ بیّنات، همواره از درِ تکذیب، استهزاء، تمسخر، جدل، تفرقه، و درنهایت تهدید انبیاء (ع) وارد می‌شدند، و علی‌النّهایه هم ایمان نمی‌آوردند و با عذاب مواجه می‌گشتند.

امروز نیز، همان رویه‌های کهن «آیات‌ستیزی» و «بیّنات‌گریزی» از سوی سکیولاریست‌ها و پاگانیست‌ها، به اَشکال امروزی تکرار می‌شود. درنتیجه، هجوم مستمر و گسترده‌ای به قرآن مجید صورت گرفته که هم‌چنان با شدّت و قوّت ادامه دارد.

در این تهاجم، قرآن کریم را به اَشکال مختلف تخریب می‌کنند:

الف ــ مراسم قرآن‌سوزی

در دو دهه‌ی گذشته، در آمریکا و اروپا [سوئد، دانمارک، آلمان، هلند، و ...] برنامه‌ی مستمر قرآن‌سوزی برگزار شده و در مراسمات رسمی که از قبل به اطلاع عموم رسیده، به ساحت قرآن عظیم هتک شده و صفحات این مصحف الهی را آتش می‌زنند.

در این مراسمات، یا کشیش‌های افراطی [مانند کشیش آمریکایی]، یا سیاسیون اسلام‌ستیز [مانند نماینده‌ی پارلمان هلند]، یا شهروندان نژادپرست اروپایی، و یا مسلمانان مرتد، که از اسلام برگشته‌اند [مانند مراسمات سوئد و دانمارک] به کتاب‌سوزی اقدام کرده و تصاویر آن مراسم موهن را، در سطحی وسیع، در رسانه‌های گوناگون منتشر می‌کنند. این مراسمات موهن، با هماهنگی رژیم‌های آمریکایی و اروپایی برگزار می‌شود.

ب ــ برنامه‌ی تشکیک در آیات بیّنات قرآن

در این برنامه، ملحدین در برخی آیات تشکیک کرده و غالباً با مغلطه، در باره‌ی این آیات به تشکیک در کل قرآن مجید می‌پردازند. مثلاً عبدالکریم سروش، مدعی است که قرآن نتیجه‌ی وحی الهی نیست؛ بلکه محصول رؤیای پیامبر(ص) در خواب است.

پ ــ برنامه‌ی تکذیب در کلّیت قرآن، یا تکذیب بخش‌هایی از آن

در قرآن مجید، فرموده است که کفّار در مواجهه با آیاتٌ بیّنات، به تکذیب روی می‌آورند و آن را دروغ می‌انگارند. این برنامه، امروز به شیوه‌ای روش‌مند، در محافل علمی و رسانه‌ای اجرا می‌شود.

ت ــ برنامه‌ی استهزاء و تمسخر

همانند آنچه در قرآن کریم، در باره‌ی استهزاء و تمسخر آیات بیّنات از سوی کفّار، در دوره‌ی انبیاء(ع) پیشین آمده، اکنون نیز برنامه‌ی استهزاء آیات الهی در حجم انبوه اجرا می‌شود.

ث ــ جدل در آیات قرآن، بدون علم به آن

محاجّه و مجادله در آیات قرآن [بدون علم به آن] از رایج‌ترین شیوه‌های قرآن‌ستیزی است.

ج ــ تحریف آیات قرآن

یک شیوه‌ی قرآن‌ستیزی، که بسیار شایع و رایج است، شیوه‌ی تحریف آیات قرآن، به‌ویژه در پوشش ترجمه‌ی آن آیات به زبان‌های دیگر است؛ که در قالب ترجمه، با زیرکی و در روندی موذیانه، کلمات کلیدی را با معنی غلط، به زبان دوم بر می‌گردانند. در ایران نیز مانند سایر جوامع، این روند تحریف، اجرا و اِعمال شده است.

چ ـ تفسیر به رأی آیات قرآن

شیوه‌ی حادّ قرآن‌سوزی [که از قرآن‌ستیزی بدتر است] رویه‌ی تفسیر به رأی آیات قرآن عظیم، از سوی برخی مسلمین ظاهری است، که در باطن خود، از مرض قلب رنج می‌بَرند. بخشی از این تفسیر به رأی، امروزه در قالب تفسیر ساینتیستی قرآن کریم رایج شده که بسیار مبتذل و سخیف است.

ح ـ تأویل به باطل و ظلم به آیات قرآن

تفسیر و تأویل آیات قرآن، مختص به خواص و عالمان دین، به‌ویژه ائمه اطهار(ع) است. اما در عصر مدرن، با بازخوانی رویه‌های تأویلی متون و بازگشت به شیوه‌ی هرمس، فیلسوفان غربی به هرمنوتیک پرداختند و کتاب مقدّس یهود و مسیحیت را تأویل کردند.

اما در دوره‌ی اخیر، روی‌کرد هرمنوتیکال به متون مقدّس را متوجه قرآن نمودند، و به شیوه‌ای ناقص، به تأویل قرآن مشغول شدند. در مواجهه‌ی هرمنوتیکال به هر متن، سه روی‌کرد مدّنظر هرمنوتیسین است:

ـ نیّت و قصد گوینده و نویسنده‌ی متن.

ـ معنای لغوی متن [و نص].

ـ برداشت شنونده و خواننده‌ی متن.

اکنون در مواجهه‌ی ناقص هرمنوتیکال به قرآن کبیر، عمدتاً از رویه‌ی تأویل معنای لغوی متن استفاده کرده، و با اتیمولوژی [ریشه‌شناسی ناقص]، به استنباط‌های ناروا رسیده و بعضاً مغرضانه، آن استنباط‌ها را اساس حمله به کلّیت قرآن قرار داده و می‌دهند. محمد آرکون، نصر حامد ابوزید، مجتهد شبستری، سروش، و ... در این روند، نقش‌آفرین بوده‌اند.

* * * * * *

قرآن کریم، کتاب هدایت آدمیان در همه‌ی دوره‌هاست، که کهنه نمی‌شود. اما قرآن‌ستیزی شیاطین جنّی و انسی، با هدف محروم کردن انسان‌ها از این راهنمای ابدی، در اعصار گذشته بعضاً مؤثر بوده، و اکنون نیز متأسفانه مؤثر است. البته قرآن‌ستیزی مدرن، تأثیری در هستی و حیات قرآن عزیز ندارد، زیرا ربّ‌العالمین صراحتاً در قرآن فرموده‌اند:

« إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُون ... آیه ۹ حجر »

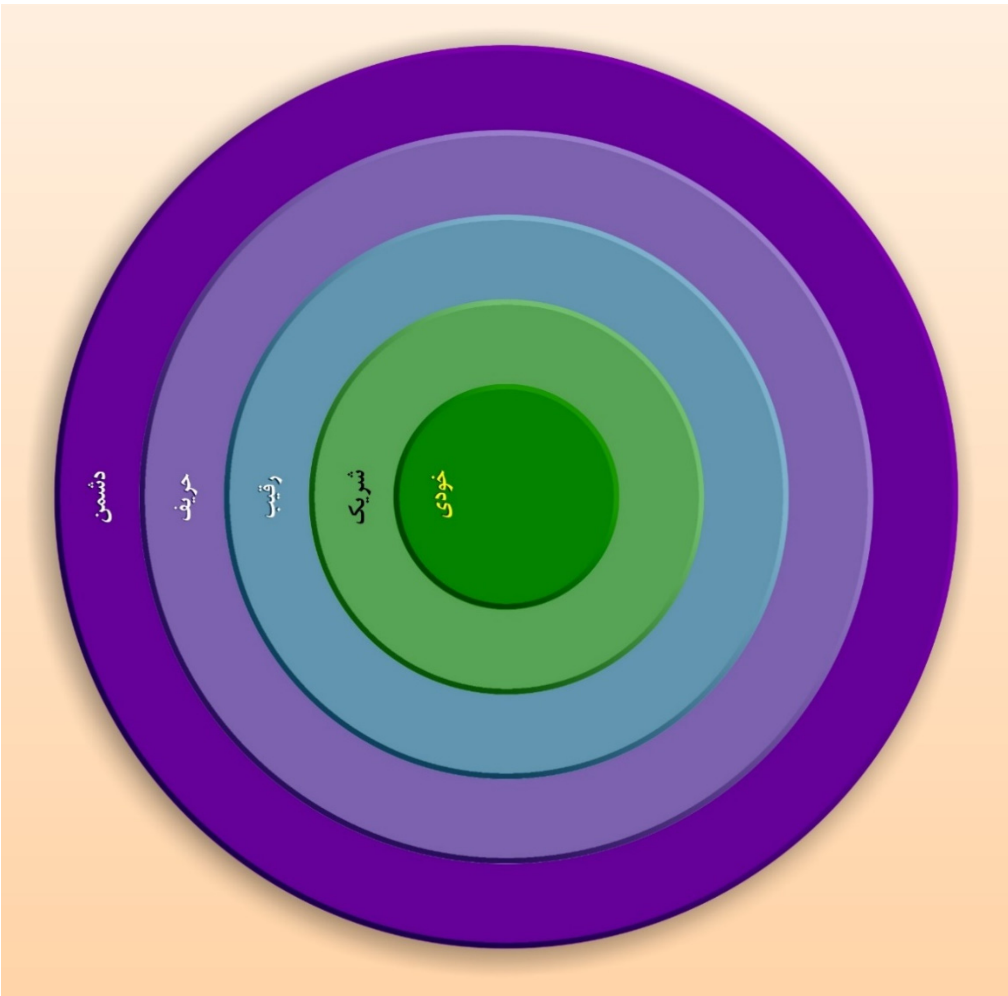
ما آن ذکر را نازل کردیم و یقیناً ما آن را حفظ می‌کنیم.

ازاین‌رو قرآنی که حضرت الله جلّ‌جلاله آن را حفظ می‌کند، با هیاهوی خنّاسان نمی‌توان مخدوش کرد؛ بلکه انسان‌ها را از برنامه و تمنّای هدایت آن محروم می‌کنند. شیاطین جنّی و انسی، به استراتژی انبیاء(ع) حمله کرده‌اند؛ استراتژی انبیاء(ع) هدایت، تزکیه، و تعلیم مردم بر مبنای کلام‌الله است، و شیاطین می‌کوشند که مانع این روند شوند.

اکنون باید با روشی مدوّن، به استراتژی ممانعتی شیاطین حمله کرد، و قرآن عظیم را به متن جامعه و بطن زندگی مردم آورد و برای تحقق این قصد الهی کوشید؛ برای اینکه: «**جامعه را قرآن مجسّم کنیم** [امام خامنه‌ای ۱۳۶۰].» تلاش مفسّرین کبیر قرآن عظیم، از علامه‌ی طباطبایی(ره) تا علامه‌ی جوادی آملی، راه‌گشای نیل به این روش مدوّن است.

عصر کنونی، عصر خلط حق و باطل است، و فرقان اعظم [قرآن عظیم]، فاروق حق از باطل است. لذا بنیاد فرقان، با تمسّک به آیات این کتاب مبین، به تبیین مرز حق و باطل، و عقل و جهل پرداخته و البته در اشاعه‌ی ایمان به وحی الهی و کتاب‌الله و آنچه نازل شده، می‌کوشد؛ به حول قوه‌ی الهی.

☐ ب ـ طیف‌شناسی گروه‌های آماج



طیف‌شناسی عناصر برخورد

☐ ۱) دشمن

ناتو فرهنگی در شاخه‌های:

☐ ۱) نهادهای فکری ـ فلسفی غرب در قالب ایدئولوژی‌های پاگانیسم، پرومته‌ایسم، نیچرالیسم، هرمنوتیسم، ساینتیسیسم، و پوزیتیویسم.

☐ ۲) نهادهای دانشگاهی غرب از طریق اشاعه‌ی نئوپاگانیسم، هرمنوتیسم، ساینتیسیسم، داروینیسم، آنتروپولوژیسم، پوزیتیویسم و آمپریسم.

☐ ۳) نهادهای هنری غرب، به‌ویژه هالیوود از طریق اشاعه‌ی سَمبلیسم، هرمنوتیسم، پرومته‌ایسم و نئوپاگانیسم.

☐ ۲) حریف

جریان مدرنیست و سکیولار درون کشور در شاخه‌های:

☐ ۱) نهادهای فکری ـ فلسفی مدرنیست، از طریق اشاعه‌ی ایدئولوژی‌های سکیولاریسم، هرمنوتیسم، ساینتیسیسم و پوزیتیویسم.

☐ ۲) نهادهای دانشگاهی ایران، از طریق اشاعه‌ی نئوپاگانیسم، هرمنوتیسم، ساینتیسیسم، داروینیسم، آنتروپولوژیسم، نیچرالیسم، پوزیتیویسم و آمپریسم.

☐ ۳) نهادهای هنری ایران، در سینما و معماری از طریق اشاعه‌ی سکیولاریسم، هرمنوتیسم، اَبزوردیسم و پرومته‌ایسم.

☐ ۴) نهادهای رسانه‌ای ایران، در قالب مطالب مکتوب یا فیلم‌های علمی مستندِ پوزیتیویستیِ ترجمه شده.

☐ ۵) و هم‌چنین در بهره‌گیری از ظرفیت اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در نهادهای سایبر.

☐ ۳) رقیب

نهادهای رقیب در مذاهب اسلام، کاملاً در این موضوع منفعل، بی‌اطلاع و غافل هستند.

☐ ۴) شریک

نهادهای شریک نیز عمیقاً ناآگاه و درنتیجه منفعل و غافل هستند.

☐ ۵) خودی

نیروهای خودی نیز در این موضوع، ناآگاه و کاملاً منفعل و غافل هستند.

□ پ ـ وابستگی نیروهای کنش‌گر

□ ۱) نیروهای تحت امر و تابع

[اساساً نهاد اقدام وجود ندارد.]

□ ۲) نیروهای جدا و غیرتابع

□ ۲/۱) شورای عالی انقلاب فرهنگی [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۲) حوزه‌ی علمیه [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۳) جامعه‌ی دانشگاهی [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۴) جامعه‌ی آموزش و پرورش [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۵) جامعه‌ی فرهنگ و هنر (ارشاد اسلامی) [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۶) سازمان صدا و سیما [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ت ـ محیط‌شناسی؛ جو و فضا

□ محیط

□ ۱) محیط جهانی

محیط انکار آیات وحیانی، و تهاجم و تخریبِ وجهه‌ی قرآن کریم است؛ محیط «**وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ**»، و محیط القائات و وحی و خطوات شیاطین است.

□ ۲) محیط منطقه‌ی اسلامی

محیط مسموم جهل، تکفیر و تفرقه و اباحه‌گرایی است.

□ ۳) محیط داخلی [کشوری]

محیط غفلت و انفعال است.

□ جو و فضا

فضای موجود، ظاهراً فضای غلبه‌ی هیاهوی «فرضیه»های علمی و القائات رسانه‌های انبوه و سرسام‌آور بر «سکوت» جبهه‌ی موحّدین است. اما این «فرضیه»های علمی [به‌ویژه در ابعاد هرمنوتیکال] هنوز به نظریه‌ی

علمی تبدیل نشده‌اند، و این گزاره‌های شبه‌علم [که عمدتاً وهم‌آلود هستند] در کنار القائات رسانه‌ای انبوه، عمدتاً «غوغا» بوده و در نتیجه؛ فضا، فضای «غوغا سالاری» علمی است.

در فضای غوغا سالاری و جوّ «شارلاتانیسم» علمی، قاعده‌ی «جوّ شکنی» سه پایه‌ی «معرفت»یابی، «بصیرت»افزایی و «جهاد تبیین»، به‌ویژه جهاد کبیر را برمی‌تابد.

□ ث ـ فرضیات

□ ۱) عموم مسلمین نمی‌دانند که ایمان به کتاب [قرآن مجید]، یکی از متعلّق‌های مهمّ ایمان اسلامی است که واجب و از ضروریات دین بوده و نفی آن کفر است. لذا در برابر تهاجم به آن، «موضع» [گارد] نداشته، و عمدتاً بی‌تفاوت هستند.

□ ۲) عالمان مسلمان، در تبیین این وجوب، و ضرورت ایمان به کتاب [قرآن مجید]، کوتاهی و قصور کرده‌اند. لذا موضوع ایمان به کتاب، نه‌تنها از جهات فرهنگی، که حتی از جهات و ابعاد علمی نیز به‌گونه‌ای دقیق، تبیین نشده است و ازاین‌رو، معرفت به آخرت، در سطح جامعه مخدوش است.

□ ۳) مخدوش بودن معرفت دانشمندان و خواص نسبت به «ایمان به کتاب»، و ناآگاهی عوام و توده‌های مردم به این متعلق ایمان، موجب خدشه در «کلیت» ایمان در منظومه‌ی متعلق‌های هفت‌گانه‌ی ایمان توده‌ی جامعه شده است.

□ ۴) ناآگاهی از ضرورت ایمان به کتاب، و غفلت از این متعلّق مهم، زمینه‌ی عدم تحقق ایمان کامل در مؤمنین است.

□ ۵) مؤمنی که «ایمان» او ناقص است، طبیعتاً «عمل صالح» او نیز ناقص و نارسا بوده، و فاقد پشتوانه‌ی اعتقادی جامع و عمیق خواهد بود [... **إِلاَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحات**].

۲ ـ رسالت

جامعه‌ی فکری، علمی، هنری و رسانه‌ای انقلاب اسلامی؛ در برابرِ تهاجم ناتو فرهنگی به «کتاب‌الله» مأموریت دارد:

□ الف ـ به تبیین دقیق ابعاد و زوایای این تهاجم [و تخریب] بپردازد.

□ ب ـ سپس در برابر این تهاجم و تخریب، به پدافند عامل بپردازد.

□ ج ـ و آنگاه در میان عموم مردم [جامعه‌ی ایرانی، جهان اسلام، و سپس جهان غیر مسلمان] از طریق اقدام آفندی، به اشاعه‌ی ایمان به آخرت، بپردازد.

۳ ـ اجرا

□ تدبیر عملیات

□ ۱) ـ اصول رزم نرم در حفاظت از ایمان به کتاب‌الله

□ الف ـ تشخیص میدان [اقدام نامتقارن در میدان اقدام].

□ ب ـ عدم اطاعت از قواعد کفار [جهاد کبیر].

□ پ ـ تدقیق و تبیین قواعد خود [اقدام نامتقارن در قواعد اقدام].

□ ت ـ تبیین [بیّنات].

□ ث ـ بلاغ [مبین].

□ ج ـ قول سدید و حکمت.

□ چ ـ فعل حدید و میزان.

□ ح ـ موعظه‌ی حسنه.

□ خ ـ جدال احسن.

□ د ـ انعطاف‌پذیری در فروع (و عدم انعطاف در اصول).

□ ذ ـ ابتکار عمل (تعرض).

□ ر ـ وحدت رویه (که به وحدت تلاش‌ها منتج می‌شود).

□ ز ـ پیشرفت و رشد (مانور).

□ ژ ـ انگیزه [ابعاث].

□ س ـ روحیه (تعادل روحی).

□ ش ـ مداومت کار و ثبات قدم.

□ ص ـ استقامت.

□ ض ـ استطاعت.

□ ط ـ اصطناعت.

□ ظ ـ استقلال [دربرابر استکثار].

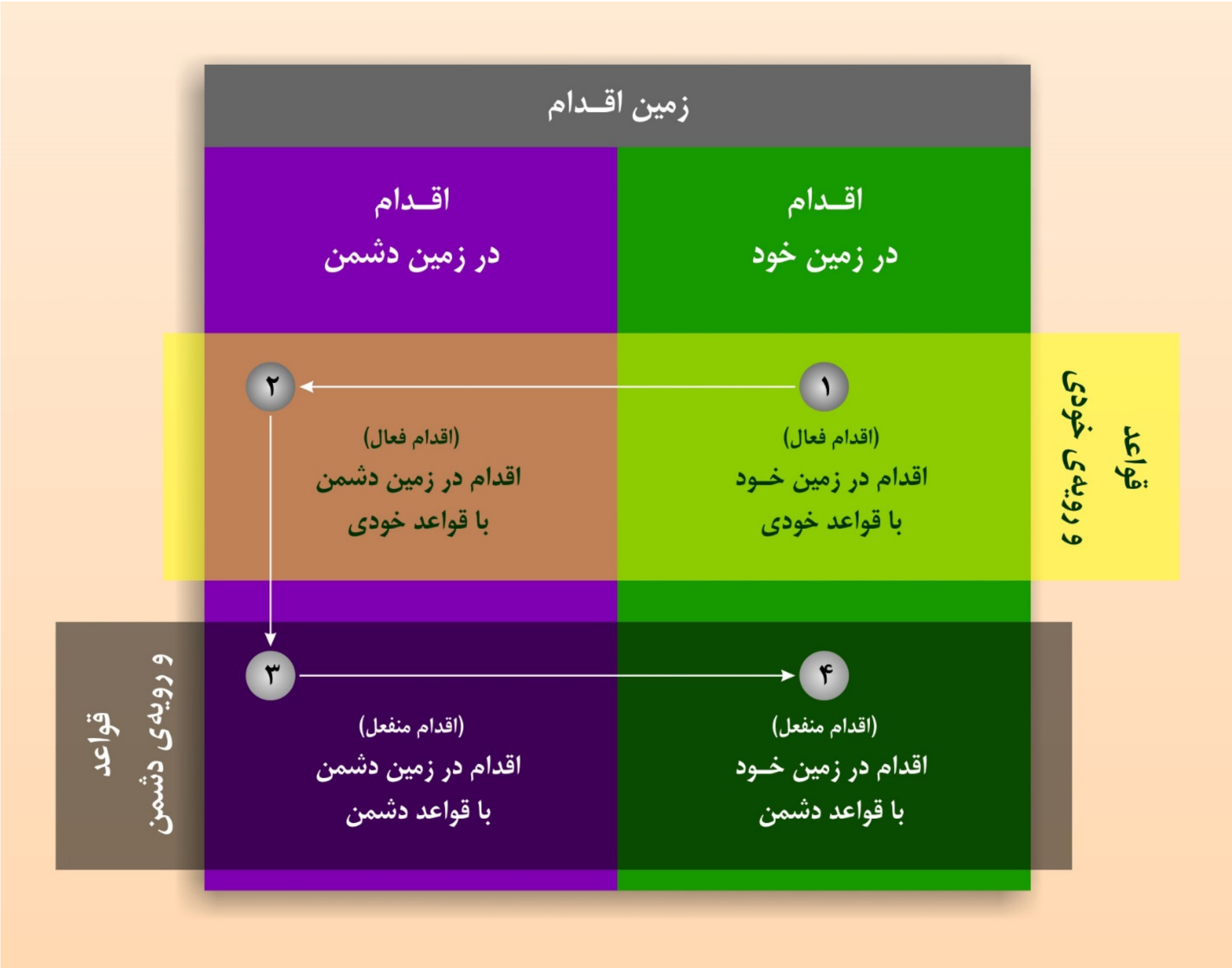
□ ع ـ بهره‌برداری از موفقیت.

□ غ ـ استفاده‌ی بهینه (یا بهره‌وری مطلوب) از قوا.

□ ۲) ـ دکترین و استراتژی

□ الف ـ دکترین

دکترین اقدام نامتقارن.



دکترین اقدام نامتقارن

□ ب ـ استراتژی

بهره‌گیری از سیر جدالی (به‌ویژه در جدال احسن).

□ ۳) ـ عرصه‌سازی

□الف) **ابتدا عرصه‌ی رسمی** (حوزه‌ی علمیه ـ سپاه پاسداران ـ نظام دانشگاهی ـ نظام آموزش‌وپرورش).

□ ب) **سپس عرصه‌ی عمومی** (از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد ـ سازمان تبلیغات اسلامی ـ سازمان صدا و سیما ـ نیروی مقاومت بسیج ـ و فضای سایبر).

□ ۴) ـ مانور

□ الف) ارضایی

مؤمنین و مسلمین، تحریک و تحریص و ترغیب به حفاظت از ایمان به کتاب‌الله گردند.

□ ب) اقناعی

مؤمنین عموماً و غیر مؤمنین خصوصاً، نسبت به ایمان به کتاب‌الله اقناع شوند.

□ ۵) ـ قول ثابت

□ الف) قرآن مجید

□ ب) احادیث و روایات چهارده معصوم(ع)

□ ج) تدابیر و کلام امامین خمینی(ره) و خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

□ ۶) ـ اطلاعات

رصد لحظه‌به‌لحظه و همه‌جانبه‌ی دشمن، حریف و رقیب در حوزه‌ی حملات آنان به وحی الهی و قرآن کریم، و «ایمان به کتاب‌الله» و تلاش برای القاء «کفر به کتاب‌الله».

□ ۷) ـ سازمان برای نبرد نرم

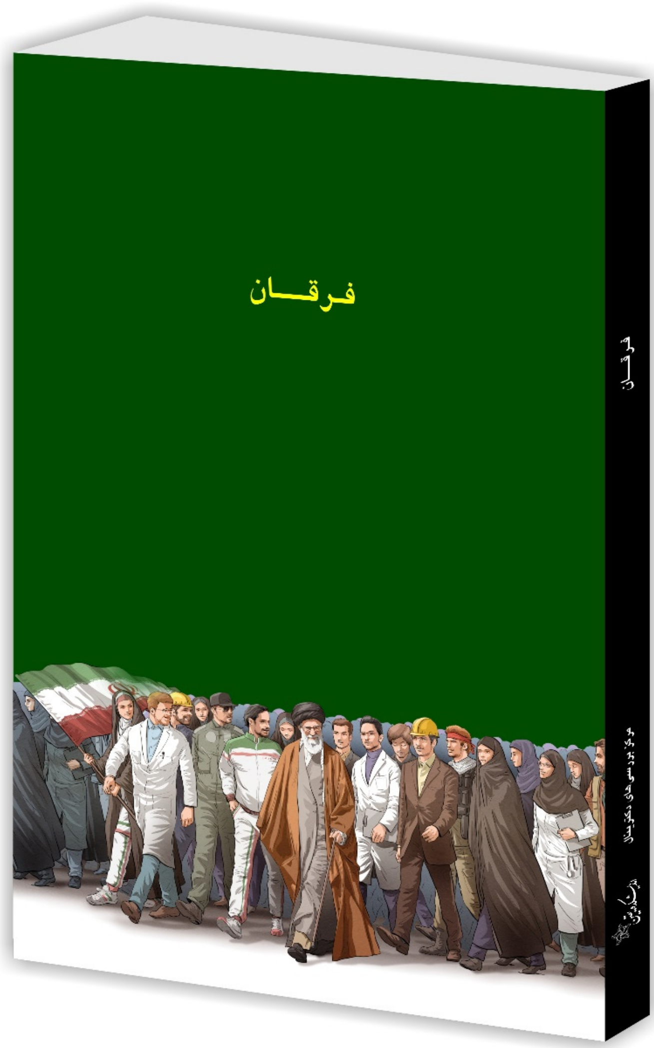
□ بنیاد ایمان به کتاب (بنیاد فرقان)

این بنیاد، یک نهاد اندیشه‌ای ـ اشاعه‌ای ـ انگیزه‌ای (علمی، فرهنگی، هنری و آموزشی) است که بر محور ایمان به وحی الهی و قرآن مجید سازماندهی می‌شود:

□ الف) وجه علمی

تبیین علمی وحی الهی و آیاتٌ بیّنات، و تولید علم بر مدار آن، و آماده‌سازی متون برای تدریس در محافل دانشگاهی. بنیاد فرقان، در گام نخست، دایرةالمعارف «فرقان» را تبیین و تهیه و تدارک می‌نماید.

* «فرقان» از هنگام جعل آدم(ع) به‌عنوان خلیفه‌ی الله در زمین، و مخالفت و طغیان ابلیس، بر دو راهی ولایت الله، و ولایت طاغوت، ضرورت وجودی و معرفتی یافت. اهمیت فرقان در این است که بدون آن، «توحید» در قلب کسی نهادینه نمی‌شود. راه نیل به فرقان، همان تقواست؛ که «**يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقاناً** ... آیه ۲۹ انفال»



□ ب) وجه آموزشی

آموزش عمومی و تخصصی آموزه‌های مربوط به قرآن کریم در سطوح مختلف به کودکان و نوجوانان، در نسبت با آموزش و پرورش.

□ پ) وجه هنری

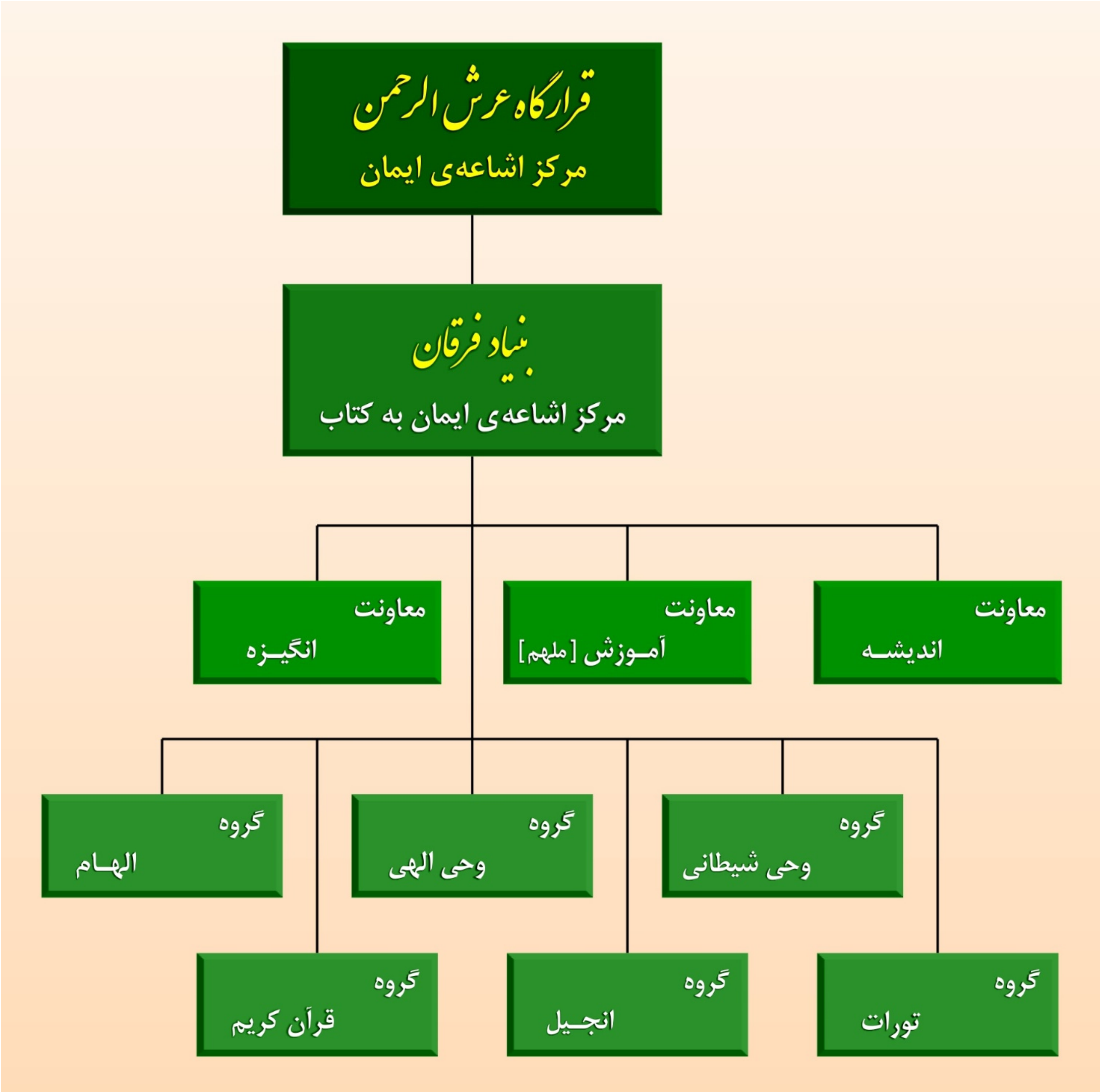
تهیه‌ی فیلم‌های سینمایی، سریال‌های تلویزیونی، بازی‌های کامپیوتری و ... در معرفی آیاتٌ بیّنات وحیانی، توسط مؤسسات هنری، در نسبت با وزارت فرهنگ و ارشاد، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان صدا و سیما، و سپاه پاسداران.

□ ت) وجه فرهنگی

فعالیت رسانه‌ای، مطبوعاتی، و نشر مکتوب؛ فرهنگ‌سازی نوبه‌ای و تقویمی؛ در معرفی آیاتٌ بیّنات وحیانی، در نسبت با مجموعه‌ی نهادهای فرهنگی.

☐ ث) ساختار

بنیاد ایمان به کتاب (بنیاد فرقان) دارای سه معاونت اندیشه، انگیزه و آموزش بوده، و واجد شش گروه مطالعاتی «وحی شیطانی »، «وحی الهی »، «الهام »، «تورات »، «انجیل » و «قرآن کریم » است.



☐ ۸) ـ **دستور هماهنگی**

بنیاد «ایمان به کتاب»، به‌عنوان نهاد مقدم در اشاعه‌ی «ایمان به کتاب»، لزوماً بایستی در فعالیت‌های خود، از مجتهدین واجد شرایط، حکما، مفسرین قرآن عظیم، محدّثین، مورّخین و دانشمندان این حوزه، بهره بگیرد.

۴ ـ پشتیبانی و خدمات نبرد نرم

پشتیبانی اداری ـ مالی و آمادی، به طور مشخص به عهده‌ی قرارگاه عرش‌الرّحمن (مرکز اشاعه‌ی ایمان) است. اما در شرایط مقتضی، از ظرفیت کلیه‌ی نهادهای فرهنگی ـ علمی ـ آموزشی ـ رسانه‌ای و هنری کشور می‌توان استفاده کرد.

۵ ـ هدایت و مدیریت، و ارتباطات

☐ الف ـ هدایت و مدیریت

هدایت و مدیریت در عملیات «صیانت عبادالله از کتاب‌الله» و «اشاعه‌ی ایمان به آیاتٌ بیّنات وحیانی» از نظام فرماندهی منفصل بهره می‌برد [نه از سیستم فرماندهی یک‌پارچه و متصل]. لذا بنیاد ایمان به کتاب، سبک و چابک است. فرماندهی مزبور، عملیات خود را در دو حوزه مدیریت می‌کند:

☐ ۱) ارضایی

مدیریت بر حب و بغض گروه هدف، شامل زدودن «بغض» به وحی الهی و ایجاد «حب» به آیاتٌ بیّنات وحیانی.

☐ ۲) اقناعی

مدیریت بر شک و یقین گروه هدف، شامل زدودن «شک» به وحی الهی، و ایجاد و تثبیت «یقین» به آیاتٌ بیّنات وحیانی.

☐ ب ـ ارتباطات

چون نظام هدایت و مدیریت در عملیات اشاعه‌ی ایمان به کتاب و آیاتٌ بیّنات وحیانی، منفصل و غیر سلسله‌مراتبی است، لذا شبکه‌ی ارتباطات نیز، شبکه‌ی متصل نبوده و منفصل است. ازاین‌رو، ارتباطات به صورت اقتضایی و موردی [و کارکردی] صورت می‌گیرد و در نتیجه سیال است.

اَلَیس الصّبحُ بِقَریب

طرح عملیاتی آدم(ع)

بنیاد آدم(ع)

مرکز اشاعه‌ی ایمان به انبیاء(ع)

رونـد ۲/۱/۴ **طرح عملیاتی آدم(ع)**

۱ ـ وضعیت

□ الف ـ کلیات

ایمان به انبیاء(ع)، یکی از هفت متعلق ایمان، و از ضروریات دین مبین اسلام است که نفی آن، مصداق کفر می‌باشد (آیات ۲۸۵ سوره‌ی بقره ـ ۱۷۹ آل عمران ـ ۱۳۶، ۱۵۲ و ۱۷۱ نساء ـ ۱۲ و ۱۱۱ مائده ـ ۲۱ حدید). اما در سال‌های اخیر، هجوم گسترده‌ای به انبیاء الهی(ع) صورت گرفته که هم‌چنان با شدت و قوت ادامه دارد.

در این تهاجم، انبیاء الهی(ع) را تخریب، و فیلسوفان و ساینتیست‌ها را ترفیع می‌کنند. دوگانه‌ی «شرق نبی دارد، و غرب فیلسوف» ناظر به این نکته است که انبیاء الهی(ع) متأثر از الهامات غیبی و وحی الهی پیام ویژه‌ای را به مردم منتقل می‌کردند که وجه قدسی دارد. اما فیلسوفان و ساینتیست‌ها متأثر از دریافت‌های خودبنیاد، به نظریه‌پردازی پرداخته و آن نظریه‌ها را به مردم می‌دهند.

ازاین‌روست که واژه‌ی «تئوری *Theory* » در تلقی‌های یونان ـ روم باستان، به معنی «دیدن از موضع خدا» بوده است، و نظریه‌پرداز، خود در جایگاه «تئو [خدا]» نشسته و خداگونه پدیده‌ها را می‌بیند و حکم عملی می‌دهد. در مقابل آن‌ها، انبیاء الهی(ع) نظریه‌پردازی نمی‌کردند؛ چون در موضع خدا نمی‌نشستند، بلکه پیام‌رسان خدا به مخلوقات بودند.

مبتنی‌بر دکترین «تئوری‌گرا» و نظریه‌پرداز بودن فلاسفه و دانشمندان غیرِ الهی، در محافل آکادمیک همواره این نکته تبلیغ می‌شود که انبیاء الهی(ع) در ابراز عقیده، مقیّد به نظر خدا بوده‌اند؛ اما فلاسفه و ساینتیست‌ها، آزاد از قیود و وابستگی‌ها هستند و نظر خود را بیان می‌کنند، نه نظر خدا را.

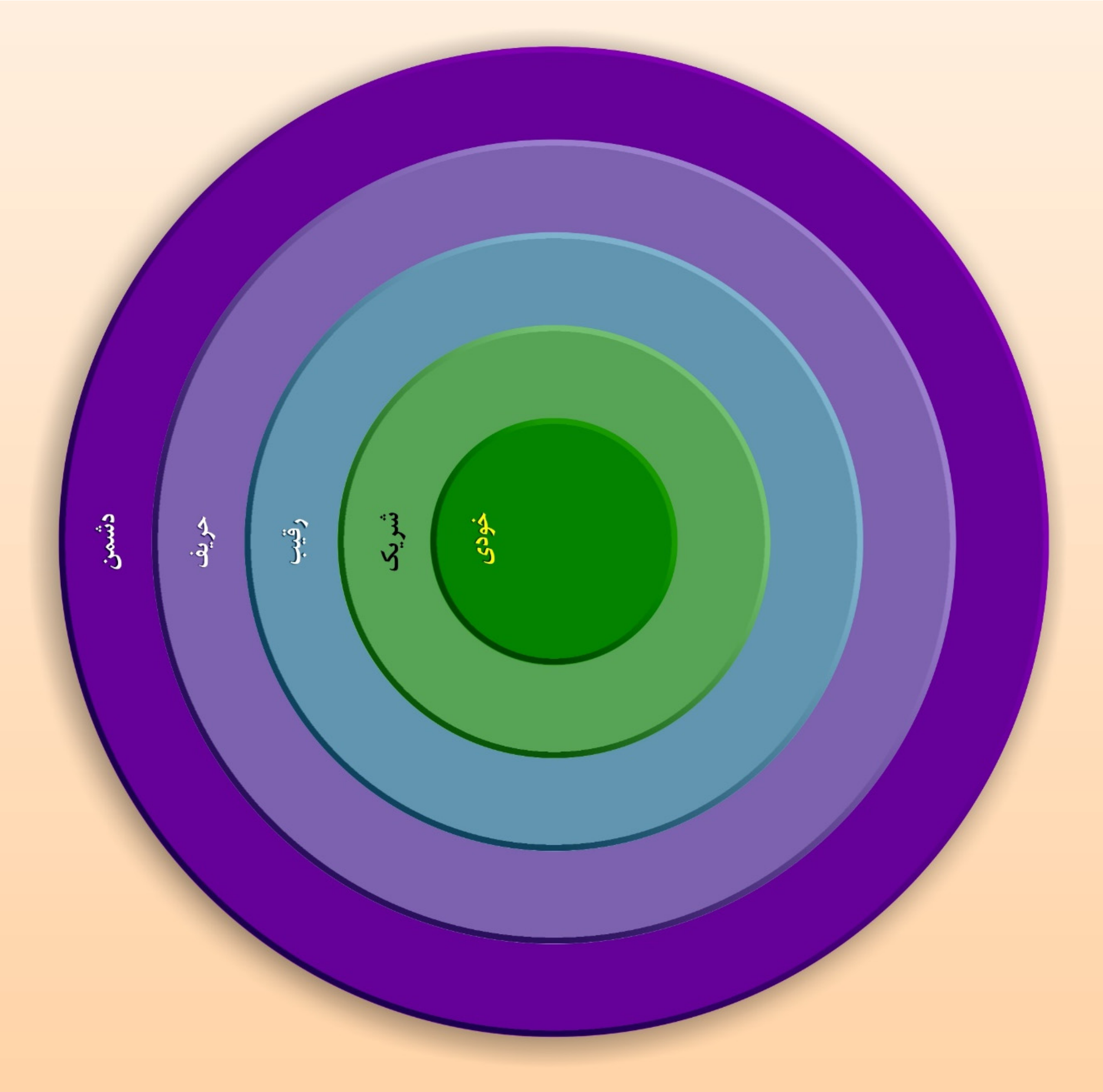
اکنون نهادهای آکادمیک، در این دوقطبی «انبیاء ـ فلاسفه»، همه‌ی توان خود را صرف اثبات حرّیّت فکری فلاسفه و عبودیت عقلی انبیاء الهی(ع) می‌کنند و از این فرآیند، آنچه در باورهای عمومی نهادینه می‌شود، یک نکته‌ی ظریف است: «**تکیه بر پیام الهی انبیاء(ع) بیهوده است، و اتّکا به فرضیه‌های روزانه‌ی فلاسفه و دانشمندان، برای ساخت زندگی اجتماعی کفایت می‌کند.**»

با کاشت این باور در اذهان، و تلقین این‌که پیام انبیاء الهی(ع) «امروزی» نیست و اساساً، از خود آن‌ها نیست، بلکه الهامات غیبی است؛ عملاً «ایمان به انبیاء الهی(ع)» در سطح توده‌های مردم تخریب شده و متقابلاً باور و «ایمان به فلاسفه» و دانشمندان ملحد یا پاگانیست [معتقد به کفرکیشی]، جای‌گزین آن شده است.

ازاین‌رو در محافل آکادمیک در غرب، با پمپاژ «**دانش‌های ذاتاً مسموم**» ساینسِ مدرن، هر نوع گزاره‌ی مرتبط با ایمان به انبیاء الهی(ع) را تکفیر و تکذیب و تمسخر می‌کنند. و البته این روند، به محافل آکادمیک در غرب محدود نیست؛ بلکه سینمای غرب نیز همواره کینه‌ی ذاتی آن تمدن از انبیاء الهی(ع) را با ساخت و نمایش فیلم‌های سینمایی، انیمیشن‌ها و بازی‌های کامپیوتری، به نمایش گذارده و عملاً حوزه‌ی هنر غرب، اکنون به یک پایگاه عظیم «انبیاء ستیزی» تبدیل شده است.

القاء تفوّق ابلیس بر آدم(ع) در ماجرای خوردن از میوه‌ی درخت ممنوع [القاء هوشمندی پرومته (ابلیس) در ربودن آتش از زئوس و واگذاری آن به انسان‌ها] ـ القاء پشیمانی نوح(ع) از عذاب کافران در طوفان نوح(ع) ـ القائات مستهجن علیه حضرت مریم(س) و حضرت مسیح(ع) ـ و تخریب گسترده‌ی رسول اعظم(ص) و ائمه‌ی اطهار(ع)، در محافل دانشگاهی و مجامع هنری غرب، یک رویه‌ی رایج و مستمر است؛ که اگر با آن مقابله‌ی جدی صورت نگیرد، «اشاعه‌ی ایمان به انبیاء(ع)» بسیار دشوار می‌گردد.

□ ب ـ طیف‌شناسی گروه‌های آماج



طیف‌شناسی عناصر برخورد

□ ۱) دشمن

ناتو فرهنگی در شاخه‌های:

□ ۱) نهادهای فکری ـ فلسفی غرب در قالب ایدئولوژی‌های پاگانیسم، پرومته‌ایسم، نیچرالیسم، ساینتیسیسم، و پوزیتیویسم.

□ ۲) نهادهای دانشگاهی غرب از طریق اشاعه‌ی نئوپاگانیسم، ساینتیسیسم، داروینیسم، آنتروپولوژیسم، پوزیتیویسم و آمپریسم.

□ ۳) نهادهای هنری غرب، به‌ویژه هالیوود از طریق اشاعه‌ی سَمبلیسم، پرومته‌ایسم و نئوپاگانیسم.

□ ۴) نهادهای معماری و شهرسازی غرب، از طریق اشاعه‌ی پورنوتوپیائیسم.

□ ۲) حریف

جریان مدرنیست و سکیولار درون کشور در شاخه‌های:

□ ۱) نهادهای فکری ـ فلسفی مدرنیست، از طریق اشاعه‌ی ایدئولوژی‌های سکیولاریسم، ساینتیسیسم و پوزیتیویسم.

□ ۲) نهادهای دانشگاهی ایران، از طریق اشاعه‌ی نئوپاگانیسم، ساینتیسیسم، داروینیسم، آنتروپولوژیسم، پوزیتیویسم و آمپریسم.

□ ۳) نهادهای هنری ایران، در سینما و معماری از طریق اشاعه‌ی سکیولاریسم و پرومته‌ایسم.

□ ۴) نهادهای رسانه‌ای ایران، در قالب مطالب مکتوب یا فیلم‌های علمی مستندِ پوزیتیویستیِ ترجمه شده.

□ ۵) و هم‌چنین در بهره‌گیری از ظرفیت اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در نهادهای سایبر.

□ ۳) رقیب

نهادهای رقیب در مذاهب اسلام، کاملاً در این موضوع منفعل، بی‌اطلاع و غافل هستند.

□ ۴) شریک

نهادهای شریک نیز عمیقاً ناآگاه و درنتیجه منفعل و غافل هستند.

□ ۵) خودی

نیروهای خودی نیز در این موضوع، ناآگاه و کاملاً منفعل و غافل هستند.

□ پ ـ وابستگی نیروهای کنش‌گر

□ ۱) نیروهای تحت امر و تابع

[اساساً نهاد اقدام وجود ندارد.]

□ ۲) نیروهای جدا و غیرتابع

□ ۲/۱) شورای عالی انقلاب فرهنگی [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۲) حوزه‌ی علمیه [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۳) جامعه‌ی دانشگاهی [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۴) جامعه‌ی آموزش و پرورش [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۵) جامعه‌ی فرهنگ و هنر (ارشاد اسلامی) [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۶) سازمان صدا و سیما [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ت ـ محیط‌شناسی؛ جو و فضا

□ محیط

□ ۱) محیط جهانی

محیط انکار انبیاء الهی(ع)، و تهاجم و تخریب وجهه‌ی آنان است؛ محیط «**وَ صَدُّوا عَنْ سَبیلِ اللَّهِ**»، و محیط تعیّنات [عینیت‌گرایی] است.

□ ۲) محیط منطقه‌ی اسلامی

محیط مسموم جهل، تکفیر و تفرقه و اباحه‌گرایی است.

□ ۳) محیط داخلی [کشوری]

محیط غفلت و انفعال است.

□ جو و فضا

فضای موجود، ظاهراً فضای غلبه‌ی هیاهوی «فرضیه»های علمی و القائات رسانه‌های انبوه و سرسام‌آور بر «سکوت» جبهه‌ی موحّدین است. اما این «فرضیه»های علمی هنوز به نظریه‌ی علمی تبدیل نشده‌اند، و این گزاره‌های شبه‌علم [که وهم‌آلود هستند] در کنار القائات رسانه‌ای انبوه، عمدتاً «غوغا» بوده و در نتیجه؛ فضا، فضای «غوغا سالاری» علمی است.

در فضای غوغا سالاری و جوّ «شارلاتانیسم» علمی، قاعده‌ی «جوّشکنی» سه پایه‌ی «معرفت»یابی، «بصیرت»افزایی و «جهاد تبیین»، به‌ویژه جهاد کبیر را برمی‌تابد.

□ ث ـ فرضیات

□ ۱) عموم مسلمین نمی‌دانند که ایمان به انبیاء الهی(ع)، یکی از متعلّق‌های مهمّ ایمان اسلامی است که واجب و از ضروریات دین بوده و نفی آن کفر است. لذا در برابر تهاجم به آن، «موضع» [گارد] نداشته، و عمدتاً بی‌تفاوت هستند.

□ ۲) عالمان مسلمان، در تبیین این وجوب، و ضرورت ایمان به انبیاء الهی(ع)، کوتاهی و قصور کرده‌اند. لذا موضوع ایمان به انبیاء الهی(ع)، نه‌تنها از جهات فرهنگی، که حتی از جهات و ابعاد علمی نیز به‌گونه‌ای دقیق، تبیین نشده است و ازاین‌رو، معرفت به انبیاء الهی(ع)، در سطح جامعه مخدوش است.

□ ۳) مخدوش بودن معرفت دانشمندان و خواص نسبت به «ایمان به انبیاء الهی(ع)»، و ناآگاهی عوام و توده‌های مردم به این متعلق ایمان، موجب خدشه در «کلیت» ایمان در منظومه‌ی متعلق‌های هفت‌گانه‌ی ایمان توده‌ی جامعه شده است.

□ ۴) ناآگاهی از ضرورت ایمان به انبیاء الهی(ع)، و غفلت از این متعلّق مهم، زمینه‌ی عدم تحقق ایمان کامل در مؤمنین است.

□ ۵) مؤمنی که «ایمان» او ناقص است، طبیعتاً «عمل صالح» او نیز ناقص و نارسا بوده، و فاقد پشتوانه‌ی اعتقادی جامع و عمیق خواهد بود [... **إِلاَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحات**].

۲ ـ رسالت

جامعه‌ی فکری، علمی، هنری و رسانه‌ای انقلاب اسلامی؛ در برابرِ تهاجم ناتو فرهنگی به «انبیاء الهی(ع)» مأموریت دارد:

□ الف ـ به تبیین دقیق ابعاد و زوایای این تهاجم [و تخریب] بپردازد.

□ ب ـ سپس در برابر این تهاجم و تخریب، به پدافند عامل بپردازد.

□ ج ـ و آنگاه در میان عموم مردم [جامعه‌ی ایرانی، جهان اسلام، و سپس جهان غیر مسلمان] از طریق اقدام آفندی، به اشاعه‌ی ایمان به انبیاء الهی(ع)، بپردازد.

۳ ـ اجرا

□ تدبیر عملیات

□ ۱) ـ اصول رزم نرم در حفاظت از ایمان به انبیاء الهی(ع)

□ الف ـ تشخیص میدان [اقدام نامتقارن در میدان اقدام].

□ ب ـ عدم اطاعت از قواعد کفار [جهاد کبیر].

□ پ ـ تدقیق و تبیین قواعد خود [اقدام نامتقارن در قواعد اقدام].

□ ت ـ تبیین [بیّنات].

□ ث ـ بلاغ [مبین].

□ ج ـ قول سدید و حکمت.

□ چ ـ فعل حدید و میزان.

□ ح ـ موعظه‌ی حسنه.

□ خ ـ جدال احسن.

□ د ـ انعطاف‌پذیری در فروع (و عدم انعطاف در اصول).

□ ذ ـ ابتکار عمل (تعرض).

□ ر ـ وحدت رویه (که به وحدت تلاش‌ها منتج می‌شود).

□ ز ـ پیشرفت و رشد (مانور).

□ ژ ـ انگیزه [ابعاث].

□ س ـ روحیه (تعادل روحی).

□ ش ـ مداومت کار و ثبات قدم.

□ ص ـ استقامت.

□ ض ـ استطاعت.

□ ط ـ اصطناعت.

□ ظ ـ استقلال [دربرابر استکثار].

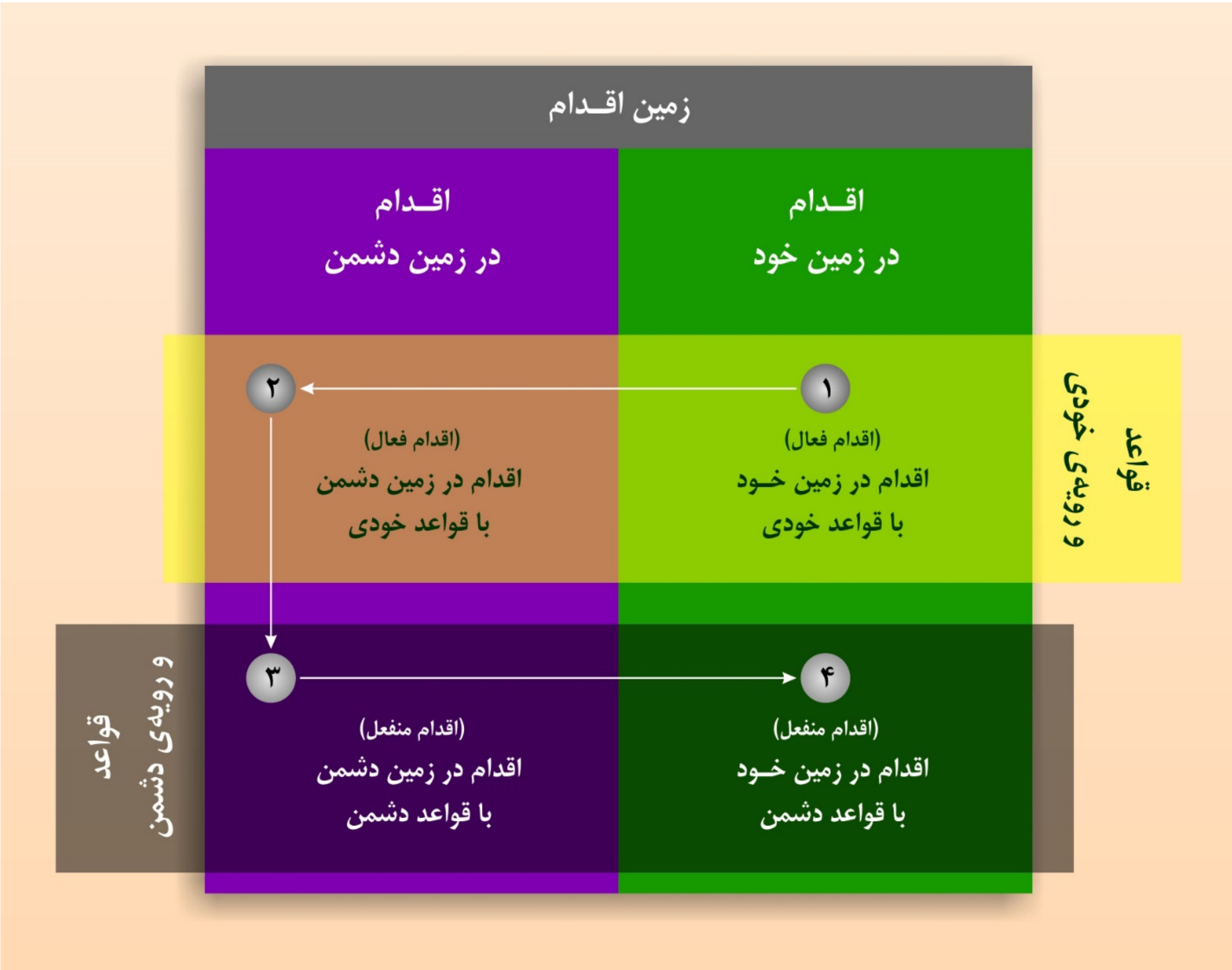
□ ع ـ بهره‌برداری از موفقیت.

□ غ ـ استفاده‌ی بهینه (یا بهره‌وری مطلوب) از قوا.

□ ۲) ـ دکترین و استراتژی

□ الف ـ دکترین

دکترین اقدام نامتقارن.



دکترین اقدام نامتقارن

□ ب ـ استراتژی

بهره‌گیری از سیر جدالی (به‌ویژه در جدال احسن).

□ ۳) ـ عرصه‌سازی

□**الف) ابتدا عرصه‌ی رسمی** (حوزه‌ی علمیه ـ سپاه پاسداران ـ نظام دانشگاهی ـ نظام آموزش‌وپرورش).

□ **ب) سپس عرصه‌ی عمومی** (از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد ـ سازمان تبلیغات اسلامی ـ سازمان صدا و سیما ـ نیروی مقاومت بسیج ـ و فضای سایبر).

□ ۴) ـ مانور

□ الف) ارضایی

مؤمنین و مسلمین، تحریک و تحریص و ترغیب به حفاظت از ایمان به انبیاء الهی(ع) گردند.

□ ب) اقناعی

مؤمنین عموماً و غیر مؤمنین خصوصاً، نسبت به ایمان به انبیاء الهی(ع) اقناع شوند.

□ ۵) ـ قول ثابت

□ الف) قرآن مجید

□ ب) احادیث و روایات چهارده معصوم(ع)

□ ج) تدابیر و کلام امامین خمینی(ره) و خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

□ ۶) ـ اطلاعات

رصد لحظه‌به‌لحظه و همه‌جانبه‌ی دشمن، حریف و رقیب در حوزه‌ی حملات آنان به انبیاء الهی(ع)، و «ایمان به انبیاء الهی(ع)».

□ ۷) ـ سازمان برای نبرد نرم

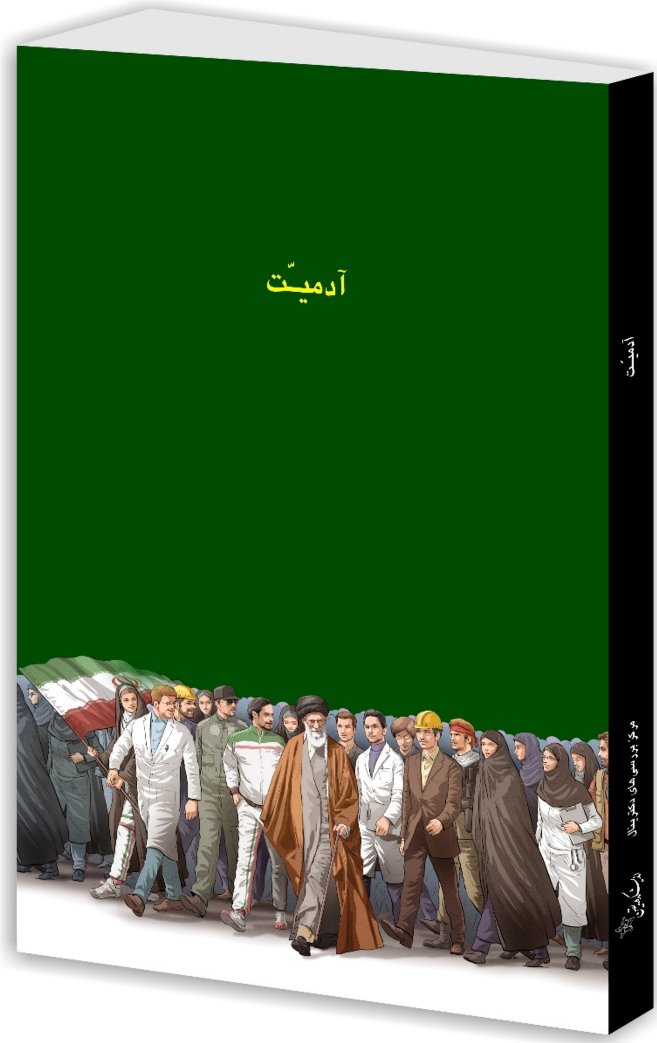
□ بنیاد ایمان به انبیاء الهی(ع) (بنیاد آدم(ع))

این بنیاد، یک نهاد اندیشه‌ای ـ اشاعه‌ای ـ انگیزه‌ای (علمی، فرهنگی، هنری و آموزشی) است که بر محور ایمان به رسولان و انبیاء الهی(ع) سازماندهی می‌شود:

□ الف) وجه علمی

تبیین علمی انبیاء الهی(ع)، و تولید علم بر مدار آن، و آماده‌سازی متون برای تدریس در محافل دانشگاهی. بنیاد آدم(ع)، در گام نخست، دایرةالمعارف «آدمیّت» را تبیین و تهیه و تدارک می‌نماید.

* «آدمیّت» از روند خلقت آدم(ع) آغاز می‌شود، و [بر مدار اصالت ذرّیّه‌ی او] روند تحول و تکامل ذرّیّه‌ی آدم(ع) را دربرابر «احتناک ذریّه»ی او توسط ابلیس، دربر می‌گیرد. هم‌چنین در آدمیّت، روند عهد انبیاء الهی(ع) و ائمه(ع) و زعما(ره) از آدم(ع) تا خاتم‌الانبیاء(ص)، و از علی(ع) تا مهدی(عج) در آخرالزّمان تبیین می‌شود.



□ ب) وجه آموزشی

آموزش عمومی و تخصصی آموزه‌های مربوط به انبیاء الهی(ع) در سطوح مختلف به کودکان و نوجوانان، در نسبت با آموزش و پرورش.

□ پ) وجه هنری

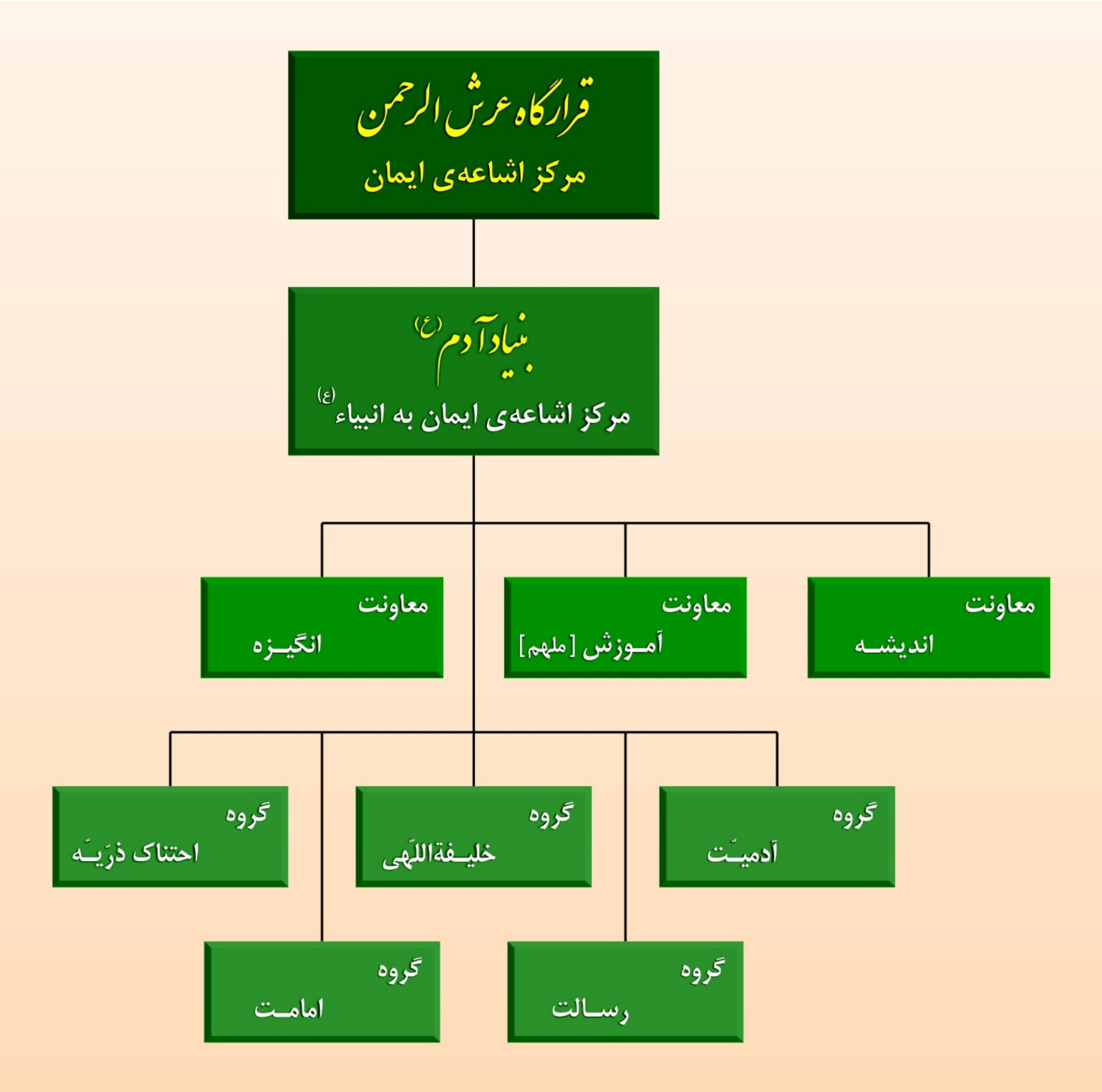
تهیه‌ی فیلم‌های سینمایی، سریال‌های تلویزیونی، بازی‌های کامپیوتری و ... در معرفی انبیاء الهی(ع) توسط مؤسسات هنری، در نسبت با وزارت فرهنگ و ارشاد، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان صدا و سیما، و سپاه پاسداران.

□ ت) وجه فرهنگی

فعالیت رسانه‌ای، مطبوعاتی، و نشر مکتوب؛ فرهنگ‌سازی نوبه‌ای و تقویمی؛ در معرفی انبیاء الهی(ع)، در نسبت با مجموعه‌ی نهادهای فرهنگی.

☐ ث) ساختار

بنیاد ایمان به انبیاء الهی(ع) (بنیاد آدم(ع)) دارای سه معاونت اندیشه، انگیزه و آموزش بوده، و واجد پنج گروه «آدمیّت»، «خلیفةاللّهی»، «احتناک ذرّیّة»، «رسالت» و «امامت» است.



☐ ۸) ـ **دستور هماهنگی**

بنیاد «ایمان به انبیاء الهی(ع)»، به‌عنوان نهاد مقدم در اشاعه‌ی «ایمان به انبیاء الهی(ع)»، لزوماً بایستی در فعالیت های خود، از مجتهدین واجد شرایط، حکما، مفسرین قرآن عظیم، محدّثین، مورّخین و دانشمندان این حوزه، بهره بگیرد.

۴ ـ پشتیبانی و خدمات نبرد نرم

پشتیبانی اداری ـ مالی و آمادی، به طور مشخص به عهده‌ی قرارگاه عرش‌الرّحمن (مرکز اشاعه‌ی ایمان) است. اما در شرایط مقتضی، از ظرفیت کلیه‌ی نهادهای فرهنگی ـ علمی ـ آموزشی ـ رسانه‌ای و هنری کشور می‌توان استفاده کرد.

۵ ـ هدایت و مدیریت، و ارتباطات

□ الف ـ هدایت و مدیریت

هدایت و مدیریت در عملیات «صیانت از انبیاء الهی(ع)» و «اشاعه‌ی ایمان به انبیاء الهی(ع)» از نظام فرماندهی منفصل بهره می‌برد [نه از سیستم فرماندهی یک‌پارچه و متصل]. لذا بنیاد ایمان به انبیاء الهی(ع)، سبک و چابک است. فرماندهی مزبور، عملیات خود را در دو حوزه مدیریت می‌کند:

□ ۱) ارضایی

مدیریت بر حب و بغض گروه هدف، شامل زدودن «بغض» به انبیاء الهی(ع) و ایجاد «حب» به انبیاء الهی(ع).

□ ۲) اقناعی

مدیریت بر شک و یقین گروه هدف، شامل زدودن «شک» به انبیاء الهی(ع)، و ایجاد و تثبیت «یقین» به انبیاء الهی(ع).

□ ب ـ ارتباطات

چون نظام هدایت و مدیریت در عملیات اشاعه‌ی ایمان به انبیاء الهی(ع)، منفصل و غیر سلسله‌مراتبی است، لذا شبکه‌ی ارتباطات نیز، شبکه‌ی متصل نبوده و منفصل است. ازاین‌رو، ارتباطات به صورت اقتضایی و موردی [و کارکردی] صورت می‌گیرد و در نتیجه سیال است.

اَلَیس الصّبحُ بِقَریب

طرح عملیاتی فاطر

بنیاد فاطر

مرکز اشاعه‌ی ایمان به الله(جلّ‌جلاله)

رونـد ۲/۱/۵ طرح عملیاتی فاطـر

۱ ـ وضعیت

□ الف ـ کلیات

ایمان به حضرت الله(جلّ‌جلاله)، یکی از هفت متعلق ایمان، و از ضروریات دین مبین اسلام است که نفی آن، مصداق کفر می‌باشد (آیات ۶۲ ، ۱۲۶ ، ۱۳۶ ، ۱۷۷ ، ۲۲۸ ، ۲۳۲ ، ۲۳۹ ، ۲۵۶ سوره‌ی بقره ـ ۱۱۰ آل عمران ـ ۱۳۶، ۱۵۲ و ۱۷۱ نساء ـ ۶۹ مائده ـ ۱۸ توبه). اما در سال‌های اخیر، هجوم گسترده‌ای به حضرت الله(جلّ‌جلاله) صورت گرفته که هم‌چنان با شدت و قوت ادامه دارد.

حضرت الله(جلّ‌جلاله) در قلب و ذهن مردم، از چهار سو مورد هجوم است:

الف ـ از سوی یهود:

یهود، یک تلقّی انسان‌واره از خدای خود [یَهوه] دارد، که با «حضرت الله(جلّ‌جلاله)» در قرآن مجید قرابتی ندارد. مضاف بر این، تلقی یهود از «عزیر» هم به این انحراف دامن زده است. [سوره توبه/ آیه ۳۰]

ب ــ از سوی مسیحیان:

مسیحیان، عیسی(ع) را پسر خدا می‌دانند و به اقنوم‌های سه‌گانه‌ی «پدر [خدا]»، «پسر [عیسی]» و «روح‌القدس» باورمند هستند. این تلقّی مسیحیان در قرآن نهی شده و صراحتاً فرموده است: «لاتقولوا ثَلاثة... این ثلاثه را نگویید.» [سوره‌ی نساء/ آیه ۱۷۱].

ج ــ از سوی مسلمین:

مسلمین در مذاهب گوناگون اسلام، فهم و فقه دقیقی از حضرت الله(جلّ‌جلاله) و اسماء حضرت الله(جلّ‌جلاله)، مانند رب، خالق، جاعل، فاطر، و ... ندارند. برای نمونه؛ ایرانیان در زبان فارسی «الله» را «خدا» ترجمه کرده و «معرفت‌الله» را «خداشناسی» می‌خوانند. واژه‌ی «خدا»، هیچ قرابتی با کلمه‌ی «الله» ندارد.

د ــ از سوی مدرنیست‌ها:

مدرنیته، به بازتولید پاگانیسم [کفرکیشی] منجر شده و پدیده‌ی «نئوپاگانیسم [کفرکیشی نوین]»، با ابزار دانش مدرن [ساینتیسیسم] و تکیه بر خرافات باستانی [نحله‌های اولیه در مصر، بین‌النهرین، هند، ماوراءالنّهر، یونان و ...] منکر حضرت الله(جلّ‌جلاله) بوده و در یک دشمنی علنی، با اسلام و قرآن، و با حضرت الله(جلّ‌جلاله) به هماوردی و نبرد برخاسته است.

هر ساله، کتب و مقالات فراوان در نفی حضرت الله(جلّ‌جلاله) می‌نویسند، و فیلم‌های سینمایی داستانی و مستند بسیاری علیه ربّ‌العالمین می‌سازند و هزاران کرسی درس و همایش در ردّ حضرت الله(جلّ‌جلاله) برگزار می‌کنند.

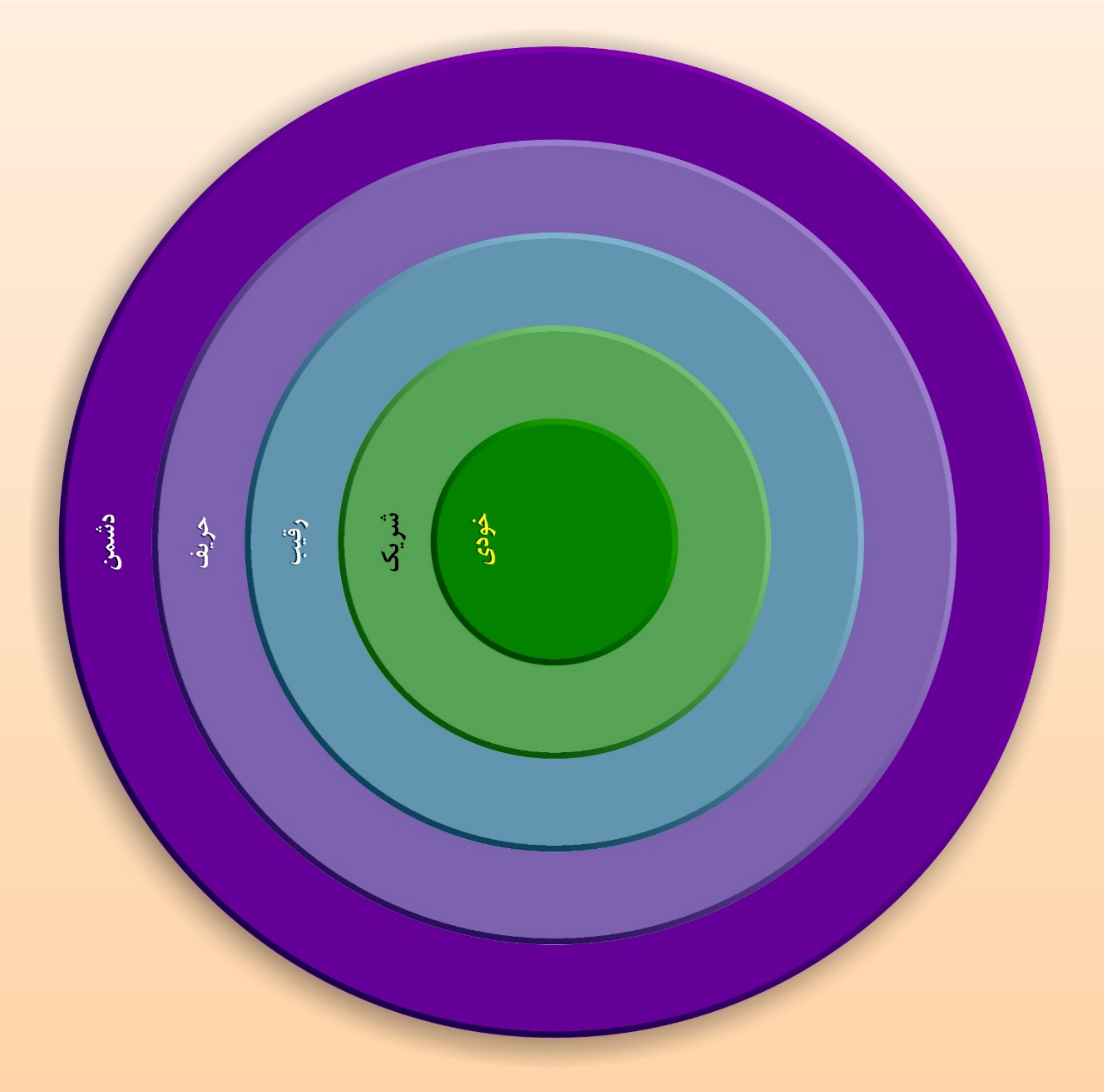
در قرآن کریم، حضرت الله(جلّ‌جلاله) «کسی» است؛ اما در ساینسِ *Science* مدرن، منشاء پدیده‌ها در طبیعت، «چیزی» است. در قرآن کریم، ملائکه «کسی» هستند؛ اما در ساینس مدرن، عامل فعل و انفعالات در طبیعت «چیزی» است.

همچنین در قرآن کریم، ابلیس و شیاطین، «کسی» هستند؛ اما در ساینسِ مدرن، عامل تحریکات و انحرافات در درون انسان، «چیزی» است. در قرآن کریم، آدم و انسان «کسی» است؛ اما در ساینسِ مدرن، بشر و انسان «چیزی» [ژن و *DNA*] است.

روی‌کرد ساینسِ مدرن، در «چیستی» بشر و منشاء طبیعت و مناسبات آن، با روی‌کرد قرآن مجید به «کیستی» الله(جلّ‌جلاله)، مَلَک، ابلیس و آدم، در تعارض جدّی و ماهوی است؛ زیرا برخاسته از «مادّه‌گرایی ***Materialism***» است. بشر مدرن، هر لحظه می‌گوید: «... *Oh! My God*»؛ اما این *God* که خلاصه شده‌ی *Good* است، صرفاً به معنی «خوب» و «خیر» است، دربرابر «بد» و «شر». لذا همان‌گونه که «خدا»ی فارسی، «الله» نیست؛ «*God*» انگلیسی نیز «الله» نیست.

فلذا باید اذعان کرد که «الله» در نظام فاهمه و فاقهه‌ی مسلمین هم به‌خوبی تبیین نشده، و ازاین‌رو ابتدا باید برای مسلمین، و سپس برای دیگران، حضرت الله(جلّ‌جلاله) را تبیین نمود و سپس، «ایمان به الله» را مطالبه کرد.

□ ب ـ طیف‌شناسی گروه‌های آماج



طیف‌شناسی عناصر برخورد

□ ۱) دشمن

ناتو فرهنگی در شاخه‌های:

□ ۱) نهادهای فکری ـ فلسفی غرب در قالب ایدئولوژی‌های ماتریالیسم، ساینتیسیسم و نئوپاگانیسم.

□ ۲) نهادهای دانشگاهی غرب از طریق اشاعه‌ی کاسمولوژیسم، داروینیسم، آنتروپولوژیسم، ساینتیسیسم، پوزیتیویسم، آمپریسم، ناتورالیسم، ماتریالیسم و سکیولاریسم.

□ ۳) نهادهای هنری غرب، به‌ویژه هالیوود از طریق اشاعه‌ی نئوپاگانیسم، ماتریالیسم و پوزیتیویسم؛ به‌ویژه در ژانر سینمای الحاد.

□ **۲) حریف**

جریان مدرنیست و سکیولار درون کشور در شاخه‌های:

□ ۱) نهادهای فکری ـ فلسفی مدرنیست، از طریق اشاعه‌ی ایدئولوژی‌های ماتریالیسم، ساینتیسیسم و نئوپاگانیسم.

□ ۲) نهادهای دانشگاهی ایران، از طریق اشاعه‌ی کاسمولوژیسم، داروینیسم، آنتروپولوژیسم، پوزیتیویسم، آمپریسم، ناتورالیسم، ساینتیسیسم، ماتریالیسم و سکیولاریسم.

□ ۳) نهادهای هنری ایران از طریق اشاعه‌ی سکیولاریسم، اَبزوردیسم، ماتریالیسم و پوزیتیویسم.

□ ۴) نهادهای رسانه‌ای ایران، در قالب مطالب مکتوب یا فیلم‌های علمی مستندِ پوزیتیویستی [ترجمه شده یا تألیفی].

□ ۵) و هم‌چنین در بهره‌گیری از ظرفیت اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در نهادهای سایبر.

□ **۳) رقیب**

نهادهای رقیب در مذاهب اسلام، کاملاً در موضوع ایمان به الله(جلّ‌جلاله)، منفعل و نسبت به تهاجم به آن، بی‌اطلاع و غافل هستند.

□ **۴) شریک**

نهادهای شریک نیز عمیقاً ناآگاه و درنتیجه منفعل و غافل هستند.

□ **۵) خودی**

نیروهای خودی نیز در این موضوع، ناآگاه و کاملاً منفعل و غافل هستند.

□ **پ ـ وابستگی نیروهای کنش‌گر**

□ **۱) نیروهای تحت امر و تابع**

[اساساً نهاد اقدام وجود ندارد.]

□ **۲) نیروهای جدا و غیرتابع**

□ ۲/۱) شورای عالی انقلاب فرهنگی [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۲) حوزه‌ی علمیه [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۳) جامعه‌ی دانشگاهی [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۴) جامعه‌ی آموزش و پرورش [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۵) جامعه‌ی فرهنگ و هنر (ارشاد اسلامی) [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۶) سازمان صدا و سیما [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ت ـ محیط‌شناسی؛ جو و فضا

□ محیط

□ ۱) محیط جهانی

محیط انکار حضرت الله (جل‌جلاله)، و تهاجم و تخریب وجه آن حضرت است؛ محیط «**وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ**»، و محیط الحاد عمومی است.

□ ۲) محیط منطقه‌ی اسلامی

محیط مسموم جهل، تکفیر و تفرقه و اباحه‌گرایی است.

□ ۳) محیط داخلی [کشوری]

محیط غفلت و انفعال است.

□ جو و فضا

فضای موجود، ظاهراً فضای غلبه‌ی هیاهوی «فرضیه»های علمی و القائات رسانه‌های انبوه و سرسام‌آور بر «سکوت» جبهه‌ی موحّدین است. اما این «فرضیه»های علمی هنوز به نظریه‌ی علمی تبدیل نشده‌اند، و این گزاره‌های شبه‌علم [که وهم‌آلود هستند] در کنار القائات رسانه‌ای انبوه، عمدتاً «غوغا» بوده و در نتیجه؛ فضا، فضای «غوغا سالاری» علمی است.

در فضای غوغا سالاری و جوّ «شارلاتانیسم» علمی، قاعده‌ی «جوّشکنی» سه پایه‌ی «معرفت»یابی، «بصیرت»افزایی و «جهاد تبیین»، به‌ویژه جهاد کبیر را برمی‌تابد.

□ ث ـ فرضیات

□ ۱) عموم مسلمین نمی‌دانند که ایمان به الله (جل‌جلاله)، یکی از متعلّق‌های مهمّ ایمان اسلامی است که واجب و از ضروریات دین بوده و نفی آن کفر است. لذا در برابر تهاجم به آن، «موضع» [گارد] نداشته، و عمدتاً بی‌تفاوت هستند.

□ ۲) عالمان مسلمان، در تبیین این وجوب، و ضرورت ایمان به الله(جلّ‌جلاله)، کوتاهی و قصور کرده‌اند. لذا موضوع ایمان به الله(جلّ‌جلاله)، نه‌تنها از جهات فرهنگی، که حتی از جهات و ابعاد علمی نیز به‌گونه‌ای دقیق، تبیین نشده است و ازاین‌رو، معرفت به حضرت الله(جلّ‌جلاله)، در سطح جامعه مخدوش است.

□ ۳) مخدوش بودن معرفت دانشمندان و خواص نسبت به «ایمان به الله(جلّ‌جلاله)»، و ناآگاهی عوام و توده‌های مردم به این متعلق ایمان، موجب خدشه در «کلیت» ایمان در منظومه‌ی متعلق‌های هفت‌گانه‌ی ایمان توده‌ی جامعه شده است.

□ ۴) ناآگاهی از ضرورت ایمان به الله(جلّ‌جلاله)، و غفلت از این متعلّق مهم، زمینه‌ی عدم تحقق ایمان کامل در مؤمنین است.

□ ۵) مؤمنی که «ایمان» او ناقص است، طبیعتاً «عمل صالح» او نیز ناقص و نارسا بوده، و فاقد پشتوانه‌ی اعتقادی جامع و عمیق خواهد بود [... **إِلاَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحات**].

۲ ـ رسالت

جامعه‌ی فکری، علمی، هنری و رسانه‌ای انقلاب اسلامی؛ در برابرِ تهاجم ناتو فرهنگی به «الله(جلّ‌جلاله)» مأموریت دارد:

□ الف ـ به تبیین دقیق ابعاد و زوایای این تهاجم [و تخریب] بپردازد.

□ ب ـ سپس در برابر این تهاجم و تخریب، به پدافند عامل بپردازد.

□ ج ـ و آنگاه در میان عموم مردم [جامعه‌ی ایرانی، جهان اسلام، و سپس جهان غیر مسلمان] از طریق اقدام آفندی، به اشاعه‌ی ایمان به حضرت الله(جلّ‌جلاله)، بپردازد.

۳ ـ اجرا

□ تدبیر عملیات

□ ۱) ـ اصول رزم نرم در حفاظت از ایمان به الله(جلّ‌جلاله)

□ الف ـ تشخیص میدان [اقدام نامتقارن در میدان اقدام].

□ ب ـ عدم اطاعت از قواعد کفار [جهاد کبیر].

□ پ ـ تدقیق و تبیین قواعد خود [اقدام نامتقارن در قواعد اقدام].

□ ت ـ تبیین [بیّنات].

□ ث ـ بلاغ [مبین].

□ ج ـ قول سدید و حکمت.

□ چ ـ فعل حدید و میزان.

□ ح ـ موعظه‌ی حسنه.

□ خ ـ جدال احسن.

□ د ـ انعطاف‌پذیری در فروع (و عدم انعطاف در اصول).

□ ذ ـ ابتکار عمل (تعرض).

□ ر ـ وحدت رویه (که به وحدت تلاش‌ها منتج می‌شود).

□ ز ـ پیشرفت و رشد (مانور).

□ ژ ـ انگیزه [ابعاث].

□ س ـ روحیه (تعادل روحی).

□ ش ـ مداومت کار و ثبات قدم.

□ ص ـ استقامت.

□ ض ـ استطاعت.

□ ط ـ اصطناعت.

□ ظ ـ استقلال [دربرابر استکثار].

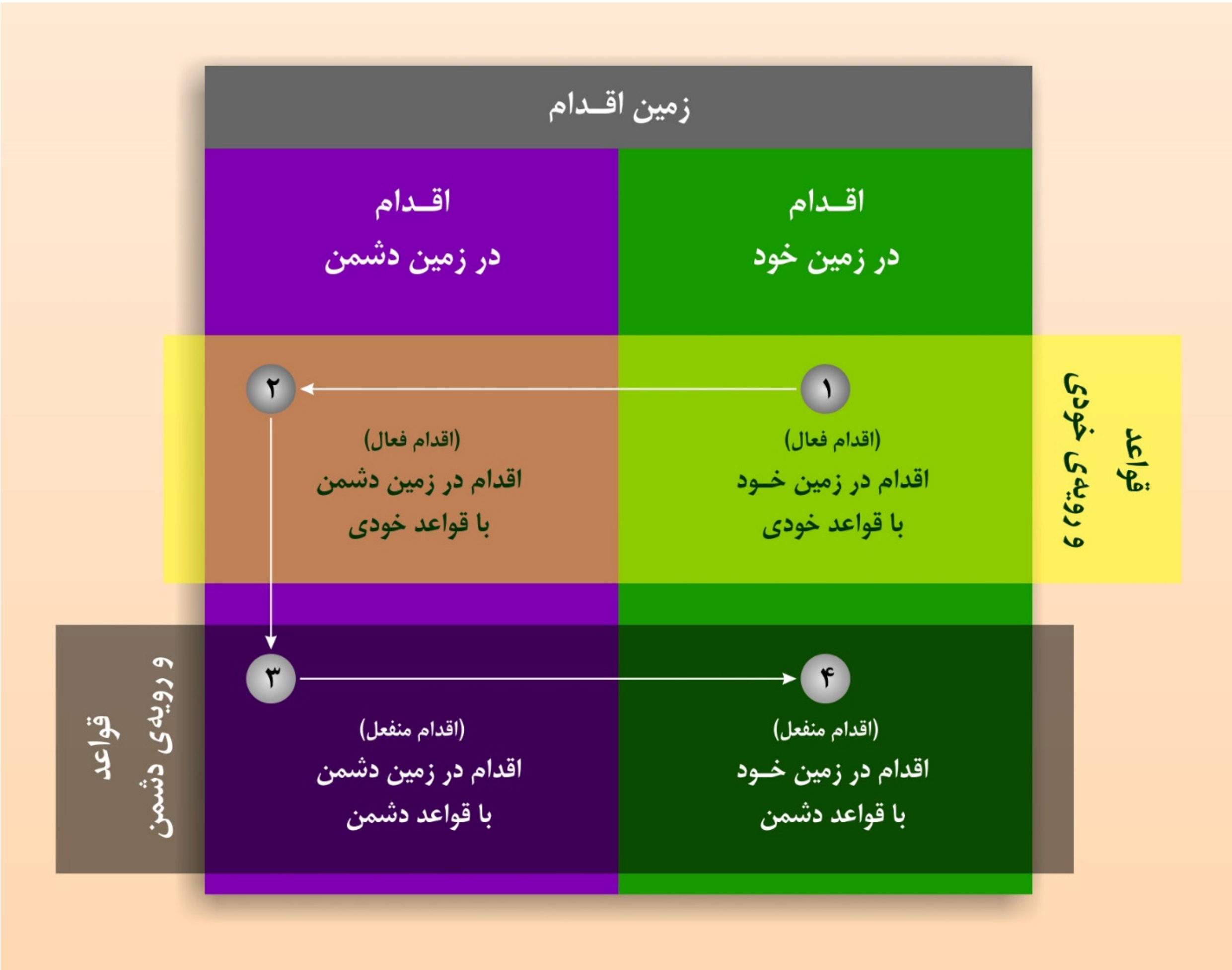
□ ع ـ بهره‌برداری از موفقیت.

□ غ ـ استفاده‌ی بهینه (یا بهره‌وری مطلوب) از قوا.

□ ۲) ـ دکترین و استراتژی

□ الف ـ دکترین

دکترین اقدام نامتقارن.



دکترین اقدام نامتقارن

□ ب ـ استراتژی

بهره‌گیری از سیر جدالی (به‌ویژه در جدال احسن).

□ ۳) ـ عرصه‌سازی

□**الف) ابتدا عرصه‌ی رسمی** (حوزه‌ی علمیه ـ سپاه پاسداران ـ نظام دانشگاهی ـ نظام آموزش‌وپرورش).

□ **ب) سپس عرصه‌ی عمومی** (از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد ـ سازمان تبلیغات اسلامی ـ سازمان صدا و سیما ـ نیروی مقاومت بسیج ـ و فضای سایبر).

□ **۴) ـ مانور**

□ **الف) ارضایی**

مؤمنین و مسلمین، تحریک و تحریص و ترغیب به حفاظت از ایمان به الله(جلّ‌جلاله) گردند.

□ **ب) اقناعی**

مؤمنین عموماً و غیر مؤمنین خصوصاً، نسبت به ایمان به الله(جلّ‌جلاله) اقناع شوند.

□ **۵) ـ قول ثابت**

□ الف) قرآن مجید

□ ب) احادیث و روایات چهارده معصوم(ع)

□ ج) تدابیر و کلام امامین خمینی(ره) و خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

□ **۶) ـ اطلاعات**

رصد لحظه‌به‌لحظه و همه‌جانبه‌ی دشمن، حریف و رقیب در حوزه‌ی حملات آنان به حضرت الله(جلّ‌جلاله)، و «ایمان به الله(جلّ‌جلاله)».

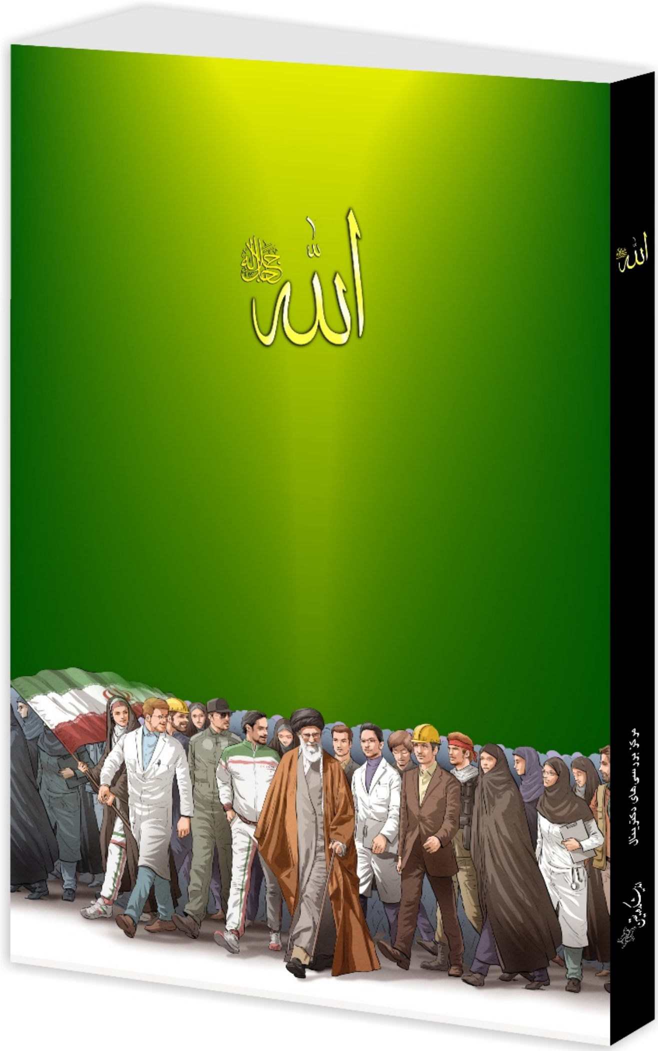
□ **۷) ـ سازمان برای نبرد نرم**

□ **بنیاد ایمان به الله(جلّ‌جلاله) (بنیاد فاطر)**

این بنیاد، یک نهاد اندیشه‌ای ـ اشاعه‌ای ـ انگیزه‌ای (علمی، فرهنگی، هنری و آموزشی) است که بر محور ایمان به الله(جلّ‌جلاله) سازماندهی می‌شود:

□ الف) وجه علمی

تبیین علمی حضرت الله(جلّ‌جلاله)، و تولید علم بر مدار آن، و آماده‌سازی متون برای تدریس در محافل دانشگاهی. بنیاد فاطر، در گام نخست، دایرةالمعارف «الله(جلّ‌جلاله)» را تبیین و تهیه و تدارک می‌نماید.



□ ب) وجه آموزشی

آموزش عمومی و تخصصی آموزه‌های مربوط به حضرت الله(جلّ‌جلاله) در سطوح مختلف به کودکان و نوجوانان، در نسبت با آموزش و پرورش.

□ پ) وجه هنری

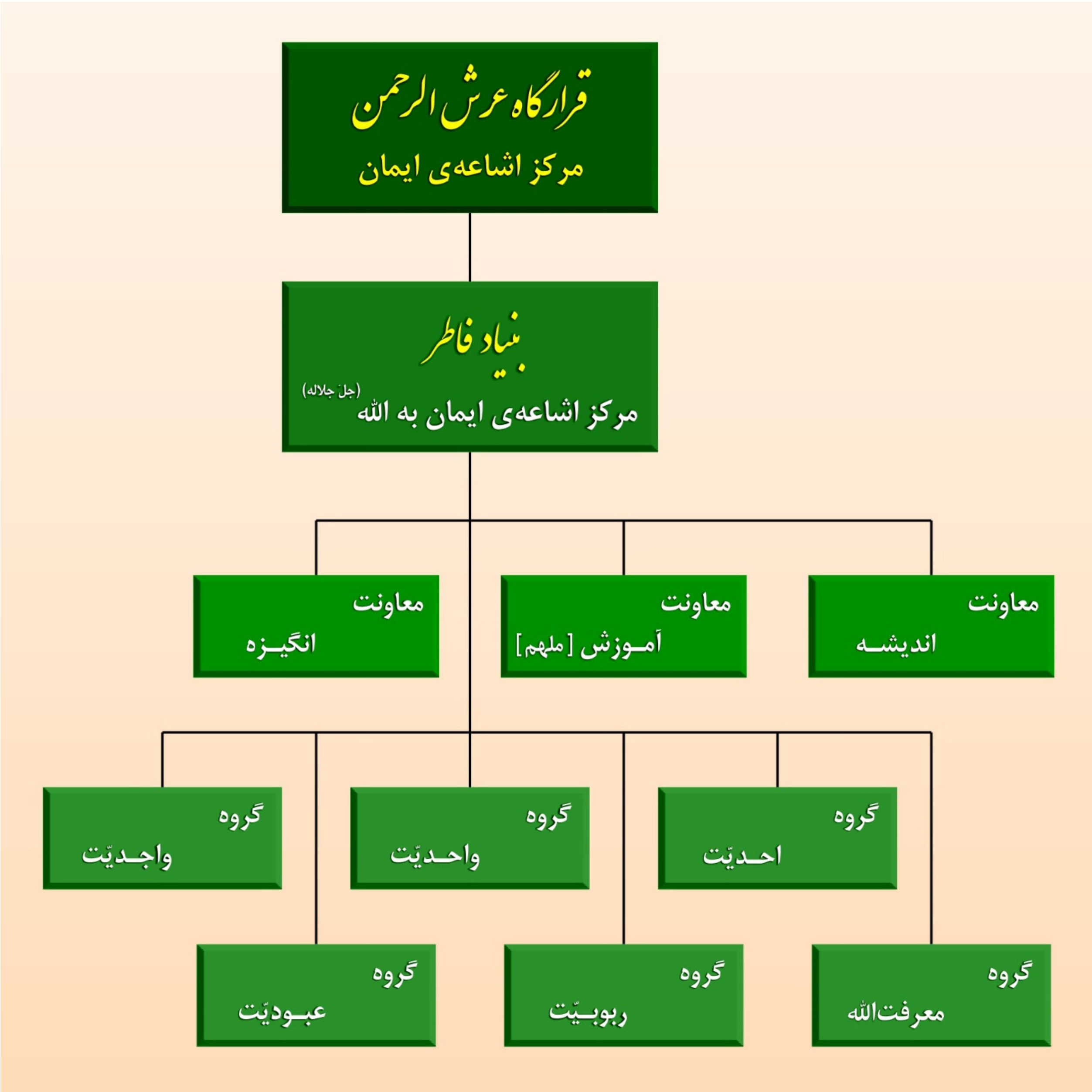
تهیه‌ی فیلم‌های سینمایی، سریال‌های تلویزیونی، بازی‌های کامپیوتری و ... در معرفی حضرت الله(جلّ‌جلاله) توسط مؤسسات هنری، در نسبت با وزارت فرهنگ و ارشاد، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان صدا و سیما، و سپاه پاسداران

□ ت) وجه فرهنگی

فعالیت رسانه‌ای، مطبوعاتی، و نشر مکتوب؛ فرهنگ‌سازی نوبه‌ای و تقویمی؛ در معرفی حضرت الله(جلّ‌جلاله)، در نسبت با مجموعه‌ی نهادهای فرهنگی.

□ ث) ساختار

بنیاد ایمان به الله(جلّ‌جلاله) (بنیاد فاطر) دارای سه معاونت اندیشه، انگیزه و آموزش بوده، و واجد شش گروه «اَحَدیّت»، «واحدیّت [توحید]»، «واجدیّت [توجید]»، «الله شناسی»، «ربوبیّت» و «عبودیّت» است.



□ ۸) ـ **دستور هماهنگی**

بنیاد «ایمان به الله(جلّ‌جلاله)»، به‌عنوان نهاد مقدم در اشاعه‌ی «ایمان به الله(جلّ‌جلاله)»، لزوماً بایستی در فعالیت‌های خود، از مجتهدین واجد شرایط، حکما، مفسرین قرآن عظیم، محدّثین، مورّخین و دانشمندان این حوزه، بهره بگیرد.

۴ ـ پشتیبانی و خدمات نبرد نرم

پشتیبانی اداری ـ مالی و آمادی، به طور مشخص به عهده‌ی قرارگاه عرش‌الرّحمن (مرکز اشاعه‌ی ایمان) است. اما در شرایط مقتضی، از ظرفیت کلیه‌ی نهادهای فرهنگی ـ علمی ـ آموزشی ـ رسانه‌ای و هنری کشور می‌توان استفاده کرد.

۵ ـ هدایت و مدیریت، و ارتباطات

□ الف ـ هدایت و مدیریت

هدایت و مدیریت در عملیات «صیانت از حضرت الله(جلّ‌جلاله)» و «اشاعه‌ی ایمان به الله(جلّ‌جلاله)» از نظام فرماندهی منفصل بهره می‌برد [نه از سیستم فرماندهی یک‌پارچه و متصل]. لذا بنیاد ایمان به الله(جلّ‌جلاله)، سبک و چابک است. فرماندهی مزبور، عملیات خود را در دو حوزه مدیریت می‌کند:

□ ۱) ارضایی

مدیریت بر حبّ و بغض گروه هدف، شامل زدودن «بغض» به حضرت الله(جلّ‌جلاله) و ایجاد «حب» به حضرت الله(جلّ‌جلاله).

□ ۲) اقناعی

مدیریت بر شک و یقین گروه هدف، شامل زدودن «شک» به حضرت الله(جلّ‌جلاله)، و ایجاد و تثبیت «یقین» به حضرت الله(جلّ‌جلاله).

□ ب ـ ارتباطات

چون نظام هدایت و مدیریت در عملیات اشاعه‌ی ایمان به الله(جلّ‌جلاله)، منفصل و غیر سلسله‌مراتبی است، لذا شبکه‌ی ارتباطات نیز، شبکه‌ی متصل نبوده و منفصل است. ازاین‌رو، ارتباطات به صورت اقتضایی و موردی [و کارکردی] صورت می‌گیرد و در نتیجه سیال است.

اَلَیس الصّبحُ بِقَریب

طرح عملیاتی آیه

بنیاد آیه

مرکز اشاعه‌ی ایمان به آیات الهی

روند ۲/۱/۶ طرح عملیاتی آیـه

۱ ـ وضعیت

□ الف ـ کلیات

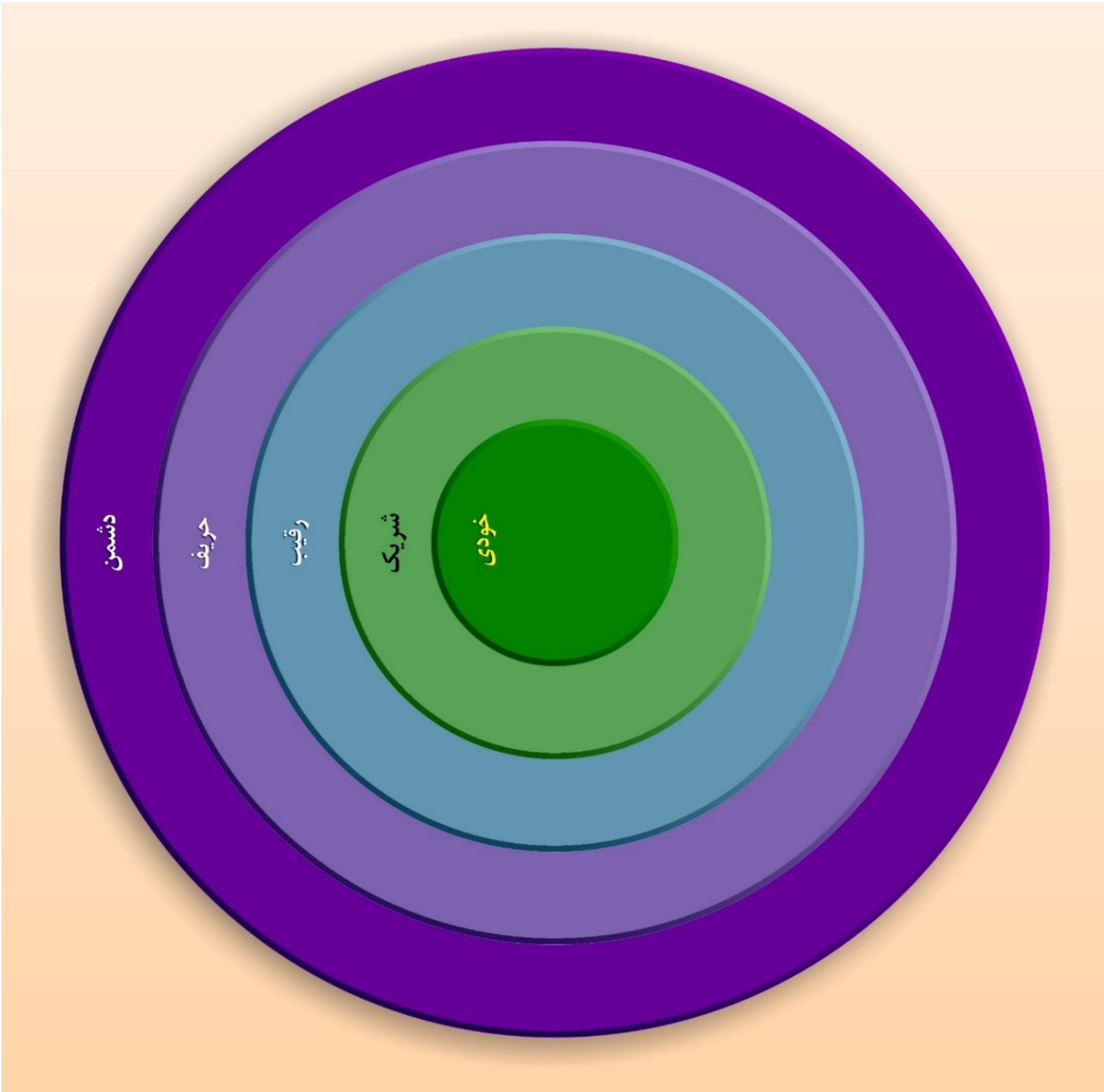
ایمان به آیات الهی (نشانی‌های خدا) یکی از هفت متعلق ایمان، و از ضروریات دین مبین اسلام است که نفی آن، مصداق کفر می‌باشد. اما در سال‌های اخیر، هجوم گسترده‌ای به آیت‌های الهی صورت گرفته که هم‌چنان با شدت و قوت ادامه دارد.

این متعلق اساسی، نه تنها در دوره‌ی هزار سال اخیر از سوی متکلمان و حکمای مسلمان مغفول مانده است، بلکه در دویست سال اخیر، در اثر هجوم مدرنیته، بیش از پیش تخریب شده است.

«آیت» در زبان عربی، یعنی «حبس علامت در شیء». درواقع همه‌ی اشیاء در عالم، هر یک علامتی را در خود حبس کرده‌اند که با رفع حبس از آن علامت، آن‌چه هویدا می‌شود «آیتِ الهی» است. بر مبنای آیه‌ی «**وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ ، وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَ فَلَا تُبْصِرُونَ** ... آیات ۲۰ و ۲۱ ذاریات »، در سطح زمین و در درون نفس انسان، نشانه‌هایی است برای اهل یقین؛ اما نمی‌بینند. درواقع، آیات الهی به دو بخش «آیات آفاقی» و «آیات انفسی» تفکیک می‌شوند.

مدرنیته با بهره‌گیری از گزاره‌های سمبلیسم، برای آیت یک مکتب بدیل بر پایه‌ی عرف و وهم تراشیده است.

□ ب ـ طیف‌شناسی گروه‌های آماج



طیف‌شناسی عناصر برخورد

□ ۱) دشمن

ناتو فرهنگی در شاخه‌های:

□ ۱) نهادهای فکری ـ فلسفی غرب در قالب ایدئولوژی‌های سَمبلیسم، نئوپاگانیسم، ساینتیسیسم، پوزیتیویسم و آمپریسم.

□ ۲) نهادهای دانشگاهی غرب از طریق اشاعه‌ی سَمبلیسم، نئوپاگانیسم، کاسمولوژیسم، داروینیسم، آنتروپولوژیسم، پوزیتیویسم و آمپریسم.

□ ۳) نهادهای هنری غرب، به‌ویژه هالیوود از طریق اشاعه‌ی سَمبلیسم [و جنبش نفی نشانی‌شناسی در آثار هنری]، نئوپاگانیسم و آمپریسم.

□ ۴) نهادهای معماری و شهرسازی غرب، از طریق اشاعه‌ی سمبلیسم و آمورالیسم.

☐ ۲) حریف

جریان مدرنیست و سکیولار درون کشور در شاخه‌های:

☐ ۱) نهادهای فکری ـ فلسفی مدرنیست، از طریق اشاعه‌ی ایدئولوژی‌های سمبلیسم، ساینتیسیسم، پوزیتیویسم و آمپریسم.

☐ ۲) نهادهای دانشگاهی ایران، از طریق اشاعه‌ی سمبلیسم، کاسمولوژیسم، داروینیسم، آنتروپولوژیسم، پوزیتیویسم و آمپریسم.

☐ ۳) نهادهای هنری ایران، در سینما و معماری از طریق اشاعه‌ی سمبلیسم [و جنبش نفی نشانی‌شناسی در آثار هنری] و آمپریسم.

☐ ۴) نهادهای رسانه‌ای ایران، در قالب مطالب مکتوب یا فیلم‌های علمیِ مستندِ پوزیتیویستیِ ترجمه‌شده.

☐ ۵) و هم‌چنین در بهره‌گیری از ظرفیت اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در نهادهای سایبر.

☐ ۳) رقیب

نهادهای رقیب در مذاهب اسلام، کاملاً در این موضوع منفعل، بی‌اطلاع و غافل هستند.

☐ ۴) شریک

نهادهای شریک نیز عمیقاً ناآگاه، و درنتیجه منفعل و غافل هستند.

☐ ۵) خودی

نیروهای خودی نیز در این موضوع، ناآگاه و منفعل و غافل هستند.

☐ پ ـ وابستگی نیروهای کنش‌گر

☐ ۱) نیروهای تحت امر و تابع

[اساساً نهاد اقدام وجود ندارد.]

☐ ۲) نیروهای جدا و غیرتابع

☐ ۲/۱) شورای عالی انقلاب فرهنگی [بی‌اطلاع و منفعل است]

☐ ۲/۲) حوزه‌ی علمیه [بی‌اطلاع و منفعل است]

☐ ۲/۳) جامعه‌ی دانشگاهی [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۴) جامعه‌ی آموزش و پرورش [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۵) جامعه‌ی فرهنگ و هنر (ارشاد اسلامی) [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۶) سازمان صدا و سیما [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ت ـ محیط‌شناسی؛ جو و فضا

□ محیط

□ ۱) محیط جهانی

محیط انکار آیات الهی، و تهاجم و تخریب آنان است؛ محیط «**وَ صَدُّوا عَنْ سَبيلِ اللَّهِ** »؛ و محیط تعیّنات [عینیّت‌گرایی] است.

□ ۲) محیط منطقه‌ی اسلامی

محیط مسموم جهل، تکفیر و تفرقه و اباحه‌گرایی است.

□ ۳) محیط داخلی [کشوری]

محیط غفلت و انفعال است.

□ جو و فضا

فضای موجود، ظاهراً فضای غلبه‌ی هیاهوی «فرضیه»های علمی و القائات رسانه‌های انبوه و سرسام‌آور بر «سکوت» جبهه‌ی موحّدین است. اما این «فرضیه»های علمی هنوز به نظریه‌ی علمی تبدیل نشده‌اند، و این گزاره‌های شبه‌علم [که وهم‌آلود هستند] در کنار القائات رسانه‌ای انبوه، عمدتاً «غوغا» بوده، و در نتیجه؛ فضا، فضای «غوغا سالاری» علمی است.

در فضای غوغا سالاری و جوّ «شارلاتانیسم» علمی، قاعده‌ی «جوّ شکنی» سه پایه‌ی «معرفت»یابی، «بصیرت»افزایی و «جهاد تبیین»، به‌ویژه جهاد کبیر را برمی‌تابد.

□ ث ـ فرضیات

□ ۱) عموم مسلمین نمی‌دانند که ایمان به آیات الهی، یکی از متعلق‌های مهم ایمان اسلامی است که واجب بوده و از ضروریات دین محسوب می‌شود و نفی آن‌ها کفر است. لذا در برابر تهاجم به آن، «موضع» [گارد] نداشته، و عمدتاً بی‌تفاوت هستند.

□ ۲) عالمان مسلمان، در تبیین این وجوب، و ضرورت ایمان به آیات الهی، کوتاهی و قصور کرده‌اند. لذا موضوع ایمان به آیات الهی، نه‌تنها از جهات فرهنگی، که حتی از جهات و ابعاد علمی نیز به‌گونه‌ای دقیق، تبیین نشده است و ازاین‌رو، معرفت به آیات الهی، در سطح جامعه، مخدوش است.

□ ۳) مخدوش بودن معرفت دانشمندان و خواص نسبت به «ایمان به آیات» الهی، و ناآگاهی عوام و توده‌های مردم به این متعلق ایمان، موجب خدشه در «کلیت» ایمان در منظومه‌ی متعلق‌های هفت‌گانه‌ی ایمان توده‌ی جامعه شده است.

□ ۴) ناآگاهی از ضرورت ایمان به آیات الهی و غفلت از این متعلق مهم، زمینه‌ی عدم تحقق ایمان کامل در مؤمنین است.

□ ۵) مؤمنی که «ایمان» او ناقص است، طبیعتاً «عمل صالح» او نیز ناقص و نارسا بوده، و فاقد پشتوانه‌ی اعتقادی جامع و عمیق خواهد بود [... **إِلاَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحات**].

۲ ـ رسالت

جامعه‌ی فکری، علمی، هنری و رسانه‌ای انقلاب اسلامی؛ در برابرِ تهاجم ناتو فرهنگی به « آیات الهی » مأموریت دارد:

□ الف ـ به تبیین دقیق ابعاد و زوایای این تهاجم [و تخریب] بپردازد.

□ ب ـ سپس در برابر این تهاجم و تخریب، به پدافند عامل بپردازد.

□ ج ـ و آنگاه در میان عموم مردم [جامعه‌ی ایرانی، جهان اسلام، و سپس جهان غیر مسلمان] از طریق اقدام آفندی، به اشاعه‌ی ایمان به آیات الهی، بپردازد.

۳ ـ اجرا

□ تدبیر عملیات

□ ۱) ـ اصول رزم نرم در حفاظت از ایمان به آیات الهی

□ الف ـ تشخیص میدان [اقدام نامتقارن در میدان اقدام].

□ ب ـ عدم اطاعت از قواعد کفار [جهاد کبیر].

□ پ ـ تدقیق و تبیین قواعد خود [اقدام نامتقارن در قواعد اقدام].

□ ت ـ تبیین [بیّنات].

□ ث ـ بلاغ [مبین].

□ ج ـ قول سدید و حکمت.

□ چ ـ فعل حدید و میزان.

□ ح ـ موعظه‌ی حسنه.

□ خ ـ جدال احسن.

□ د ـ انعطاف‌پذیری در فروع (و عدم انعطاف در اصول).

□ ذ ـ ابتکار عمل (تعرض).

□ ر ـ وحدت رویه (که به وحدت تلاش‌ها منتج می‌شود).

□ ز ـ پیشرفت و رشد (مانور).

□ ژ ـ انگیزه [ابعاث].

□ س ـ روحیه (تعادل روحی).

□ ش ـ مداومت کار و ثبات قدم.

□ ص ـ استقامت.

□ ض ـ استطاعت.

□ ط ـ اصطناعت.

□ ظ ـ استقلال [دربرابر استکثار].

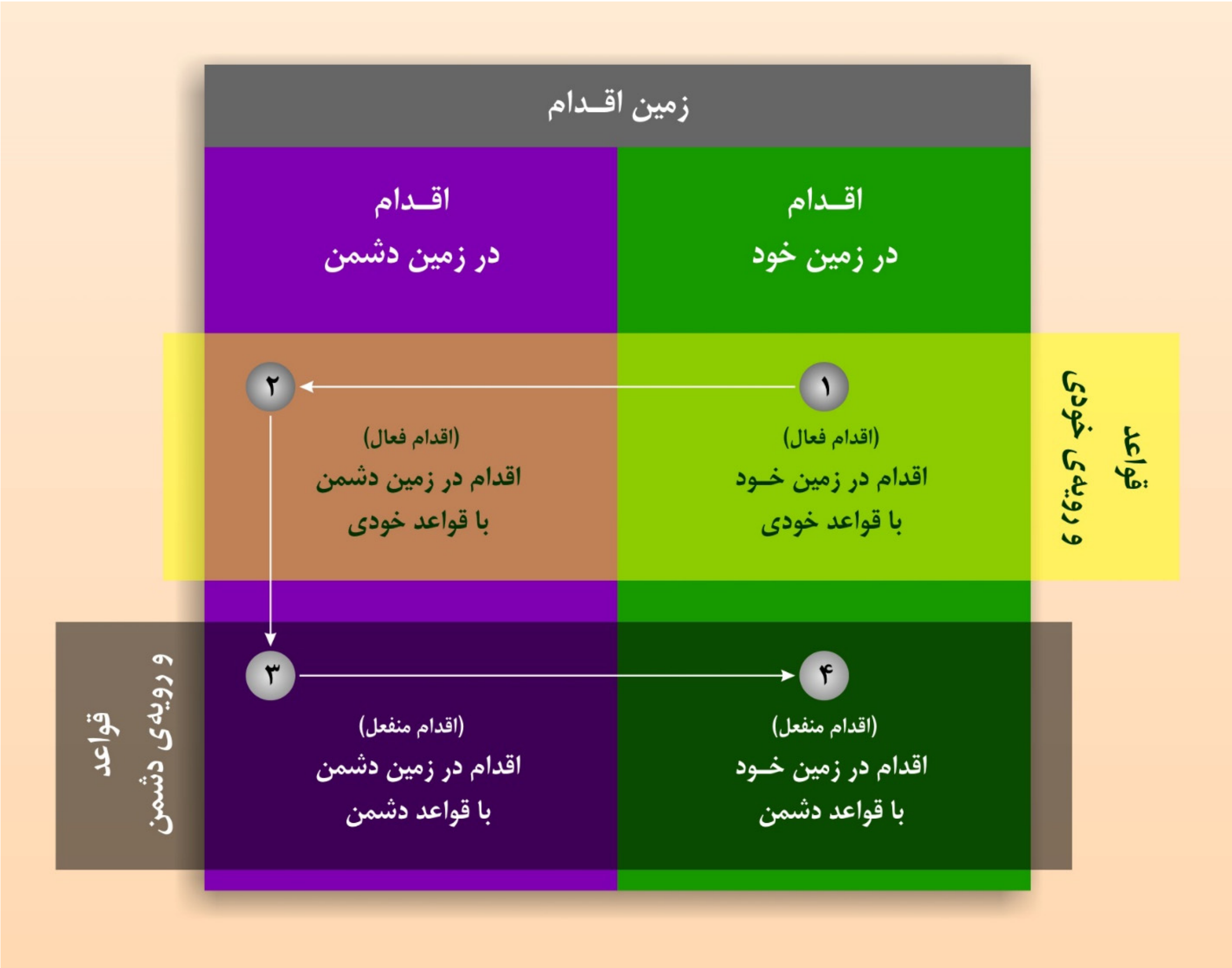
□ ع ـ بهره‌برداری از موفقیت.

□ غ ـ استفاده‌ی بهینه (یا بهره‌وری مطلوب) از قوا.

□ ۲) ـ دکترین و استراتژی

□ الف ـ دکترین

دکترین اقدام نامتقارن.



دکترین اقدام نامتقارن

□ ب ـ استراتژی

بهره‌گیری از سیر جدالی (به‌ویژه در جدال احسن).

□ ۳) ـ عرصه‌سازی

□**الف) ابتدا عرصه‌ی رسمی** (حوزه‌ی علمیه ـ سپاه پاسداران ـ نظام دانشگاهی ـ نظام آموزش‌وپرورش).

□ **ب) سپس عرصه‌ی عمومی** (از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد ـ سازمان تبلیغات اسلامی ـ سازمان صدا و سیما ـ نیروی مقاومت بسیج ـ و فضای سایبر).

☐ ۴) ـ مانور

☐ الف) ارضایی

مؤمنین و مسلمین، تحریک و تحریص و ترغیب به حفاظت از ایمان به آیات الهی گردند.

☐ ب) اقناعی

مؤمنین عموماً و غیر مؤمنین خصوصاً، نسبت به ایمان به آیات الهی اقناع شوند.

☐ ۵) ـ قول ثابت

☐ الف) قرآن مجید

☐ ب) احادیث و روایات چهارده معصوم(ع)

☐ ج) تدابیر و کلام امامین خمینی(ره) و خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

☐ ۶) ـ اطلاعات

رصد لحظه به لحظه و همه‌جانبه‌ی دشمن، حریف و رقیب در حوزه‌ی حملات آن‌ها به آیات الهی، و «ایمان به آیات الهی».

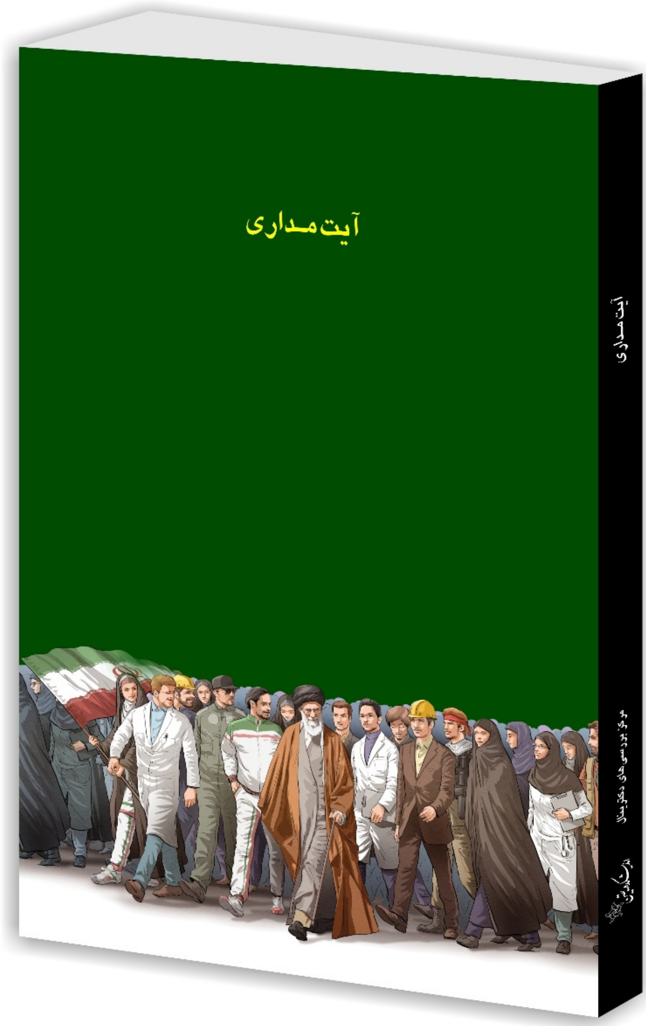
☐ ۷) ـ سازمان برای نبرد نرم

☐ بنیاد ایمان به آیات الهی (بنیاد آیه)

این بنیاد، یک نهاد اندیشه‌ای ـ اشاعه‌ای ـ انگیزه‌ای (علمی، فرهنگی، هنری و آموزشی) است که بر محور ایمان به آیات الهی سازماندهی می‌شود:

☐ الف) وجه علمی

تبیین علمی آیات الهی، و تولید علم بر مدار آن، و آماده‌سازی متون برای تدریس در محافل دانشگاهی. بنیاد آیه، در گام نخست، دایرةالمعارف «آیه» را تبیین و تهیه و تدارک می‌نماید.



□ ب) وجه آموزشی

آموزش عمومی و تخصصی آموزه‌های مربوط به آیات الهی در سطوح مختلف به کودکان و نوجوانان، در نسبت با آموزش و پرورش.

□ پ) وجه هنری

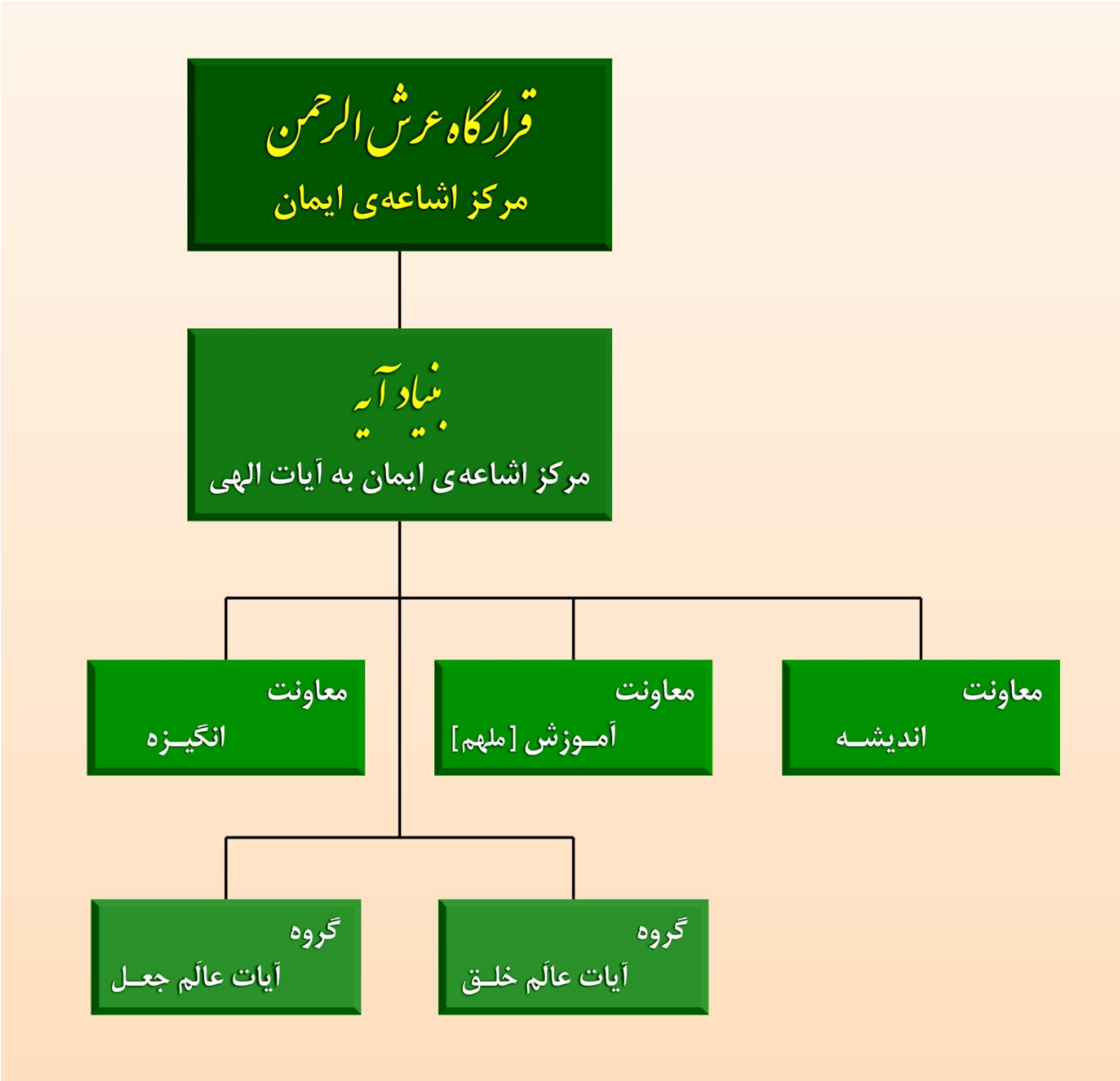
تهیه‌ی فیلم‌های سینمایی، سریال‌های تلویزیونی، بازی‌های کامپیوتری و ... در معرفی آیات الهی توسط مؤسسات هنری، در نسبت با وزارت فرهنگ و ارشاد، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان صدا و سیما، و سپاه پاسداران.

□ ت) وجه فرهنگی

فعالیت رسانه‌ای، مطبوعاتی، و نشر مکتوب؛ فرهنگ‌سازی نوبه‌ای و تقویمی؛ در معرفی آیات الهی، در نسبت با مجموعه‌ی نهادهای فرهنگی.

□ ث) ساختار

بنیاد ایمان به آیات الهی (بنیاد آیه) دارای سه معاونت اندیشه، انگیزه و آموزش بوده، و واجد دو گروه «آیات عالم خلق» و «آیات عالم جعل» است.



□ ۸ ـ **دستور هماهنگی**

بنیاد «ایمان به آیات الهی»، به عنوان نهاد مقدم در اشاعه‌ی «ایمان به آیات الهی»، لزوماً بایستی در فعالیت های خود، از مجتهدین واجد شرایط، حکما، مفسرین قرآن عظیم، محدّثین، و دانشمندان این حوزه، بهره بگیرد.

۴ ـ پشتیبانی و خدمات نبرد نرم

پشتیبانی اداری ـ مالی و آمادی، به طور مشخص به عهده‌ی قرارگاه عرش‌الرّحمن (مرکز اشاعه‌ی ایمان) است. اما در شرایط مقتضی، از ظرفیت کلیه‌ی نهادهای فرهنگی ـ علمی ـ آموزشی ـ رسانه‌ای و هنری کشور می‌توان استفاده کرد.

۵ ـ هدایت و مدیریت، و ارتباطات

□ الف ـ هدایت و مدیریت

هدایت و مدیریت در عملیات «صیانت از آیات الهی» و «اشاعه‌ی ایمان به آیات الهی» از نظام فرماندهی منفصل بهره می‌برد [نه از سیستم فرماندهی یک‌پارچه و متصل]. لذا بنیاد ایمان به ملائکه، سبک و چابک است. فرماندهی مزبور، عملیات خود را در دو حوزه مدیریت می‌کند:

□ ۱) ارضایی

مدیریت بر حب و بغض گروه هدف، شامل زدودن «بغض» به آیات الهی و ایجاد «حب» به آیات الهی.

□ ۲) اقناعی

مدیریت بر شک و یقین گروه هدف، شامل زدودن «شک» به آیات الهی، و ایجاد و تثبیت «یقین» به آیات الهی.

□ ب ـ ارتباطات

چون نظام هدایت و مدیریت در عملیات اشاعه‌ی ایمان به آیات الهی، منفصل و غیر سلسله‌مراتبی است، لذا شبکه‌ی ارتباطات نیز، شبکه‌ی متصل نبوده و منفصل است. ازاین‌رو، ارتباطات به صورت اقتضایی و موردی [و کارکردی] صورت می‌گیرد و در نتیجه سیال است.

اَلَیس الصّبحُ بِقَریب

طرح عملیاتی معاد

بنیاد معاد

مرکز اشاعه‌ی ایمان به آخرت

روند ۲/۱/۷ طرح عملیاتی معـاد

۱ ـ وضعیت

□ الف ـ کلیات

ایمان به آخرت، یکی از هفت متعلق ایمان، و از ضروریات دین مبین اسلام است که نفی آن، مصداق کفر می‌باشد (آیات ۸، ۶۲، ۱۷۷ سوره‌ی بقره ـ ۱۱۴ آل عمران ـ ۳۹ و ۵۹ نساء ـ ۶۹ مائده ـ ۹۲ و ۱۱۳ انعام). اما در سال‌های اخیر، هجوم گسترده‌ای به معاد، عالَم آخرت و عقبا صورت گرفته که هم‌چنان با شدت و قوت ادامه دارد. مهاجمان در این تهاجم، عالَم عقبا [آخرت] را نفی و عالم دنیا را اثبات می‌کنند.

دوگانه‌ی «دنیا» و «آخرت» که عوالم متوالی هستند و در آن، «حیات دنیوی»، مزرعه‌ای است که انسان در آن می‌کارَد، و در «حیات اخروی» محصول خود را درو می‌کند [الدّنیا مزرعة الاخرة: دنیا، مزرعه‌ی آخرت است].

مزرع سبز فَلَک دیدم و داسِ مَه نو　　　یادم از کِشته‌ی خویش آمد و هنگام درو

هنگامی‌که انسان، دوگانه‌ی عوالم متوالی دنیا و آخرت را باور دارد، در اَعمال دنیوی خود «حد» و «میزان» را رعایت می‌کند؛ زیرا نگران قیامت و صحرای محشر و روز محاسبه و درنهایت، دوراهی بهشت و جهنم است.

گر مسلمانی چنان است که حافظ دارد　　　وای اگر از پس امروز بوَد فردایی

آدمی پس‌از مرگ، یک دوره‌ی برزخ را می‌گذرانَد، و سپس در صبح قیامت که حضرت «اسرافیل» در «صور» خود می‌دمد؛ همگان «احیاء» می‌شوند و بر می‌خیزند. این قیام همگانی در «قیامت»، برای گرفتن کارنامه و دیدن نتیجه‌ی اعمال خویش است.

همگان مانند دوندگان مسابقات دو و میدانی، که پس‌از عبور از خطّ پایان، خسته و نفس‌زنان و عرق‌ریزان، یا در حالت رکوع، دست به زانو گذاشته و تابلو اعلام نتایج مسابقه را می‌بینند، و یا زانو زده و منتظر اعلام نتیجه هستند؛ در «جاثیه» نیز همه‌ی آدمیان خسته و نگران، منتظر دریافت کتاب اعمال خویش هستند.

در آن روزِ «حساب»، همگان پس‌از دیدن نتایج، شگفت‌زده می‌شوند؛ گروه اکثریتی به جهنم روانه می‌گردند و گروه اقلیتی به جنّت دعوت می‌شوند و با سلام و تحیّت ملائکه روبه‌رو خواهندشد.

وَ لَقَدْ ذَرَأْنا لِجَهَنَّمَ کَثیراً مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لا یَفْقَهُونَ بِها ... آیه ۱۷۹ اعراف

همانا درَویدیم برای جهنم، کثیری از جن و انس را؛ چون آنان قلبی نداشتند که با آن تفقّه کنند [خودشان، ظرفیت قلبی خود را نابود کرده بودند و نکوشیدند که آن قلب را که برای وهم و اوهام پروراندند، تبدیل کنند به قلبی که قابلیت تفقه داشته باشد و ردّ توهم].

قول [گفتمان ـ *Discourse* ـ پارادایم] قرآنی، «ساعت»، «قیامت»، «عاقبت»، «آخرت»، «جاثیه»، «محاسبت»، «جهنم»، «عذاب»، «مغفرت»، «شفاعت»، «خُلد و خالدیّت»، «جنّت» و ...، از یک نظام مفهومی و مفقوهی جامع برخوردار است، که تصویری تمام‌نما از عالَم پس‌از مرگ، تا روز قیامت و پس‌از آن را می‌نمایانَد.

اما اکنون عالم مدرن، با پذیرش «نئوپاگانیسم [کفرکیشی جدید]»، یکسره منکر قول اخروی ادیان ابراهیمی شده، و همه‌ی فعل و انفعالات را محدود و محصور به همین جهان محسوس موسوم به «دنیا» می‌داند. محصور کردنِ همه‌ی کنش‌ها و واکنش‌های بشر به زندان دنیا، علی‌النّهایه به ایجاد و بسط ایدئولوژی سکیولاریسم [دنیویّت با اصالت عرف] منجر شده است.

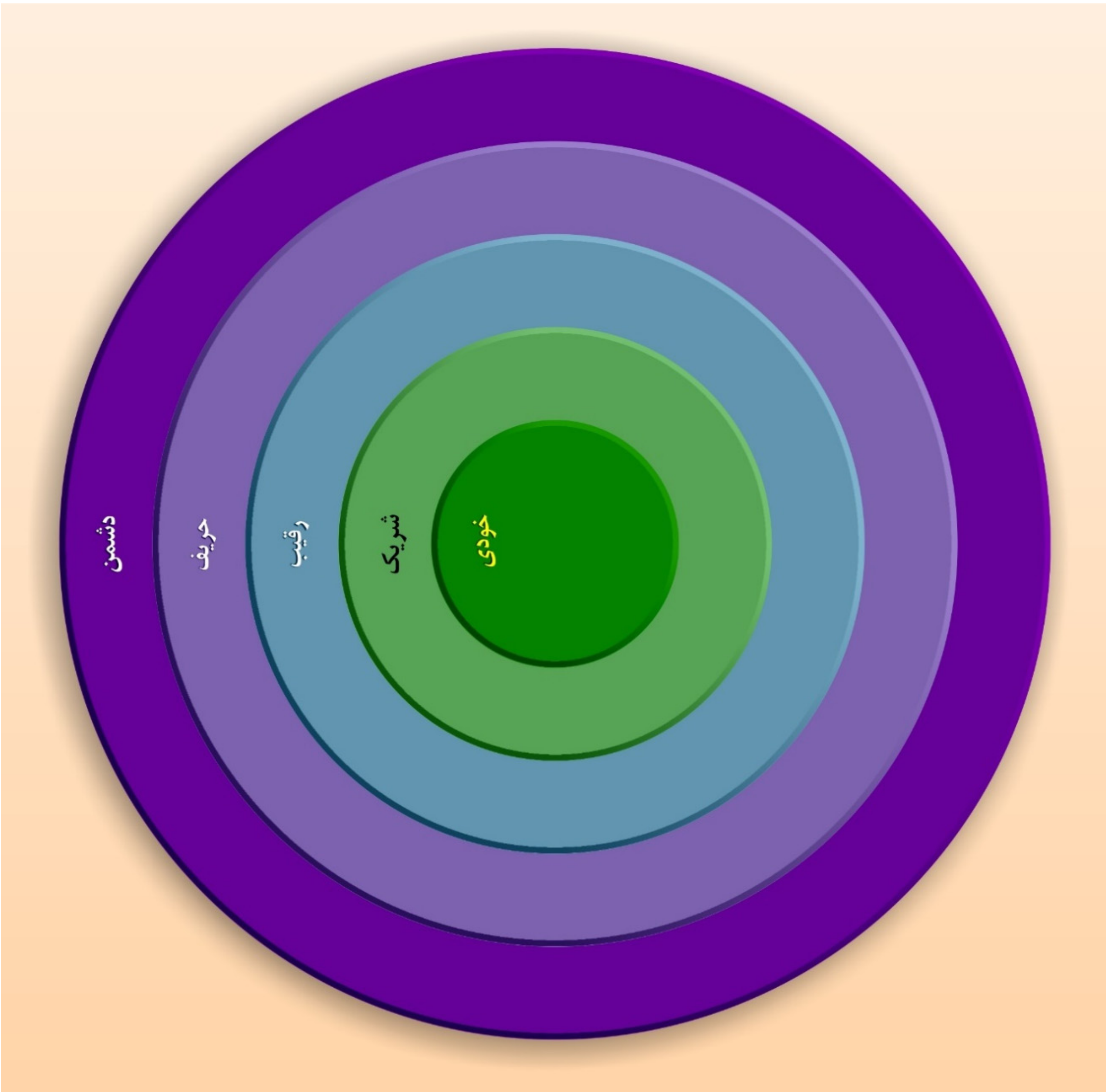
در این تلقی ایدئولوژیک، «مدرنیته» مدعی است که عالمی فراتر از عالم محسوسِ موجود که همه در آن زندگی می‌کنند، نیست؛ و لذا باید به قواعد همین عالم محسوس تن داد و مناسبات اجتماعی را در این عالم محسوس، با قراردادهای عرف بشری رقم زد، و از هر گزاره‌ی شرعی که برگرفته از الهامات و وحی الهی است حذر کرد، و ثواب و عِقاب را به آخرت حواله نداد [زیرا بشر پس‌از مردن و پوسیدن، مطلقاً معاد جسمانی و روحانی ندارد].

جهان سکیولار، انگاره‌های آخرت‌ستیز خود را در قالب فرهنگ مهاجم مدرن، به سایر جهان‌های غیرسکیولار، حقنه و تحمیل می‌کند. نظام دانشگاهی جهان مدرن، انگاره‌های سکیولار را در قالب فرضیه‌های هستی‌شناختی، معرفتی، جامعه‌شناختی، و روان‌شناختی، به‌عنوان گزاره‌های علمی در جهان اشاعه می‌دهد.

به تبع آن، نظام تربیت مدرن هم در مدارس، همین روند را پی گرفته است. هنر مدرن نیز مسئولیت شیوع دنیویّت، و نفی اخرویّت را در سطح توده‌ها و عوام جامعه بر عهده گرفته است و در این عرصه، یکه‌تازی می‌کند. فقط در یک نمونه، هنر سینما، فرضیه‌ی عوالم موازی را از فیزیک گرفته و در سینما، ایده‌ی عوالم موازی به‌جای عوالم متوالی [دنیا ـ عقبا] را اشاعه می‌دهد.

تبعاً کودکانی که در مدارس، جوانانی که در دانشگاه‌ها، و توده‌ی جامعه که از طریق رسانه‌ها مستمراً با عقباستیزی مواجه، و به دنیاپذیری و دنیاگرایی دعوت می‌شوند؛ عملاً از یکی از ارکان مهم هفت‌گانه‌ی ایمان، محروم شده و در «کفر» می‌مانند.

□ ب ـ طیف‌شناسی گروه‌های آماج



طیف‌شناسی عناصر برخورد

☐ ۱) دشمن

ناتو فرهنگی در شاخه‌های:

☐ ۱) نهادهای فکری ـ فلسفی غرب در قالب ایدئولوژی‌های نئوپاگانیسم، سکیولاریسم، نیچرالیسم و ساینتیسیسم.

☐ ۲) نهادهای دانشگاهی غرب از طریق اشاعه‌ی سکیولاریسم، نئوپاگانیسم، نیچرالیسم، ساینتیسیسم، پوزیتیویسم و آمپریسم.

☐ ۳) نهادهای هنری غرب، به‌ویژه هالیوود از طریق اشاعه‌ی سکیولاریسم، نئوپاگانیسم، نیچرالیسم و جهان‌های موازی.

☐ ۴) نهادهای تربیتی و آموزشی غرب، از طریق اشاعه‌ی سکیولاریسم و نئوپاگانیسم.

☐ ۲) حریف

جریان مدرنیست و سکیولار درون کشور در شاخه‌های:

☐ ۱) نهادهای فکری ـ فلسفی مدرنیست، از طریق اشاعه‌ی ایدئولوژی‌های سکیولاریسم و پوزیتیویسم.

☐ ۲) نهادهای دانشگاهی ایران، از طریق اشاعه‌ی سکیولاریسم، داروینیسم، نیچرالیسم، پوزیتیویسم و آمپریسم.

☐ ۳) نهادهای هنری ایران، به‌ویژه در سینما از طریق اشاعه‌ی سکیولاریسم و نیچرالیسم.

☐ ۴) نهادهای رسانه‌ای ایران، در قالب مطالب مکتوب یا فیلم‌های علمی مستندِ پوزیتیویستیِ ترجمه شده.

☐ ۵) و هم‌چنین در بهره‌گیری از ظرفیت اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در نهادهای سایبر.

☐ ۳) رقیب

نهادهای رقیب در مذاهب اسلام، کاملاً در این موضوع منفعل، بی‌اطلاع و غافل هستند.

☐ ۴) شریک

نهادهای شریک نیز عمیقاً ناآگاه و درنتیجه منفعل و غافل هستند.

☐ ۵) خودی

نیروهای خودی نیز در این موضوع، ناآگاه و کاملاً منفعل و غافل هستند.

□ پ ـ وابستگی نیروهای کنش‌گر

□ ۱) نیروهای تحت امر و تابع

[اساساً نهاد اقدام وجود ندارد.]

□ ۲) نیروهای جدا و غیرتابع

□ ۲/۱) شورای عالی انقلاب فرهنگی [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۲) حوزه‌ی علمیه [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۳) جامعه‌ی دانشگاهی [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۴) جامعه‌ی آموزش و پرورش [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۵) جامعه‌ی فرهنگ و هنر (ارشاد اسلامی) [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ۲/۶) سازمان صدا و سیما [بی‌اطلاع و منفعل است]

□ ت ـ محیط‌شناسی؛ جو و فضا

□ محیط

□ ۱) محیط جهانی

محیط انکار آخرت، و محیط تخریبِ باور به عقبا است؛ محیط «**وَ صَدُّوا عَنْ سَبیلِ اللَّهِ** »، و محیط دنیویّت [سکیولاریته] است.

□ ۲) محیط منطقه‌ی اسلامی

محیط مسموم جهل، تکفیر و تفرقه و اباحه‌گرایی است.

□ ۳) محیط داخلی [کشوری]

محیط غفلت و انفعال است.

□ جو و فضا

فضای موجود، ظاهراً فضای غلبه‌ی هیاهوی «فرضیه»های علمی و القائات رسانه‌های انبوه و سرسام‌آور بر «سکوت» جبهه‌ی موحّدین است. اما این «فرضیه»های علمی هنوز به نظریه‌ی علمی تبدیل نشده‌اند، و این

گزاره‌های شبه‌علم [که عمدتاً وهم‌آلود هستند] در کنار القائات رسانه‌ای انبوه، عمدتاً «غوغا» بوده و در نتیجه؛ فضا، فضای «غوغا سالاری» علمی است.

در فضای غوغا سالاری و جوّ «شارلاتانیسم» علمی، قاعده‌ی «جوّ شکنی» سه پایه‌ی «معرفت»یابی، «بصیرت»افزایی و «جهاد تبیین»، به‌ویژه جهاد کبیر را برمی‌تابد.

☐ ث ـ فرضیات

☐ ۱) عموم مسلمین نمی‌دانند که ایمان به آخرت، یکی از متعلّق‌های مهمّ ایمان اسلامی است که واجب و از ضروریات دین بوده و نفی آن کفر است. لذا در برابر تهاجم به آن، «موضع» [گارد] نداشته، و عمدتاً بی‌تفاوت هستند.

☐ ۲) عالمان مسلمان، در تبیین این وجوب، و ضرورت ایمان به آخرت، کوتاهی و قصور کرده‌اند. لذا موضوع ایمان به آخرت، نه‌تنها از جهات فرهنگی، که حتی از جهات و ابعاد علمی نیز به‌گونه‌ای دقیق، تبیین نشده است و ازاین‌رو، معرفت به آخرت، در سطح جامعه مخدوش است.

☐ ۳) مخدوش بودن معرفت دانشمندان و خواص نسبت به «ایمان به آخرت»، و ناآگاهی عوام و توده‌های مردم به این متعلق ایمان، موجب خدشه در «کلیت» ایمان در منظومه‌ی متعلق‌های هفت‌گانه‌ی ایمان توده‌ی جامعه شده است.

☐ ۴) ناآگاهی از ضرورت ایمان به آخرت، و غفلت از این متعلّق مهم، زمینه‌ی عدم تحقق ایمان کامل در مؤمنین است.

☐ ۵) مؤمنی که «ایمان» او ناقص است، طبیعتاً «عمل صالح» او نیز ناقص و نارسا بوده، و فاقد پشتوانه‌ی اعتقادی جامع و عمیق خواهد بود [... **إِلاَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحات**].

۲ ـ رسالت

جامعه‌ی فکری، علمی، هنری و رسانه‌ای انقلاب اسلامی؛ در برابرِ تهاجم ناتو فرهنگی به «آخرت» مأموریت دارد:

☐ الف ـ به تبیین دقیق ابعاد و زوایای این تهاجم [و تخریب] بپردازد.

☐ ب ـ سپس در برابر این تهاجم و تخریب، به پدافند عامل بپردازد.

☐ ج ـ و آنگاه در میان عموم مردم [جامعه‌ی ایرانی، جهان اسلام، و سپس جهان غیر مسلمان] از طریق اقدام آفندی، به اشاعه‌ی ایمان به آخرت، بپردازد.

۳ ـ اجرا

□ تدبیر عملیات

□ ۱) ـ اصول رزم نرم در حفاظت از ایمان به آخرت

□ الف ـ تشخیص میدان [اقدام نامتقارن در میدان اقدام].

□ ب ـ عدم اطاعت از قواعد کفار [جهاد کبیر].

□ پ ـ تدقیق و تبیین قواعد خود [اقدام نامتقارن در قواعد اقدام].

□ ت ـ تبیین [بیّنات].

□ ث ـ بلاغ [مبین].

□ ج ـ قول سدید و حکمت.

□ چ ـ فعل حدید و میزان.

□ ح ـ موعظه‌ی حسنه.

□ خ ـ جدال احسن.

□ د ـ انعطاف‌پذیری در فروع (و عدم انعطاف در اصول).

□ ذ ـ ابتکار عمل (تعرض).

□ ر ـ وحدت رویه (که به وحدت تلاش‌ها منتج می‌شود).

□ ز ـ پیشرفت و رشد (مانور).

□ ژ ـ انگیزه [ابعاث].

□ س ـ روحیه (تعادل روحی).

□ ش ـ مداومت کار و ثبات قدم.

□ ص ـ استقامت.

□ ض ـ استطاعت.

□ ط ـ اصطناعت.

□ ظ ـ استقلال [دربرابر استکثار].

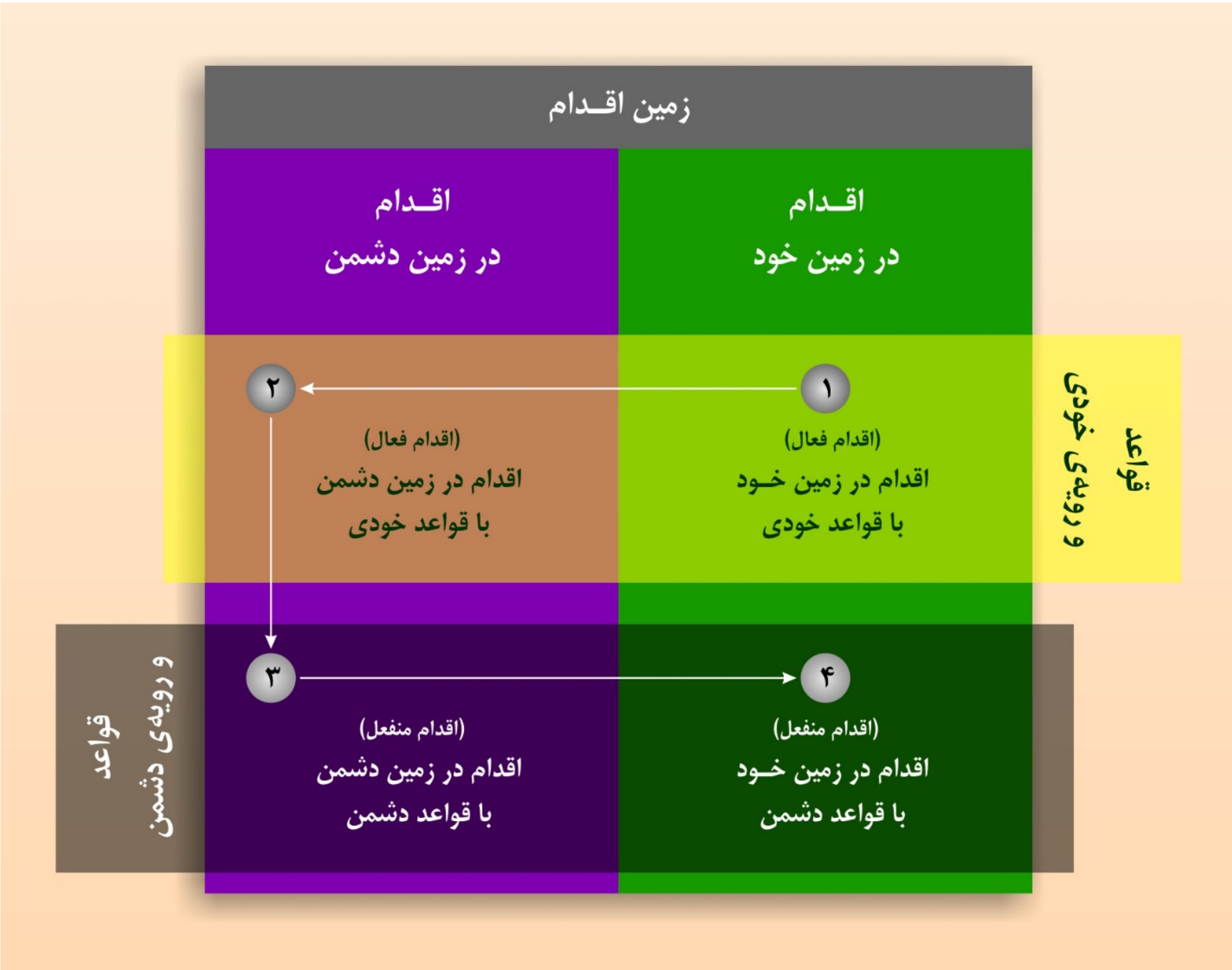
□ ع ـ بهره‌برداری از موفقیت.

□ غ ـ استفاده‌ی بهینه (یا بهره‌وری مطلوب) از قوا.

□ ۲) ـ دکترین و استراتژی

□ الف ـ دکترین

دکترین اقدام نامتقارن.



دکترین اقدام نامتقارن

□ ب ـ استراتژی

بهره‌گیری از سیر جدالی (به‌ویژه در جدال احسن).

□ ۳) ـ عرصه‌سازی

□ **الف) ابتدا عرصه‌ی رسمی** (حوزه‌ی علمیه ـ سپاه پاسداران ـ نظام دانشگاهی ـ نظام آموزش‌وپرورش).

□ **ب) سپس عرصه‌ی عمومی** (از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد ـ سازمان تبلیغات اسلامی ـ سازمان صدا و سیما ـ نیروی مقاومت بسیج ـ و فضای سایبر).

□ ۴) ـ مانور

□ الف) ارضایی

مؤمنین و مسلمین، تحریک و تحریص و ترغیب به حفاظت از ایمان به آخرت گردند.

□ ب) اقناعی

مؤمنین عموماً و غیر مؤمنین خصوصاً، نسبت به ایمان به آخرت اقناع شوند.

□ ۵) ـ قول ثابت

□ الف) قرآن مجید

□ ب) احادیث و روایات چهارده معصوم(ع)

□ ج) تدابیر و کلام امامین خمینی(ره) و خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

□ ۶) ـ اطلاعات

رصد لحظه‌به‌لحظه و همه‌جانبه‌ی دشمن، حریف و رقیب در حوزه‌ی حملات آنان به آخرت، و «ایمان به آخرت» و تلاش برای القاء «کفر به آخرت».

□ ۷) ـ سازمان برای نبرد نرم

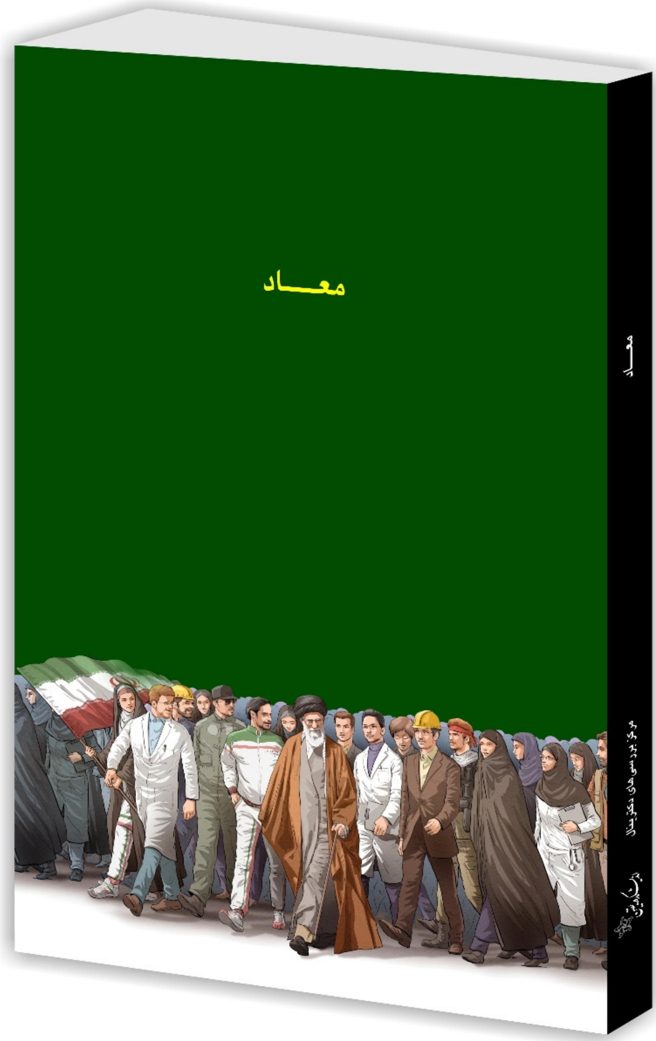
□ بنیاد ایمان به آخرت (بنیاد معاد)

این بنیاد، یک نهاد اندیشه‌ای ـ اشاعه‌ای ـ انگیزه‌ای (علمی، فرهنگی، هنری و آموزشی) است که بر محور ایمان به آخرت سازماندهی می‌شود:

□ الف) وجه علمی

تبیین علمی آخرت، و تولید علم بر مدار آن، و آماده‌سازی متون برای تدریس در محافل دانشگاهی.

بنیاد معاد، در گام نخست، دایرةالمعارف «معاد» را تبیین و تهیه و تدارک می‌نماید.



□ ب) وجه آموزشی

آموزش عمومی و تخصصی آموزه‌های مربوط به آخرت در سطوح مختلف به کودکان و نوجوانان، در نسبت با آموزش و پرورش.

□ پ) وجه هنری

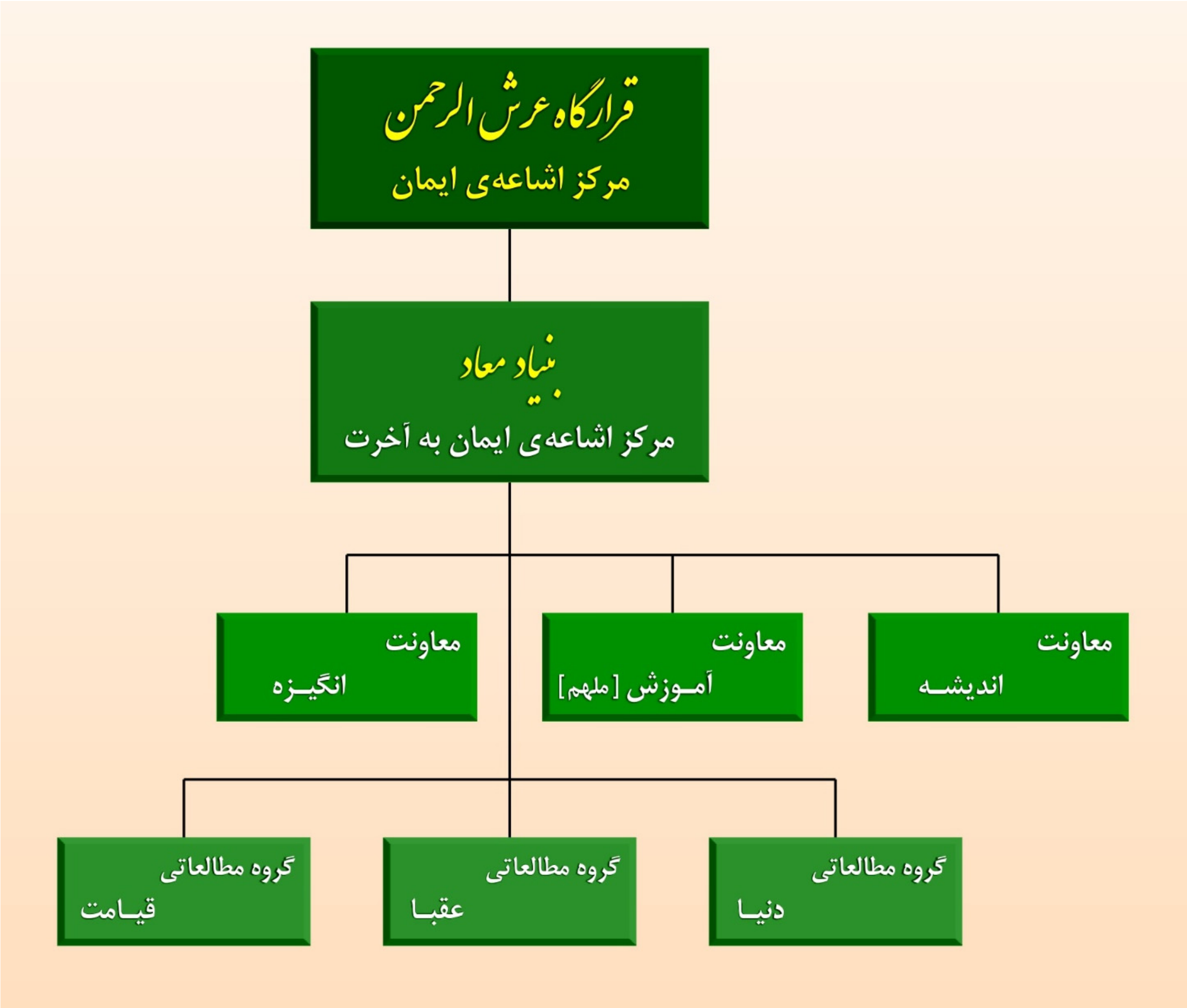
تهیه‌ی فیلم‌های سینمایی، سریال‌های تلویزیونی، بازی‌های کامپیوتری و ... در معرفی آخرت، توسط مؤسسات هنری، در نسبت با وزارت فرهنگ و ارشاد، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان صدا و سیما، و سپاه پاسداران.

□ ت) وجه فرهنگی

فعالیت رسانه‌ای، مطبوعاتی، و نشر مکتوب؛ فرهنگ‌سازی نوبه‌ای و تقویمی؛ در معرفی آخرت، در نسبت با مجموعه‌ی نهادهای فرهنگی.

□ ث) ساختار

بنیاد ایمان به آخرت (بنیاد معاد) دارای سه معاونت اندیشه، انگیزه و آموزش بوده، و از سه گروه مطالعاتی «دنیا [دانئَت]»، «عقبا [عاقبت]» و «قیامت» برخوردار است.



□ ۸) ـ دستور هماهنگی

بنیاد «ایمان به آخرت»، به‌عنوان نهاد مقدم در اشاعه‌ی «ایمان به آخرت»، لزوماً بایستی در فعالیت‌های خود، از مجتهدین واجد شرایط، حکما، مفسرین قرآن عظیم، محدّثین، مورّخین و دانشمندان این حوزه، بهره بگیرد.

۴ ـ پشتیبانی و خدمات نبرد نرم

پشتیبانی اداری ـ مالی و آمادی، به طور مشخص به عهده‌ی قرارگاه عرش‌الرّحمن (مرکز اشاعه‌ی ایمان) است. اما در شرایط مقتضی، از ظرفیت کلیه‌ی نهادهای فرهنگی ـ علمی ـ آموزشی ـ رسانه‌ای و هنری کشور می‌توان استفاده کرد.

۵ ـ هدایت و مدیریت، و ارتباطات

□ **الف ـ هدایت و مدیریت**

هدایت و مدیریت در عملیات «صیانت از آخرت» و «اشاعه‌ی ایمان به آخرت» از نظام فرماندهی منفصل بهره می‌برد [نه از سیستم فرماندهی یک‌پارچه و متصل]. لذا بنیاد ایمان به آخرت، سبک و چابک است. فرماندهی مزبور، عملیات خود را در دو حوزه مدیریت می‌کند:

□ **۱) ارضایی**

مدیریت بر حب و بغض گروه هدف، شامل زدودن «بغض» به آخرت و ایجاد «حب» به آخرت.

□ **۲) اقناعی**

مدیریت بر شک و یقین گروه هدف، شامل زدودن «شک» به آخرت، و ایجاد و تثبیت «یقین» به آخرت.

□ **ب ـ ارتباطات**

چون نظام هدایت و مدیریت در عملیات اشاعه‌ی ایمان به آخرت، منفصل و غیر سلسله‌مراتبی است، لذا شبکه‌ی ارتباطات نیز، شبکه‌ی متصل نبوده و منفصل است. ازاین‌رو، ارتباطات به صورت اقتضایی و موردی [و کارکردی] صورت می‌گیرد و در نتیجه سیال است.

اَلَیس الصّبحُ بِقَریب

فصل چهارم

بازی جنگ

قرارگاه اسفل‌السّافلین

بازی جنگ

در تقابل

جنود عقل و جهل

و ایمان و کفر

مرکز اشاعه‌ی ایمان در مجموعه‌ی قرارگاهی عرش‌الرّحمن، در خلاء به اشاعه‌ی ایمان نمی‌پردازد؛ چون ناتوی فرهنگی با قرارگاه صوری اسفل‌السّافلین، به اشاعه‌ی بی‌امان کفر مشغول است.

مرکز جهانی اشاعه‌ی کفر در هر هفت متعلّق ایمان، به جنگ مؤمنین آمده است و مجدّانه می‌کوشد که اولاً «**وَ صَدُّوا عَنْ سَبیلِ اللّٰهِ**» کند، و ثانیاً به وعده‌ی احتناک ذرّیّه‌ی آدم(ع) توسط ابلیس، عمل کند:

۱) بنیاد عین ـ مرکز اشاعه‌ی ایمان به تعیّنات، و کفر به غیب.

۲) بنیاد ابلیس ـ مرکز اشاعه‌ی ایمان به شیاطین، و کفر به ملائکه.

۳) بنیاد غرور ـ مرکز اشاعه‌ی ایمان به وحی شیطانی، و کفر به وحی الهی و کتاب‌الله.

۴) بنیاد سقراط ـ مرکز اشاعه‌ی ایمان به فلاسفه، و کفر به انبیاء(ع).

۵) بنیاد ژوئیسانس ـ مرکز اشاعه‌ی ایمان به هوی نفس، و کفر به الله(جلّ جلاله).

۶) بنیاد آرخه ـ مرکز اشاعه‌ی ایمان به سَمبُل‌ها، و کفر به آیت‌های الهی.

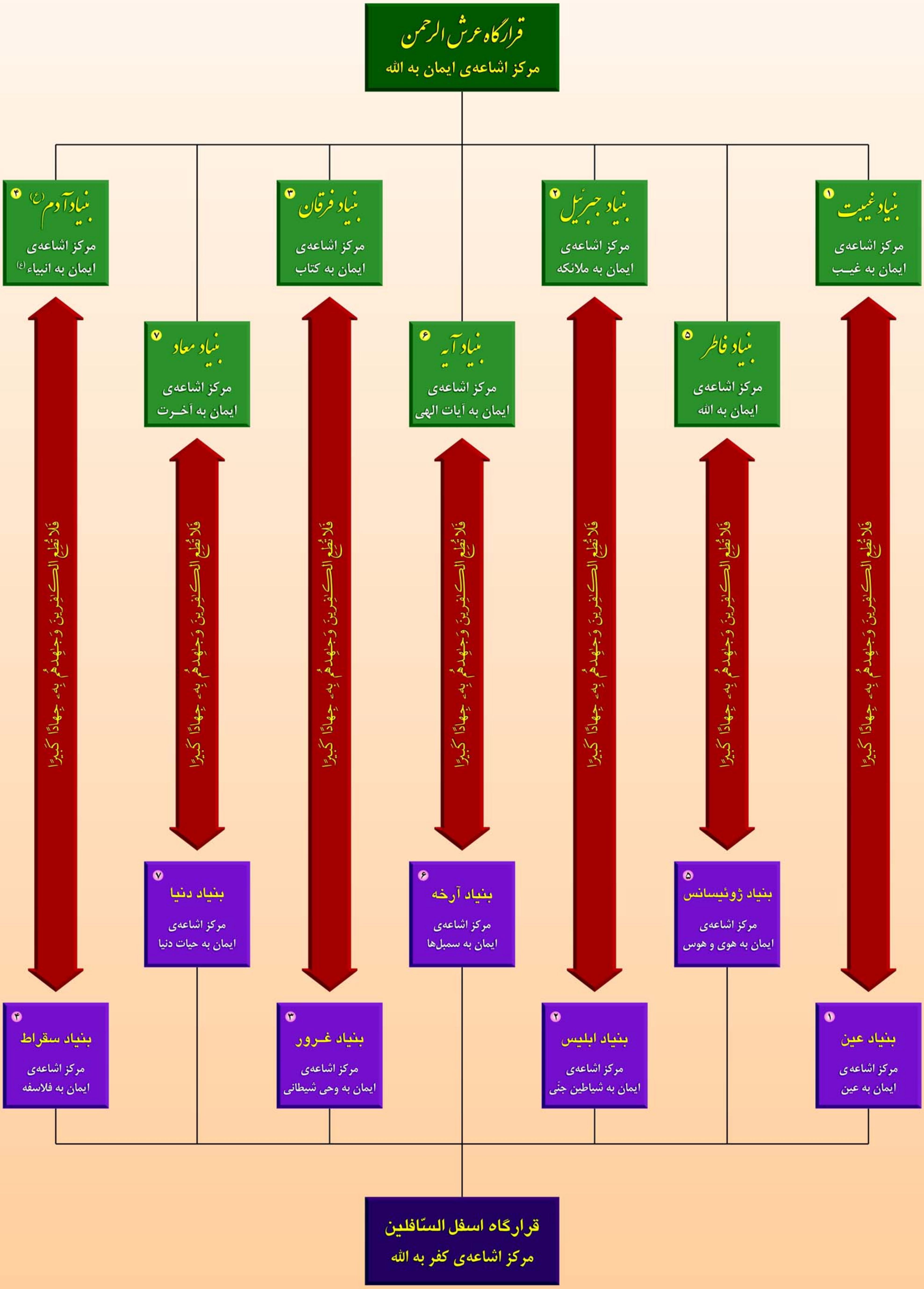
۷) بنیاد دنیا ـ مرکز اشاعه‌ی ایمان به حیات دنیوی *American lifestyle* ، و کفر به آخرت و عقبا.

* * * * *


دکترین کبیر ابلیس؛ اشاعه‌ی کفر به غیب، مَلَک، وحی و کتاب، انبیاء(ع)، الله(جلّ‌جلاله)، آیت‌ها، و معاد و آخرت است، و این دکترین در تقابل با دکترین کبیر انقلاب اسلامی در اشاعه‌ی ایمان است.

از تقابل دکترین کبیر ابلیس، و دکترین کبیر انقلاب اسلامی، یک جنگ آخرالزّمانی پدید آمده است، که یک سوی آن کفر و شر و جهل و جور و ظلم و ظلمات و شقاوت است، و در سوی دیگر این جبهه؛ حق و ایمان و خیر و عقل و عدل و قسط و نور و سعادت ایستاده‌اند.


تبعاً بدون راندن جبهه‌ی جهل و کفر، و هدم و نابودی آن، امکان تحقق عقل و ایمان جامع در جامعه‌ی آدمیان پدید نمی‌آید.


قرارگاه عرش الرحمن
مرکز اشاعه‌ی ایمان به الله
۱ بنیاد غیبت
مرکز اشاعه‌ی ایمان به غیب
۲ بنیاد جبرئیل
مرکز اشاعه‌ی ایمان به ملائکه
۳ بنیاد فرقان
مرکز اشاعه‌ی ایمان به کتاب
۴ بنیاد آدم(ع)
مرکز اشاعه‌ی ایمان به انبیاء(ع)
۵ بنیاد فاطر
مرکز اشاعه‌ی ایمان به الله
۶ بنیاد آیه
مرکز اشاعه‌ی ایمان به آیات الهی
۷ بنیاد معاد
مرکز اشاعه‌ی ایمان به آخرت
فَلا تُطِعِ الْکافِرینَ وَ جاهِدْهُمْ بِهِ جِهاداً کَبیراً
فَلا تُطِعِ الْکافِرینَ وَ جاهِدْهُمْ بِهِ جِهاداً کَبیراً
فَلا تُطِعِ الْکافِرینَ وَ جاهِدْهُمْ بِهِ جِهاداً کَبیراً
فَلا تُطِعِ الْکافِرینَ وَ جاهِدْهُمْ بِهِ جِهاداً کَبیراً
فَلا تُطِعِ الْکافِرینَ وَ جاهِدْهُمْ بِهِ جِهاداً کَبیراً
فَلا تُطِعِ الْکافِرینَ وَ جاهِدْهُمْ بِهِ جِهاداً کَبیراً
فَلا تُطِعِ الْکافِرینَ وَ جاهِدْهُمْ بِهِ جِهاداً کَبیراً
۵ بنیاد ژوئیسانس
مرکز اشاعه‌ی ایمان به هوی و هوس
۶ بنیاد آرخه
مرکز اشاعه‌ی ایمان به سمبل‌ها
۷ بنیاد دنیا
مرکز اشاعه‌ی ایمان به حیات دنیا
۱ بنیاد عین
مرکز اشاعه‌ی ایمان به عین
۲ بنیاد ابلیس
مرکز اشاعه‌ی ایمان به شیاطین جنی
۳ بنیاد غرور
مرکز اشاعه‌ی ایمان به وحی شیطانی
۴ بنیاد سقراط
مرکز اشاعه‌ی ایمان به فلاسفه
قرارگاه اسفل السّافلین
مرکز اشاعه‌ی کفر به الله

جنگ ناتمام
در روند احتناک ذرّیّه‌ی آدم[ع]



جنگ ناتمام


باطل
شجره ملعونه (خبیثه)
سیر جدالی
جنگ‌ها
حق
شجره سلامه (طیبه)
تاریخ هجری قمری
ابوسفیان
ابولهب - ابوجهل
معاویه
یزید
معاویة بن یزید
مروان بن الحکم
عبدالملک
ناکثین
قاسطین
مارقین
بدر
احد
خندق
جمل
صفین
نهروان
ساباط
کربلا
نهضت توابین
قیام مختار
حضرت محمد ص
امام علی ع
شیعه
اهل سنت
امام حسن ع
امام حسین ع

فصل پنجم

تکالیف مؤمنین

یا ایّها الذین آمنوا

دستورالعمل زیست مؤمنان در قرآن کریم

ترکیب مفهومی «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا» - ۸۹ آیه [۸۹ بار]

البقرة : ١٠٤ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَقُولُوا راعِنا وَ قُولُوا انْظُرْنا وَ اسْمَعُوا وَ لِلْکافِرینَ عَذابٌ أَلیمٌ

البقرة : ١٥٣ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اسْتَعینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرینَ

البقرة : ١٧٢ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا کُلُوا مِنْ طَیِّباتِ ما رَزَقْناکُمْ وَ اشْکُرُوا لِلَّهِ إِنْ کُنْتُمْ إِیَّاهُ تَعْبُدُونَ

البقرة : ١٧٨ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِصاصُ فِی الْقَتْلی الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَ الْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الْأُنْثی بِالْأُنْثی فَمَنْ عُفِیَ لَهُ مِنْ أَخیهِ شَیْءٌ فَاتِّباعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَداءٌ إِلَیْهِ بِإِحْسانٍ ذلِکَ تَخْفیفٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ رَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدی بَعْدَ ذلِکَ فَلَهُ عَذابٌ أَلیمٌ

البقرة : ١٨٣ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيامُ كَما كُتِبَ عَلَى الَّذينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

البقرة : ٢٠٨ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبينٌ

البقرة : ٢٥٤ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْناكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لا بَيْعٌ فيهِ وَ لا خُلَّةٌ وَ لا شَفاعَةٌ وَ الْكافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ

البقرة : ٢٦٤ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تُبْطِلُوا صَدَقاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذى كَالَّذي يُنْفِقُ مالَهُ رِئاءَ النَّاسِ وَ لا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوانٍ عَلَيْهِ تُرابٌ فَأَصابَهُ وابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْداً لا يَقْدِرُونَ عَلى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكافِرينَ

البقرة : ٢٦٧ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّباتِ ما كَسَبْتُمْ وَ مِمَّا أَخْرَجْنا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ لا تَيَمَّمُوا الْخَبيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَ لَسْتُمْ بِآخِذيهِ إِلاَّ أَنْ تُغْمِضُوا فيهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَميدٌ

البقرة : ٢٧٨ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا ما بَقِيَ مِنَ الرِّبا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنينَ

البقرة : ٢٨٢ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا تَدايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلى أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَ لْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَ لا يَأْبَ كاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَما عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَ لْيُمْلِلِ الَّذي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَ لْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَ لا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئاً فَإِنْ كانَ الَّذي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفيهاً أَوْ ضَعيفاً أَوْ لا يَسْتَطيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَ اسْتَشْهِدُوا شَهيدَيْنِ مِنْ رِجالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَداءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْداهُما فَتُذَكِّرَ إِحْداهُمَا الْأُخْرى وَ لا يَأْبَ الشُّهَداءُ إِذا ما دُعُوا وَ لا تَسْئَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغيراً أَوْ كَبيراً إِلى أَجَلِهِ ذلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَقْوَمُ لِلشَّهادَةِ وَ أَدْنى أَلاَّ تَرْتابُوا إِلاَّ أَنْ تَكُونَ تِجارَةً حاضِرَةً تُديرُونَها بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُناحٌ أَلاَّ تَكْتُبُوها وَ أَشْهِدُوا إِذا تَبايَعْتُمْ وَ لا يُضَارَّ كاتِبٌ وَ لا شَهيدٌ وَ إِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَليمٌ

آل‌عمران : ١٠٠ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنْ تُطيعُوا فَريقاً مِنَ الَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إيمانِكُمْ كافِرينَ

آل‌عمران : ١٠٢ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقاتِهِ وَ لا تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

آل‌عمران : ١١٨ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا بِطانَةً مِنْ دُونِكُمْ لا يَأْلُونَكُمْ خَبالاً وَدُّوا ما عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضاءُ مِنْ أَفْواهِهِمْ وَ ما تُخْفي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآياتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ

آل‌عمران : ١٣٠ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَأْكُلُوا الرِّبَوا أَضْعافاً مُضاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

آل‌عمران : ١٤٩ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنْ تُطيعُوا الَّذينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلى أَعْقابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خاسِرينَ

آل‌عمران : ١٥٦ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَكُونُوا كَالَّذينَ كَفَرُوا وَ قالُوا لِإِخْوانِهِمْ إِذا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كانُوا غُزًّى لَوْ كانُوا عِنْدَنا ما ماتُوا وَ ما قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذلِكَ حَسْرَةً في قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ يُحْيي وَ يُميتُ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصيرٌ

آل‌عمران : ٢٠٠ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

النساء : ١٩ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّساءَ كَرْهاً وَ لا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ ما آتَيْتُمُوهُنَّ إِلاَّ أَنْ يَأْتينَ بِفاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَ عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فيهِ خَيْراً كَثيراً

النساء : ٢٩ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَأْكُلُوا أَمْوالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْباطِلِ إِلاَّ أَنْ تَكُونَ تِجارَةً عَنْ تَراضٍ مِنْكُمْ وَ لا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كانَ بِكُمْ رَحيماً

النساء : ٤٣ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَقْرَبُوا الصَّلاةَ وَ أَنْتُمْ سُكارى حَتَّى تَعْلَمُوا ما تَقُولُونَ وَ لا جُنُباً إِلاَّ عابِري سَبيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرْضى أَوْ عَلى سَفَرٍ أَوْ جاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغائِطِ أَوْ لامَسْتُمُ النِّساءَ فَلَمْ تَجِدُوا ماءً فَتَيَمَّمُوا صَعيداً طَيِّباً فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَ أَيْديكُمْ إِنَّ اللَّهَ كانَ عَفُوًّا غَفُوراً

النساء : ٥٩ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا أَطيعُوا اللَّهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنازَعْتُمْ في شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْويلاً

النساء : ٧١ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُباتٍ أَوِ انْفِرُوا جَميعاً

النساء : ٩٤ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا ضَرَبْتُمْ في سَبيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَ لا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقى إِلَيْكُمُ السَّلامَ لَسْتَ مُؤْمِناً تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَياةِ الدُّنْيا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغانِمُ كَثيرَةٌ كَذلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبيراً

النساء : ١٣٥ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقيراً فَاللَّهُ أَوْلى بِهِما فَلا تَتَّبِعُوا الْهَوى أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبيراً

النساء : ١٣٦ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْكِتابِ الَّذي نَزَّلَ عَلى رَسُولِهِ وَ الْكِتابِ الَّذي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً بَعيداً

النساء : ١٤٤ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الْكافِرينَ أَوْلِياءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنينَ أَ تُريدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطاناً مُبيناً

المائدة : ١ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهيمَةُ الْأَنْعامِ إِلاَّ ما يُتْلى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَ أَنْتُمْ حُرُمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ ما يُريدُ

المائدة : ٢ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تُحِلُّوا شَعائِرَ اللَّهِ وَ لاَ الشَّهْرَ الْحَرامَ وَ لاَ الْهَدْيَ وَ لاَ الْقَلائِدَ وَ لاَ آمِّينَ الْبَيْتَ الْحَرامَ يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنْ رَبِّهِمْ وَ رِضْواناً وَ إِذا حَلَلْتُمْ فَاصْطادُوا وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَ تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوى وَ لا تَعاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَديدُ الْعِقابِ

المائدة : ٦ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَ إِنْ كُنْتُمْ جُنُباً فَاطَّهَّرُوا وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرْضى أَوْ عَلى سَفَرٍ أَوْ جاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغائِطِ أَوْ لامَسْتُمُ النِّساءَ فَلَمْ تَجِدُوا ماءً فَتَيَمَّمُوا صَعيداً طَيِّباً فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَ أَيْديكُمْ مِنْهُ ما يُريدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لكِنْ يُريدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

المائدة : ٨ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى أَلاَّ تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبيرٌ بِما تَعْمَلُونَ

المائدة : ١١ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

المائدة : ٣٥ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسيلَةَ وَ جاهِدُوا في سَبيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

المائدة : ٥١ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصارى أَوْلِياءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمينَ

المائدة : ٥٤ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرينَ يُجاهِدُونَ في سَبيلِ اللَّهِ وَ لا يَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ ذلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتيهِ مَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَليمٌ

المائدة : ٥٧ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الَّذينَ اتَّخَذُوا دينَكُمْ هُزُواً وَ لَعِباً مِنَ الَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِياءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنينَ

المائدة : ٨٧ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تُحَرِّمُوا طَيِّباتِ ما أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدينَ

المائدة : ٩٠ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصابُ وَ الْأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

المائدة : ٩٤ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصَّيْدِ تَنالُهُ أَيْديكُمْ وَ رِماحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدى بَعْدَ ذلِكَ فَلَهُ عَذابٌ أَليمٌ

المائدة : ٩٥ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَ أَنْتُمْ حُرُمٌ وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّداً فَجَزاءٌ مِثْلُ ما قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْياً بالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعامُ مَساكينَ أَوْ عَدْلُ ذلِكَ صِياماً لِيَذُوقَ وَبالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَ مَنْ عادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَ اللَّهُ عَزيزٌ ذُو انْتِقامٍ

المائدة : ١٠١ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَسْئَلُوا عَنْ أَشْياءَ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَ إِنْ تَسْئَلُوا عَنْها حينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْها وَ اللَّهُ غَفُورٌ حَليمٌ

المائدة : ١٠٥ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَميعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

المائدة : ١٠٦ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا شَهادَةُ بَيْنِكُمْ إِذا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حينَ الْوَصِيَّةِ اثْنانِ ذَوا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصابَتْكُمْ مُصيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُما مِنْ بَعْدِ الصَّلاةِ فَيُقْسِمانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لا نَشْتَري بِهِ ثَمَناً وَ لَوْ كانَ ذا قُرْبى وَ لا نَكْتُمُ شَهادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذاً لَمِنَ الْآثِمينَ

الأنفال : ١٥ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا لَقيتُمُ الَّذينَ كَفَرُوا زَحْفاً فَلا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبارَ

الأنفال : ٢٠ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا أَطيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ

الأنفال : ٢٤ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اسْتَجيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذا دَعاكُمْ لِما يُحْييكُمْ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَ أَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

الأنفال : ٢٧ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَماناتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

الأنفال : ٢٩ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقاناً وَ يُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئاتِكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظيمِ

الأنفال : ٤٥ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا لَقيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثيراً لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

التوبة : ٢٣ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا آباءَكُمْ وَ إِخْوانَكُمْ أَوْلِياءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإيمانِ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

التوبة : ٢٨ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرامَ بَعْدَ عامِهِمْ هذا وَ إِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شاءَ إِنَّ اللَّهَ عَليمٌ حَكيمٌ

التوبة : ٣٤ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنَّ كَثيراً مِنَ الْأَحْبارِ وَ الرُّهْبانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوالَ النَّاسِ بِالْباطِلِ وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبيلِ اللَّهِ وَ الَّذينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لا يُنْفِقُونَها في سَبيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَليمٍ

التوبة : ٣٨ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا ما لَكُمْ إِذا قيلَ لَكُمُ انْفِرُوا في سَبيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَ رَضيتُمْ بِالْحَياةِ الدُّنْيا مِنَ الْآخِرَةِ فَما مَتاعُ الْحَياةِ الدُّنْيا فِي الْآخِرَةِ إِلاَّ قَليلٌ

التوبة : ١١٩ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقينَ

التوبة : ١٢٣ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا قاتِلُوا الَّذينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَ لْيَجِدُوا فيكُمْ غِلْظَةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقينَ

الحج : ٧٧ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

النور : ٢١ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ ما زَكى مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَداً وَ لكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ سَميعٌ عَليمٌ

النور : ٢٧ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُيُوتاً غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَ تُسَلِّمُوا عَلى أَهْلِها ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

النور : ٥٨ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنْكُمُ الَّذينَ مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ وَ الَّذينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلاةِ الْفَجْرِ وَ حينَ تَضَعُونَ ثِيابَكُمْ مِنَ الظَّهيرَةِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلاةِ الْعِشاءِ ثَلاثُ عَوْراتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لا عَلَيْهِمْ جُناحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلى بَعْضٍ كَذلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآياتِ وَ اللَّهُ عَليمٌ حَكيمٌ

الأحزاب : ٩ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنا عَلَيْهِمْ ريحاً وَ جُنُوداً لَمْ تَرَوْها وَ كانَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصيراً

الأحزاب : ٤١ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْراً كَثيراً

الأحزاب : ٤٩ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِناتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ فَما لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونَها فَمَتِّعُوهُنَّ وَ سَرِّحُوهُنَّ سَراحاً جَميلاً

الأحزاب : ٥٣ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلاَّ أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلى طَعامٍ غَيْرَ ناظِرينَ إِناهُ وَ لكِنْ إِذا دُعيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَ لا مُسْتَأْنِسينَ لِحَديثٍ إِنَّ ذلِكُمْ كانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيي مِنْكُمْ وَ اللَّهُ لا يَسْتَحْيي مِنَ الْحَقِّ وَ إِذا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتاعاً فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَراءِ حِجابٍ ذلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ وَ ما كانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ لا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْواجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَداً إِنَّ ذلِكُمْ كانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظيماً

الأحزاب : ٥٦ إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْليماً

الأحزاب : ٦٩ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَكُونُوا كَالَّذينَ آذَوْا مُوسى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قالُوا وَ كانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجيهاً

الأحزاب : ٧٠ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلاً سَديداً

محمد : ٧ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدامَكُمْ

محمد : ٣٣ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا أَطيعُوا اللَّهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ وَ لا تُبْطِلُوا أَعْمالَكُمْ

الحجرات : ١ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَميعٌ عَليمٌ

الحجرات : ٢ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَرْفَعُوا أَصْواتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَ لا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمالُكُمْ وَ أَنْتُمْ لا تَشْعُرُونَ

الحجرات : ٦ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنْ جاءَكُمْ فاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصيبُوا قَوْماً بِجَهالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلى ما فَعَلْتُمْ نادِمينَ

الحجرات : ١١ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسى أَنْ يَكُونُوا خَيْراً مِنْهُمْ وَ لا نِساءٌ مِنْ نِساءٍ عَسى أَنْ يَكُنَّ خَيْراً مِنْهُنَّ وَ لا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لا تَنابَزُوا بِالْأَلْقابِ بِئْسَ الاِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإيمانِ وَ مَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

الحجرات : ١٢ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثيراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لا تَجَسَّسُوا وَ لا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضاً أَ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخيهِ مَيْتاً فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحيمٌ

الحديد : ٢٨ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحيمٌ

المجادلة : ٩ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا تَناجَيْتُمْ فَلا تَتَناجَوْا بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ مَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَ تَناجَوْا بِالْبِرِّ وَ التَّقْوى وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

المجادلة : ١١ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا قيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَ إِذا قيلَ انْشُزُوا فَانْشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجاتٍ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبيرٌ

المجادلة : ١٢ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا ناجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْواكُمْ صَدَقَةً ذلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ أَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحيمٌ

الحشر : ١٨ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ ما قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبيرٌ بِما تَعْمَلُونَ

الممتحنة : ١ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِياءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَ قَدْ كَفَرُوا بِما جاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَ إِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهاداً في سَبيلي وَ ابْتِغاءَ مَرْضاتي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَ أَنَا أَعْلَمُ بِما أَخْفَيْتُمْ وَ ما أَعْلَنْتُمْ وَ مَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ السَّبيلِ

الممتحنة : ١٠ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا جاءَكُمُ الْمُؤْمِناتُ مُهاجِراتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإيمانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِناتٍ فَلا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَ لا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَ آتُوهُمْ ما أَنْفَقُوا وَ لا جُناحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَ لا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوافِرِ وَ سْئَلُوا ما أَنْفَقْتُمْ وَ لْيَسْئَلُوا ما أَنْفَقُوا ذلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهُ عَليمٌ حَكيمٌ

الممتحنة : ١٣ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَما يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحابِ الْقُبُورِ

الصف : ٢ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُونَ

الصف : ١٠ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلى تِجارَةٍ تُنْجيكُمْ مِنْ عَذابٍ أَليمٍ

الصف : ١٤ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصارَ اللَّهِ كَما قالَ عيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوارِيِّينَ مَنْ أَنْصاري إِلَى اللَّهِ قالَ الْحَوارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصارُ اللَّهِ فَآمَنَتْ طائِفَةٌ مِنْ بَني إِسْرائيلَ وَ كَفَرَتْ طائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذينَ آمَنُوا عَلى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظاهِرينَ

الجمعة : ٩ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا نُودِيَ لِلصَّلاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلى ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

المنافقون : ٩ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تُلْهِكُمْ أَمْوالُكُمْ وَ لا أَوْلادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ الْخاسِرُونَ

التغابن : ١٤ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْواجِكُمْ وَ أَوْلادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَ إِنْ تَعْفُوا وَ تَصْفَحُوا وَ تَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحيمٌ

التحريم : ٦ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ ناراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجارَةُ عَلَيْها مَلائِكَةٌ غِلاظٌ شِدادٌ لا يَعْصُونَ اللَّهَ ما أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ ما يُؤْمَرُونَ

التحريم : ٨ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحاً عَسى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْري مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ يَوْمَ لا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَ الَّذينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعى بَيْنَ أَيْديهِمْ وَ بِأَيْمانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنا أَتْمِمْ لَنا نُورَنا وَ اغْفِرْ لَنا إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ

فصل ششم

حکمرانی ایمان‌پایه

تغییر در ماهیت نظام

روندهای انقلاب اسلامی

۱ ـ روندهای بنیادی

Fundamental Trend

[Ideologic & Doctrinal Trends]

۲ ـ ابر روندها

Super Trend

[Strategic Trends]

۳ ـ روندهای کلان

Macro Trend

[Operational Trends]

۴ ـ روندهای خرد

Micro Trend

[Tactical Trends]

۵ ـ روندهای ریز

Nano Trend

[Technical Trends]

راهنمای روندهای انقلاب اسلامی

حکمرانی ایمان‌پایه

با

نظام‌سازی ایمان‌مدار

روند ۱ حکمرانی «ایمان‌پایه» با نظام‌سازی «ایمان‌مدار»

حکمرانی بر چه پایه‌ای است؟ نظامات درون حکومت بر چه مداری استوار هستند؟ این پرسش‌های بنیادین، در جامعه‌ی اسلامی، یک پاسخ کلّی دارند: «**حکمرانی ایمان‌پایه مبتنی‌بر نظام‌سازی ایمان‌مدار**».

نظام‌سازی ایمان‌مدار، تلاشی قرآن‌مبناست، برای ساخت نظامات در جمهوری اسلامی، مبتنی‌بر قواعد فقهی قرآنی. اذعان به این نقیصه، ضروری است که امروزه هیچ‌یک از «زیرنظام»های جمهوری اسلامی، قرآنی نیست و درنتیجه نمی‌توان از آن‌ها انتظار ظهور و بروز ایمانی داشت، و این نظامات [مانند بانک و بورس و آکادمی و ...] نه‌تنها مقوّم ایمان قرآنی نیستند؛ بلکه دقیقاً در نقطه‌ی مقابل آن قرار داشته و از عوامل اصلی فرسایش سرمایه‌ی ایمان در جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند.

امنیتِ ایمان‌پایه، دفاعِ ایمان‌پایه، سلامت ایمان‌پایه، تعلیم و تربیت [اصطناعت] ایمان‌پایه، ارتزاق و اکتساب [بیع و شراء] ایمان‌پایه، سیاست [ولایت] ایمان‌پایه، علم [حکمت] ایمان‌پایه، و ...، ده‌ها زیرنظام در جمهوری اسلامی هستند که خلاء وجودی آن‌ها به آزار ملّی و عدم تحقق جامعه‌سازی ایمانی [و توحیدی] منجر شده است.

ازاین‌رو، برای تحقق حکمرانی ایمان‌پایه، روند نظام‌سازی ایمان‌مدار قرآنی، مبنای عمل مرکز اشاعه‌ی ایمان، در بخش اشاعه‌ی ایمان اداری [در نظامات] است. این نظامات در ۲۵ سال اخیر در اندیشکده‌ی یقین مطالعه شده‌اند و مقدمات طرح‌ریزی استراتژیک، و قدرریزی فقهی آن‌ها سرانجام یافته است.

روند ۱/۱ تبیین اعلامیه‌ی جهانی حق‌الله

در بازه‌ی برنامه‌ی هفتم پیشرفت، اعلامیه‌ی جهانی «حق خدا» مشتمل بر روندهای چهارگانه تبیین شده و سپس به گفتمان عمومی تبدیل شود:

روند ۱/۱/۱ حقّ خالق

روند ۱/۱/۲ حقّ خلقت

روند ۱/۱/۳ حقّ مخلوق

روند ۱/۱/۴ حقّ اشرف مخلوقات



دامنه‌ی حق خدا

روند ۲ تصنیع قرآنی نظامات

تغییر در ماهیت «امنیت» و «دفاع»

روند ۲/۱ امنیت و دفاع «ایمان‌پایه»

با ناکارآمدی تلقی رایج از امنیت کلاسیک [مسلحانه] و امنیت اجتماعی شده [باری بوزان ـ مکتب کپنهاک]، که منجر به وانهادن این مدل‌های امنیتی مدرن شد، الگوی قرآنی امنیت «ایمان‌پایه» جای‌گزین گردید [ستاد کل نیروهای مسلح، پاییز ۱۳۹۳]. تغییر در ماهیت امنیت، از مناسبات «نظامی و یا اجتماعی»، به مناسبات «انسان با الله»، و «مخلوق با خالق»، تحول عظیمی در علوم انسانی، به‌ویژه در علوم استراتژیک محسوب می‌شود.

روند ۲/۲ امنیت «ایمان‌پایه»

در تبیین دکترین امنیت، معیار قرآن کریم «ایمان» است.

الَّذینَ آمَنُوا وَ لَمْ یَلْبِسُوا إیمانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُون ... آیه ۸۲ انعام

«کسانی که ایمان آورده، و ایمان خود را به ظلم ملبّس نکنند، آنان در امنیت هستند، و هدایت می‌شوند.»

ازاین‌رو، متغیر امنیت یا ناامنی، در «ایمان یا کفر» است؛ و پیش‌شرط امنیت در جامعه‌ی اسلامی، «ایمان» است.

درواقع تعمیق ایمان، منجر به تعمیق امنیت شده، و نیل به کفر، موجب سلب امنیت و ایجاب «خوف» و «حزن» می‌گردد. لذا:

۱ ـ «امنیت»، مبتنی بر ایمان است. (دکترین امنیت)

۲ ـ «امنیت»، در برابر «خوف» است. (مؤمن و جامعه‌ی ایمانی، خوف و حزن نداشته باشند.)

۳ ـ مؤمن، حدود الهی را «حفظ» می‌کند. (دکترین حفاظت و پاسداری) ـ آیه‌ی ۱۱۲ توبه

۴ ـ مؤمن، صاحب «قلب سلیم» می‌شود. (دکترین سلامت)

۵ ـ مؤمن، مال و نفس خود را در «بیعت با خدا» به الله می‌فروشد. (دکترین بیع) ـ آیه‌ی ۱۱۱ توبه

۶ ـ مؤمن، با خدا «تجارت» می‌کند. (دکترین تجارت) ـ آیات ۱۰ تا ۱۳ صف

۷ ـ مؤمن، «استقامت» می‌کند.

۸ ـ مؤمن، «قوّام به قسط» است.

۹ ـ مؤمن، «تقوای الهی» می‌ورزد.

۱۰ ـ خدا در مؤمن، «فرقان» را جعل می‌کند. (دکترین فرقان)

۱۱ ـ خدا از مؤمن [و جامعه‌ی ایمانی] دفاع می‌کند. (دکترین دفاع)

إِنَّ اللَّهَ یُدافِعُ عَنِ الَّذینَ آمَنُوا ... آیه ۳۸ حج

«همانا الله دفاع می‌کند از کسانی که ایمان آورده‌اند.»

۱۲ ـ مؤمن، به فلاح می‌رسد.

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... آیه ۱ مؤمنون

پس اساس و ریشه‌ی «دکترین امنیتی ـ دفاعی» انقلاب اسلامی، در «ایمان» و در تلاش و جهاد برای «تعمیق ایمان» است.

عمق‌بخشی ایمان در جامعه

ایمان، به هفت متعلق، تعلق می‌گیرد، و تعمیق ایمان در جامعه، نیازمند نهاد متولی توانمندی است که بتواند این نیاز مهم را برآورده سازد. ازاین‌رو مرکز اشاعه‌ی ایمان، با هدف عمق‌بخشی ایمان در جامعه، باید در بازه‌ی برنامه‌ی هفتم تشکیل و محقق شود.

رونـــد ۲/۴ تغییر در ماهیت جهـاد ما

چرا جهاد ما در آستانه‌ی قرن جدید اسلام از سال ۱۴۰۰ به این‌سو، از «جهاد صغیر» به «جهاد کبیر» تغییر کرد؟ پاسخ روشن است. اگر در عصر اصالت دمای جنگ (۱۹۹۰ ـ ۱۹۴۵) هر دو قطب قدرت شرق و غرب می‌کوشیدند از طریق رقابت تسلیحاتی به عنوان «ابزار نزاع»، به «موازنه‌ی وحشت» و بازدارندگی برسند، اکنون در عصر اصالت صلابت جنگ (۲۰۲۰ ـ ۱۹۹۰) قطب هژمون و استیلاطلب (استکبار جهانی) می‌کوشد تا از طریق «فشار حداکثری» خود و هم‌پیمانانش، قطب مقابل [یعنی جمهوری اسلامی و محور مقاومت] را به «تطبیع» *Normalization* بکشاند. غافل از آن‌که «تطبیع به میل کفار» برای مؤمنین حرام است.


Secretary Pompeo
@SecPompeo
The U.S. has reimposed tough sanctions on #Iran's regime as part of our relentless pressure campaign to convince the regime to change its destructive behavior. Iran's regime has a choice: change its behavior and act like a normal country or watch the escalating pressure continue.
ترجمه توییت
ایالات متحده به عنوان بخشی از کمپین فشار بی امان ما برای متقاعد کردن رژیم برای تغییر رفتار مخرب خود، تحریم های سختی را علیه رژیم #Iran دوباره اعمال کرده است. رژیم ایران یک انتخاب دارد: رفتار خود را تغییر دهد و مانند یک کشور عادی رفتار کند یا شاهد ادامه تشدید فشارها باشد.
IRAN'S REGIME HAS A CHOICE:
Change its behavior and act like a normal country or watch the escalating pressure continue.
U.S. SECRETARY OF STATE MICHAEL R. POMPEO


Secretary Pompeo
@SecPompeo
On #Iran, our strategy is to develop a global consensus that simply asks the Iranian regime to do what we ask every other country to do, behave like a normal nation.
ترجمه توییت
در #Iran استراتژی ما ایجاد یک اجماع جهانی است که به سادگی از رژیم ایران می‌خواهد کاری را که ما از هر کشور دیگری می‌خواهیم انجام دهد، مانند یک ملت عادی رفتار کند.


Secretary Pompeo
@SecPompeo
The Iranian people will enjoy a better future when their government begins to respect basic human rights, abandons its revolutionary posture and its destabilizing activities in the region, and simply behaves like a normal nation. The choice is with the regime. #IranProtests
ترجمه توییت
مردم ایران زمانی از آینده بهتری برخوردار خواهند شد که دولت آنها شروع به احترام به حقوق اولیه بشر کند، موضع انقلابی و فعالیت های بی ثبات کننده خود را در منطقه کنار بگذارد و به سادگی مانند یک ملت عادی رفتار کند. انتخاب با رژیم است.
#IranProtests


Secretary Pompeo
@SecPompeo
The Iranian regime must fundamentally change its behavior and act like a normal nation. Or it can watch its economy collapse.
ترجمه توییت
رژیم ایران باید اساساً رفتار خود را تغییر دهد و مانند یک ملت عادی رفتار کند. یا می تواند شاهد فروپاشی اقتصاد خود باشد.



Secretary Pompeo
@SecPompeo
The Iranian regime is fixated on a hateful, bankrupt ideology. While the leaders of normal nations promote the prosperity of their people, the current regime promotes division and anti-Semitism. Iranians deserve better.
ترجمه توییت
رژیم ایران بر یک ایدئولوژی نفرت انگیز و ورشکسته متمرکز شده است. در حالی که رهبران کشورهای عادی رفاه مردم خود را تبلیغ می کنند، رژیم کنونی تفرقه و یهودستیزی را ترویج می کند. ایرانی ها لایق بهتری هستند.

Secretary Pompeo
@SecPompeo
We don't want #Iran to get a nuclear weapon. We withdrew from the #JCPOA and are moving ourselves towards a set of policies which will convince Iran to behave like a normal nation.
ترجمه توییت
ما نمی خواهیم #Iran به سلاح هسته ای دست پیدا کنیم. ما از #JCPOA عقب نشینی کردیم و به سمت مجموعه ای از سیاست ها حرکت می کنیم که ایران را متقاعد می کند که مانند یک ملت عادی رفتار کند.
JUNE 16, 2019

Secretary Pompeo
@SecPompeo
It's not a pipe dream to ask the #Iranian leadership to behave like a normal, responsible country. Our asks are simple.
ترجمه توییت
این یک رویا نیست که از رهبری #Iranian بخواهیم مانند یک کشور عادی و مسئول رفتار کند. درخواست های ما ساده است.

Secretary Pompeo
@SecPompeo
Good diplomacy means setting clear expectations of friends and enemies alike. All we're asking is for Iran to behave like a normal nation. go.usa.gov/xAPMZ
ترجمه توییت
دیپلماسی خوب به معنای ایجاد انتظارات روشن از دوستان و دشمنان است. تنها چیزی که ما می‌خواهیم این است که ایران مانند یک ملت عادی رفتار کند.



حضرت الله جلّ‌جلاله به حضرت محمد(ص) فرمود:

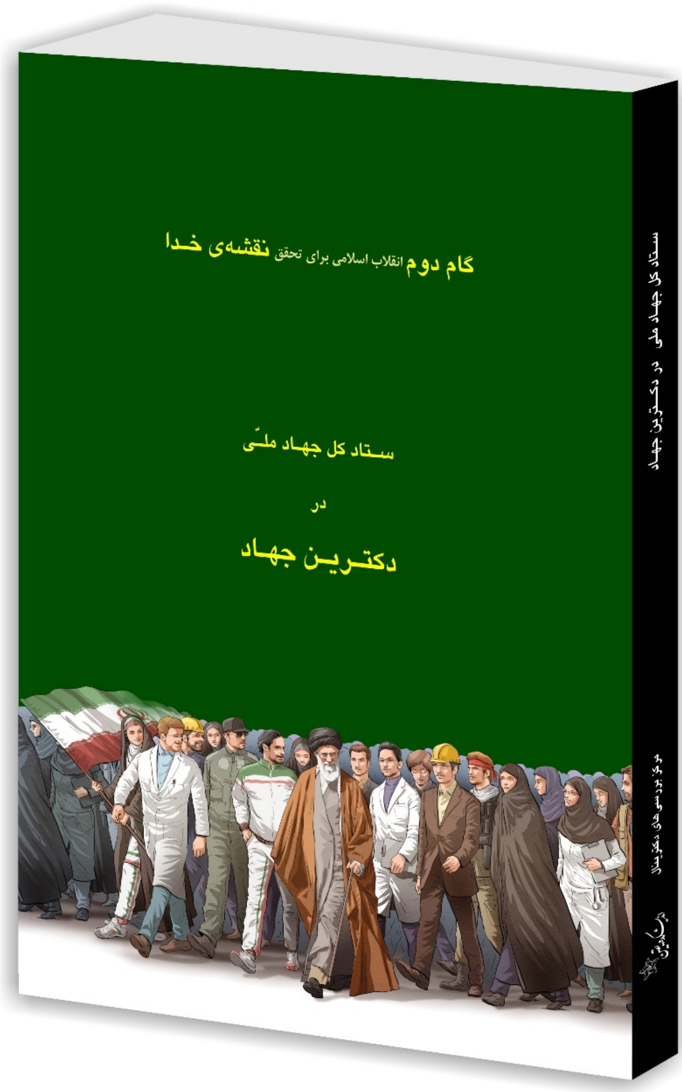
فَلا تُطِعِ الْکافِرینَ وَ جاهِدْهُمْ بِهِ جِهاداً کَبیراً ... آیه ۵۲ فرقان

«[ای رسول ما] اطاعت [و تبعیت] از کافران نکن، و با آن‌ها جهاد کن؛ جهادی کبیر.»

اگر دشمن می‌کوشد که مسلمین را به تبعیت و اطاعت از خود وادارد، تنها راه برای او ایجاد تطبیع است؛ باید طبع مسلمین با طبع کفار و مشرکین منطبق و هم‌سو شود. دهه‌ی ۱۳۹۰ دهه‌ی تلاشِ لیبرال‌ها [در هم‌سویی با استکبار جهانی در تحققِ «تطبیع» [نرمالیزاسیون یا عادی‌سازی] بود.

* **«گفتمان اعتدال به دنبال «نرمالیزاسیون» و «عادی‌سازی» است. هدف دولت روحانی از «عادی‌سازی»، بازگرداندن عرصه‌ی عمومی کشور به شرایط غیراستثنایی [غیرانقلابی] و نرمال کردن فضاست... تا قبل از بیست و چهارم خرداد ۹۲ و انتخاب دولت اعتدال، ما در حادترین وضعیت استثنایی قرار داشتیم. روحانی انتخاب شد و حالا او با گفتمان اعتدال به دنبال «نرمال کردن قدرت» است. در اولین گام، از لزوم رفع بحران در سیاست خارجی صحبت شد. جدی‌ترین بحران دولت، بحران هسته‌ای بود و روحانی ترجیح داد با حل کردن این بحران سهمگین، به‌صورتی حداکثری از تراکم بحران بکاهد. او تلاش کرد تا مفاهیم را به حالت «نرمال» بازگرداند.»** [مقاله **سعید حجاریان**، ماهنامه اندیشه پویا، شماره ۲۸، شهریور ۱۳۹۴]

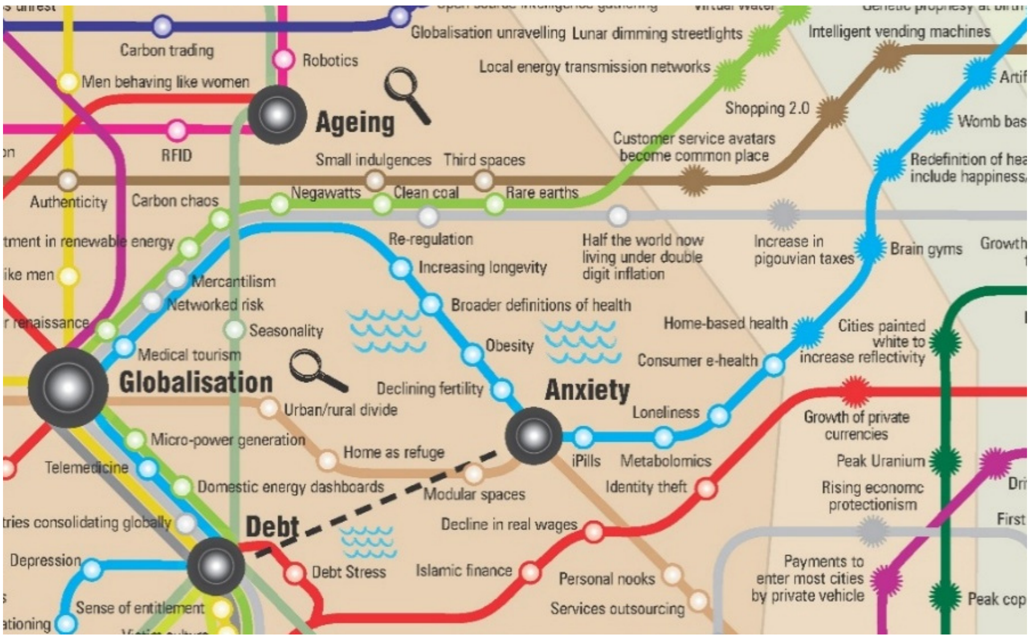




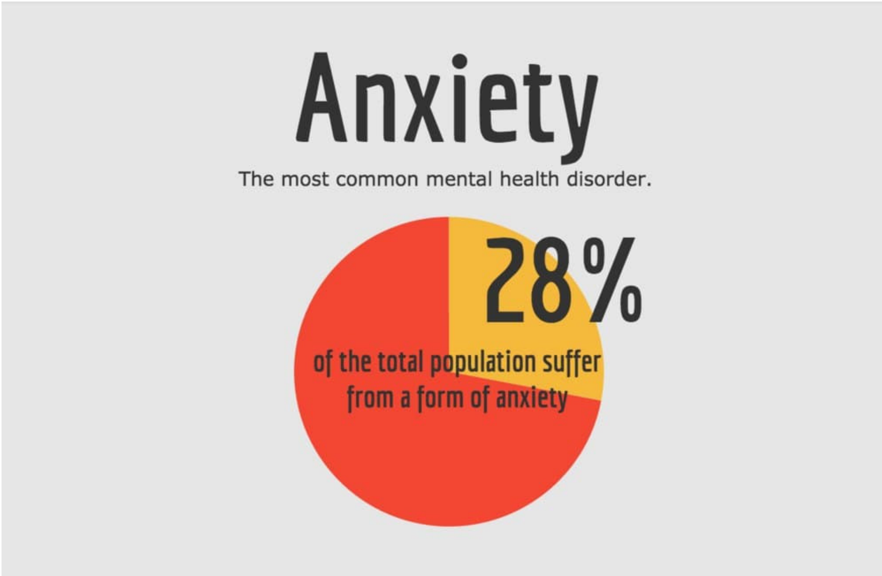
مجاهدت صرف نظامی (که نوعی از جهاد صغیر است) اکنون جای خود را به «جهاد کبیر» داده است. جهاد کبیر مبتنی بر عدم اطاعت و هم‌چنین عدم تطبیع با دشمن (آمریکا و اروپا) بوده و قواعد آن کاملاً نامتقارن است. [امام خامنه‌ای، خرداد ۱۳۹۵، دانشگاه امام حسین(ع)]

روند ۲/۵ اضطراب‌زدایی

از سال ۲۰۰۰، اضطراب به بیماری شایع تمدن مدرن تبدیل شد و در سال ۲۰۱۰ در گزارش ریچارد واتسن، بیماری اضطراب در افق ۲۰۵۰ شایع‌ترین بیماری روانی بشر، در سطح جوامع مدرن است.



اکنون در ۲۰۲۳ بیش از ۲۸ ٪ آحاد تمدن مدرن از این بیماری رنج می‌برند، و در بازه‌ی ۲۰۳۵ [سال ۱۴۱۴ شمسی] این روند، افزایش می‌یابد.



از اندازه‌ی شیوع این بیماری روحی در ایران برآورد دقیقی وجود ندارد، اما در سطح جوانان [به‌ویژه در بین زنان و دختران] به‌مرور اضطراب شایع شده و توان نیروی انسانی را می‌فرساید.

رقابت سخت در مناسبات شغلی و تحصیلی [و در شئون مختلف زندگی]، سطح بالای انتظار از خود و جامعه، و رسانه‌های اضطراب‌زا [شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام]، مراودات مالی پرنوسان و قمارگونه، فقدان چشم‌انداز روشن از دورنمای زندگی، لذت‌گرایی مفرط، بیهودگی زندگی، و نگرانی از پیری و مرگ، عوامل اصلی شیوع اضطراب در بین جوانان است.

درمان اضطراب در تعمیق «ایمان» است و کسی که مؤمن‌تر است، به‌ندرت در مناسبات دنیوی دچار اضطراب می‌شود. ترازیابی «اطمینان» قلبی در مؤمنین، نقطه‌ی مقابل «روند اضطراب» است؛ که فرمود: «... أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوب ... آیه ۲۸ رعد».

❋ در بازه‌ی برنامه‌ی هفتم، بر بستر مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، بیماری اضطراب [در بخش‌های مدرن‌تر جامعه‌ی ایرانی] شیوع مضاعفی می‌یابد. ازاین‌رو با گسترش برنامه‌های معنوی، و «توسل» و «تمسک»، در مناسبت‌هایی مانند ماه‌های رجب، شعبان، رمضان، یا محرم و صفر، باید با این بیماری مخرب تمدنی مقابله کرد.

فصل هفتم

هیأت مستشاری

قرارگاه عرش‌الرّحمن

هیأت مستشاری

مرکز اشاعه‌ی ایمان

رونـد ۲/۱/۸ هیـأت مستشاری اشاعه‌ی ایمـان

هر مجموعه‌ی قرارگاهی، یک هیأت مستشاری دارد که در ایجاد، حفظ و بسط حوزه‌ی مأموریتی آن قرارگاه، مسئولیت «ستادی» و «صفّی» دارند.

مرکز اشاعه‌ی ایمان هم در اقدامات قرارگاهی عرش‌الرّحمن، از یک هیأت جامع مستشاری برخوردار است که در چهار سطح دسته‌بندی می‌شود:

۱) **سطح یک**: مستشاران موضوعی که در هریک از متعلّقات هفت‌گانه‌ی ایمان، و یا متعلّقات هفت‌گانه‌ی کفر، متخصص و متبحّر هستند.

۲) **سطح دو**: مستشارانی که در همه‌ی حوزه‌های متعلّقات کفر و ایمان، صاحب «نظر» هستند.

۳) **سطح سه**: مستشارانی که هم در حوزه‌ی کفر و ایمان، و هم در حوزه‌ی عمل فاسد و عمل صالح، مجتهد هستند.

۴) **سطح چهار**: مستشاران جامع، که در حوزه‌ی بصر و نظر، بر ایمان و کفر، و در حوزه‌ی عمل، بر فساد و صلاح، و در حوزه‌ی بازی جنگ عقل و جهل، مبحّر هستند و بر دکترین کبیر انقلاب اسلامی، مُشرف و محیط شناخته می‌شوند.

رونـد ۲/۱/۹ جنبش اشاعه‌ی ایمـان